



آستان قدس رضوی  
مراکز کتابخانه‌ها، موزه و مرکز اسناد



アジア  
研究  
図書館  
Asian  
Research  
Library

سلسله انتشارات کتابخانه مطالعات آسیایی ۱۰

با همکاری سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها

و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

# گونه‌شناسی اسناد آستان قدس رضوی در عصر صفوی

تألیف  
الحه محبوب فریمانی

با همکاری و مقدمه  
کازونو موری موتو

بخش پیشبرد پژوهش، کتابخانه مطالعات آسیایی  
نظام کتابخانه‌ای دانشگاه توکیو

محبوب فریمانی، الهه، ۱۳۵۵ –

گونه‌شناسی اسناد آستان قدس رضوی در عصر صفوی / الهه محبوب فریمانی (تألیف)؛  
کازوئو موری‌موتو (همکاری و مقدمه). – توکیو: بخش پیشبرد پژوهش، کتابخانه مطالعات  
آسیایی، نظام کتابخانه‌ای دانشگاه توکیو، ۲۰۲۶ م.  
۱۶۴ + iv ص. – (سلسله انتشارات کتابخانه مطالعات آسیایی؛ دفتر ۱۰)

ISBN 978-4-910718-11-8

© بخش پیشبرد پژوهش، کتابخانه مطالعات آسیایی، نظام کتابخانه‌ای دانشگاه توکیو  
حق چاپ محفوظ است.

---

アジア研究図書館叢書 10

A Typology of Razavi Shrine Documents from the Safavid Period

サファヴィー朝期レザー廟文書群の諸類型

令和 8 年 (2026 年) 2 月 27 日発行

著者 マフブーブ・ファリーマーニー，エラーヘ  
協力・ペルシア語序文 森本 一夫

発行者 東京大学附属図書館アジア研究図書館研究開発部門 ©  
東京都文京区本郷 7-3-1

印刷所 富士リプロ株式会社

ISBN 978-4-910718-11-8 Printed in Japan

---

## فهرست مطالب

۵	مقدمه کازوئو موری موتو
۷	درآمدی بر پژوهش
۱۳	فصل اول: ساختار و عناصر بصری اسناد
۱۷	فصل دوم: اسناد مرتبط با دربار و دیوان الصداره
۱۷	پروانچه / پروانه
۲۳	رقم
۲۷	مثال
۳۰	خطاب
۳۵	فصل سوم: اسناد صادره از سوی متولی
۴۳	فصل چهارم: اسناد صادره از سوی مستوفیان
۴۳	دفاتر مالی
۴۴	صدر حساب
۴۴	گوشوار / گوشواره
۴۵	دفعه و بابت
۴۵	حشو و بارز
۴۶	ترقین

۴۷.....	جایزه.....
۴۸.....	تماماً رسید.....
۴۹.....	داخلا/ داخلا شد.....
۴۹.....	دفتر روزنامه‌چه.....
۵۱.....	اجزای دفاتر روزنامه‌چه.....
۵۶.....	دفتر اوارچه.....
۶۱.....	دفتر توجی‌هات.....
۶۵.....	دفاتر مُجَمَّل.....
۶۸.....	برات.....
۷۳.....	قبض وصول.....
۷۶.....	تسعیرنامه‌چه.....
۷۹.....	فصل پنجم: اسناد شرعی و مردمی.....
۷۹.....	تمسک.....
۸۲.....	اجاره‌نامه.....
۸۴.....	محضر.....
۸۶.....	وکالت‌نامه.....
۸۸.....	عریضه.....
۹۱.....	فصل ششم: عبارات پایانی.....
۹۵.....	فصل هفتم: متن بازخوانی تصاویر اسناد.....
۱۳۹.....	فهرست تصاویر اسناد.....
۱۴۳.....	واژه‌نامه.....
۱۴۹.....	فهرست منابع.....
۱۵۳.....	نمایه‌ها.....

## مقدمه

مایه بسی خرسندی است که اکنون می‌توانم برای کتاب ارزشمند *گونه‌شناسی اسناد آستان قدس در عصر صفوی*، تألیف همکار دانشمند سرکار خانم دکتر الهه محبوب، مقدمه‌ای هرچند کوچک بنویسم.

این کتاب حاصل اصلی کارگاهی با همین عنوان است که در روزهای ۲۲ و ۲۳ مارس ۲۰۲۵ در کتابخانه مطالعات آسیایی دانشگاه توکیو - و نیز به صورت آنلاین - با تدریس دکتر محبوب برگزار شد. در این کارگاه تخصصی، حدود بیست نفر شرکت‌کننده - نه تنها از ژاپن بلکه از کشورهای آلمان، اتریش و انگلستان - حضور داشتند و به رهبری دکتر محبوب و به زبان فارسی به آموزش و مباحثه پرداختند. کارگاه، هرچند در قالب آموزشی برگزار شد، در سطحی کاملاً پژوهشی بود و بی‌تردید در بردارنده مطالب و دیدگاه‌هایی بود که تعمیم آن در محافل علمی جهانی می‌تواند به پیشبرد پژوهش‌های تاریخی و سندشناسی درباره ایران و قلمرو فارسی یاری رساند. البته از پیش آشکار بود که کارگاهی با رهبری دکتر محبوب، تحلیل‌گر تیزبین مستقر در خود آستان قدس و مسئول مرکز اسناد آن، درست چنین ویژگی‌ای خواهد داشت. مایه خوشحالی عمیق است که این جانب، به‌عنوان مسئول برگزاری آن کارگاه، اکنون می‌بینم دستاوردهای آن در قالب این کتاب در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

برگزاری آن کارگاه و انتشار این کتاب صرفاً به لطف برقراری ارتباط رسمی و امضای تفاهم‌نامه همکاری علمی میان کتابخانه مطالعات آسیایی دانشگاه توکیو و سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در مارس ۲۰۲۴ امکان‌پذیر گردید. مراتب سپاس خود را به رؤسای هر دو نهاد، جناب استاد ایچی ساگاوا و جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر سیدجلال حسینی، تقدیم می‌دارم که امکان بالقوه همکاری میان دو نهاد را به خوبی دریافتند و در تحقق آن هیچ دریغ نکردند. همچنین از خانم دکتر زهرا طلایی قدردانی می‌کنم که بدون پشتکار و شکیبایی ایشان، پیوند میان دو نهاد هرگز تحقق نمی‌یافت و ما امروز شاهد این دستاورد ارزشمند نمی‌بودیم. نیز به

همه همکارانی که در فرایند برقراری این همکاری دوسویه یاری رساندند، پیام سپاس می‌فرستم. دو نهاد در تولید این کتاب نیز همکاری‌ای فراتر از آن داشتند که تألیف یکی از اعضای یک نهاد را نهاد دیگری چاپ و منتشر کند. صفحه‌بندی با مسئولیت طرف مشهد توسط انتشارات آستان قدس انجام گرفت و چاپ و صحافی بر عهده طرف توکیو بود. دو آرم نهادهای همکار که در کنار هم دیده می‌شود، یادبود و نماد این اقدام مشترک است. امیدوارم بتوانیم فرصت‌های دیگری نیز فراهم آوریم تا دو نهاد همکار، چنین کارهای ارزشمند و معناداری را به صورت مشترک ادامه دهند.

در پایان، از سرکار خانم دکتر محبوب، «مدرس محبوب» در کارگاه و مؤلف فرهیخته این کتاب، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم که با وجود مسئولیت‌های سنگین و مستمر، با رویی گشاده زحمات فراوانی را در راستای گسترش همکاری میان دو نهاد و پیشبرد دانش در حوزه‌های مرتبط بر عهده گرفتند. امید است بر پایه دوستی‌ای که در جریان این همکاری‌ها میان ما پدید آمد، زمینه کارهای ثمربخش دیگری نیز فراهم آید.

کازوئو موری موتو

استاد تاریخ اسلام و ایران

مؤسسه مطالعات پیشرفته آسیا و کتابخانه مطالعات آسیایی

دانشگاه توکیو

## درآمدی بر پژوهش

مشهد مقدس، به واسطه مدفن امام هشتم شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، از همان قرون اولیه اسلامی جایگاه ویژه‌ای در جهان تشیع یافت. شهادت ایشان در سال ۲۰۳ق/ ۸۱۸م. در توس خراسان، آغاز شکل‌گیری این قطب زیارتی بود که از قرن چهارم هجری قمری (دهم میلادی) با وقف نخستین قرآن‌ها، مسیر توسعه نهادی خود را آغاز کرد. علی‌رغم گسترش آستانه رضوی در ادوار غزنوی، سلجوقی، مغول و تیموری (قرون ۴ تا ۹ق. ۱۰ تا ۱۵م.)، شکوه اداری و سازمانی این مجموعه در عصر صفویه به اوج خود رسید.

صفویان با اتخاذ سیاست‌های مذهبی و سیاسی هدفمند، مشهد را به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز زیارتی شیعیان تثبیت کردند. اعطای وقف‌نامه‌ها، توسعه معماری حرم و سفرهای زیارتی مکرر شاهان صفوی، جملگی در راستای تحکیم پیوند معنوی سلطنت با جایگاه امامت و تقویت مشروعیت سیاسی آنان صورت گرفت.

بیشترین تلاش‌ها از سوی شاه عباس اول صفوی انجام شد؛ اقدامات او را در سه مرحله می‌توان خلاصه کرد: بازپس‌گیری خراسان در ۱۰۰۷ق. / ۱۵۹۸م. که مشهد و هرات را به طور دائم به قلمرو صفویان الحاق کرد؛ سفر معروف او با پای پیاده به مشهد در سال ۱۰۱۰ق. / ۱۶۰۱م.؛ و توسعه بنای حرم در دوره‌های بعد که با آرمان‌های شیعی امپراتوری صفویان همخوانی داشت.

نخستین سفر زیارتی شاه عباس اول در سال ۹۹۶-۹۹۷ق. / ۱۵۸۷-۱۵۸۸م. به شهر مشهد، مقارن با آغاز سلطنت او بود. وی در این سفر، علاوه بر زیارت حرم مطهر رضوی، مدتی برای مقابله با حملات ازبک‌ها، در خراسان ماند و برای مناطقی که به تصرف ازبکان در نیامده بود، حاکمانی تعیین نمود (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۳-۳۱۴). ده سال پس از این سفر، در سال ۱۰۰۷ق/ ۱۵۹۸م. شاه عباس پس از یورش ازبکان، که ویرانی زیادی در خراسان و مشهد به بار آورده بود، بار دیگر به زیارت حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) رفت (اسکندربیک منشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۱۱-۹۱۰).

۹۱۲). با توجه به این وضعیت، شاه عباس برای سروسامان دادن به امور آستانه مقدسه، دستور ایجاد بیوتات، شربت‌خانه و مطبخ را صادر کرد و قاضی سلطان تربتی را به عنوان متولی و میرمحمد جعفر و ملامحمد کاظم را به عنوان مدرّس آستان قدس رضوی تعیین نمود (منجم یزدی، ۱۴۰۰، ص ۲۷۵ و ۲۵۹). شاه عباس در جریان همین سفر، منصب خادم باشی‌گری آستان قدس رضوی را به عنوان یک منصب مهم، به خود اختصاص داد (اسکندر بیک منشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۶۲). وی در سفر دیگری در اول صفر ۱۰۰۸ ق. / ۱۵۹۹ م.، به قصد زیارت به خراسان رفت و در نزدیکی شهر مشهد، به احترام امام رضا (ع) از اسب پیاده شد و بقیه راه را پیاده رفت، و تمام زمستان آن سال را در مشهد بود و هر شب و هر روز به دعا، زیارت و خدمت در حرم امام هشتم مشغول بود (اسکندر بیک منشی، ۱۳۷۷، ص ۹۶۲).

در سال ۱۰۱۰ ق. / ۱۶۰۱ م.، در حالی که حکومت داخلی صفویه تثبیت شده و قوای ازبک سرکوب شده بود، شاه عباس مشهورترین سفر زیارتی خود را انجام داد. شاه عباس پس از رسیدن به مشهد، در ماه‌های رجب، شعبان و رمضان در این شهر ساکن شد و در مراسم مذهبی این ایام در حرم رضوی حاضر گردید و در کنار شب‌زنده‌داری، امور مربوط به خدمه، مثل جارو کشیدن فرش‌ها و خاموش کردن شمع‌ها را برای نشان دادن اخلاص و سرسپردگی شخصاً انجام می‌داد (اسکندر بیک منشی، ۱۳۷۷، ص ۹۸۳-۹۸۴).

از روزگار شاه عباس اول صفوی مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی بر جای مانده است. این مجموعه که حدود هفتاد هزار برگ سند را دربر می‌گیرد، تا سال ۱۳۶۲ ش. همراه با قرآن‌ها و جزوات قرآنی در یکی از انبارهای فرش حرم امام رضا (ع) نگهداری می‌شد و در همان سال به کتابخانه آستان قدس رضوی انتقال یافت. بررسی اولیه این اسناد تا سال ۱۳۶۳ ادامه پیدا کرد و پس از بسته‌بندی مقدماتی، به مخزن مخطوطات کتابخانه سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶، این اسناد بار دیگر همراه با قرآن‌ها مورد بازبینی قرار گرفت و پس از انجام موضوع‌بندی اولیه، به اداره مخطوطات تحویل شد. با تأسیس اداره اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۶، مجموعه اسناد یادشده به این اداره منتقل گردید و عملیات فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی و سپس تهیه نسخه دیجیتال از آن آغاز شد. سرانجام، در سال ۱۳۸۸ / ۲۰۰۹ میلادی، این اسناد در فهرست حافظه جهانی یونسکو به ثبت رسید.

موضوع این اسناد، طیفی گسترده از مباحث مربوط به تشکیلات اداری حرم و واحدهای وابسته به آن - همچون دارالشفاء، کتابخانه و مهمانسرا - و نیز درآمدها و هزینه‌ها، شیوه مدیریت اراضی و مستغلات وقفی از جمله مزارع، دکانین و سایر املاک را در بر می‌گیرد.

این مجموعه از مهم‌ترین و منحصربه‌فردترین منابع باقی‌مانده از عصر صفوی است؛ منابعی که

مطالعه آن‌ها نه تنها روش اداره یکی از مقدس‌ترین بقاع شیعی را آشکار می‌سازد، بلکه بازتاب‌دهنده سیاست‌های مذهبی شاهان صفوی، فرهنگ وقف و موقوفات و باورهای دینی مردم آن دوره نیز هست. افزون بر این، از آنجا که اسناد اداری دوره صفوی به ندرت باقی مانده، بررسی شکل و ساختار این اسناد می‌تواند قواعد حاکم بر سندنویسی فارسی در آن روزگار را روشن سازد.

درباره اسناد آستان قدس در دوره صفوی، تاکنون پژوهش‌هایی به شکل معرفی مجموعه اسناد تشکیلات اداری، ساختار سندشناسی و تجزیه و تحلیل محتوای آن<sup>۱</sup> انجام یافته است. رمضان علی شاکری نخستین فردی است که این مجموعه را معرفی کرده، وی در مقاله «گزاره‌ای از قرآن‌های خطی و اسناد باز یافته کتابخانه آستان قدس رضوی» که در سال ۱۳۶۴ در مجله مشکوة به چاپ رسیده است، در مورد قرآن‌ها و اسناد قدیمی که در صحن آزادی به دست آمده مختصری نوشته است. شاکری قسمتی از اسناد مربوط به تشکیلات اداری کتابخانه آستان قدس را در سال ۱۳۶۷ در کتاب گنج هزارساله معرفی کرده است. ابوالفضل حسن‌آبادی در سال ۱۳۸۲ در مقاله «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه» در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، گزارش کوتاهی درباره اسناد صفوی موجود در آرشیو کتابخانه آستان قدس رضوی داده است. وی به همراه الهه محبوب در سال ۲۰۰۹ در مقاله «Introducing the Safavid Documents of the Directorate of Documents and Publications of the Central Library of the Holy Shrine at Mashhad (Iran)» که در مجله Iranian Studies، منتشر شد، مجموعه اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی را به طور مفصل معرفی کردند. سعیده جلالیان در مقاله «مقدمه‌ای بر شناخت کهن‌ترین مجموعه سندی مرکز اسناد آستان قدس رضوی» در سال ۱۳۹۳ در مجله پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، به تاریخ کشف این اسناد و محتوای موضوعی آن‌ها اشاره کرده است.

غیر از مقالات یادشده که به معرفی مجموعه اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی پرداخته‌اند، برخی نویسندگان تنها به معرفی و بررسی تعدادی از اسناد این مجموعه بسنده کرده‌اند. هریبرت بوسه نیز در کتاب «پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوره آق‌قویونلو، قراقویونلو و صفوی» (۱۳۶۷)، سه فرمان از شاهان صفوی را که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است، معرفی کرده است. مدرّسی طباطبایی برخی از این اسناد را در مقاله «پنج فرمان مربوط به مشهد و آستان قدس رضوی» (نامه آستان قدس، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷)، منتشر نموده است. همچنین در کتاب «گزیده اسناد فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی» نوشته ربابه معتقدی (۱۳۸۷)، دو فرمان از آن مجموعه نیز به چاپ رسیده است.

۱. لازم به توضیح است که در حوزه محتوای اسناد مزبور، به صورت موضوعی مقالات و کتاب‌های چندی تالیف شده‌اند که در اینجا از معرفی آن صرف نظر می‌شود.

حمیده شهیدی در کتاب «فرمان‌های آستان قدس رضوی در دوره صفویه» (۱۳۹۷)، شماری از پروانچه‌ها، ارقام و تعلیقچه‌های مربوط به آستان قدس را معرفی کرده است.

در پژوهش‌های یادشده، تنها متن فرامین منتشر شده است. جز بوسه و شهیدی، هدف سایر پژوهشگران صرفاً معرفی اسناد به‌عنوان منبعی اطلاعاتی بوده و تحلیلی بر آن‌ها ارائه نشده است. بوسه نیز در کتاب خود، ضمن آوردن همین دو فرمان، کوشیده است تصویری از تشکیلات دیوان اسلامی در دوره‌های آق‌قویونلو، قراقویونلو و صفوی ترسیم کند. شهیدی هم در مقدمه کتاب خود، به ساختار سندشناسی، اسناد مزبور پرداخته است.

اما در حوزه ساختار سندشناسی اسناد مزبور، که موضوع کتاب حاضر است؛ چندین مقاله منتشر شده است. سالم حسین‌زاده در مقاله «بررسی دفاتر دیوانی و مالی آستان قدس در عصر صفوی» چاپ‌شده در دفتر اسناد در سال ۱۳۸۷، به معرفی تقسیمات دفتر اوارجه آستان قدس پرداخته است. ابوالفضل حسن‌آبادی در مدخل «اوارجه»، محمدسوهانیان حقیقی در دو مدخل «توجیحات» و «روزنامه‌چه» و رضا نقدی در مدخل «برات» در *دائرةالمعارف آستان قدس* (۱۳۹۳)، به صورت مختصر به معرفی این اسناد و کاربرد آن در تشکیلات اداری آستان قدس رضوی اشاره کرده‌اند.

حمیده شهیدی، در مقاله «بررسی پروانچه‌ها در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه» در *مجله گنجینه اسناد* (۱۳۹۲)، ساختار سندشناسی پروانچه‌های آستان قدس را بررسی کرده است. نگارنده در مقالات «تمسک در اسناد اداری و وقفی آستان قدس»، در *مجله پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی* (۱۳۹۱)، «برات‌های آستان قدس در دوره صفوی و افشاری» در *نشریه آرشیو ملی* (۱۳۹۸)، «بررسی ساختار و اجزای دفتر توجیحات در عصر صفوی» در *مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی* (۱۳۹۴) و *تدوین کتاب دفاتر مالی عصر صفوی: بررسی ساختار ظاهری و محتوایی دفاتر توجیحات و انتشار آن در سال ۱۴۰۲*، به معرفی ساختار سندشناسی بخشی از این اسناد پرداخته است.

مجموعه حاضر، با سال‌ها تجربه در مطالعات اسناد آستان قدس تدوین شده و بخشی از طرح پژوهشی «شناخت اسناد صفوی و افشاری آستان قدس رضوی» را شکل می‌دهد. گزیده‌ای از این اسناد با نام «گونه‌شناسی اسناد صفوی در آستان قدس» در کارگاهی دو روزه در دو نوبت صبح و بعد ظهر، در تاریخ ۲۲ و ۲۳ مارس ۲۰۲۵، در کتابخانه مطالعات آسیایی دانشگاه توکیو برای پژوهشگران ایران‌شناسان دانشگاه‌های ژاپن، آلمان، انگلیس و اتریش، ارائه و قرار شد که حاصل کار به صورت یک کتاب منتشر شود. بی‌گمان بررسی اسناد صفوی گسترده‌تر از توان یک اثر است، ولی امیدوارم این پژوهش انگیزه و دقت محققان ایران‌شناس را برای تحقیقات آتی برانگیزد.

هدف از کارگاه و انتشار مطالب آن به شکل کتاب، آشنایی با انواع اسنادی است که در تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفوی وجود دارد که به دو سؤال پاسخ دهد:

- ▲ ساختار سندشناسی آن بر چه اساسی تنظیم شده است؟
  - ▲ کاربرد آن در تشکیلات اداری آستان قدس چه بوده است؟
- بدین منظور، اسناد بر اساس کارکرد به سه دسته اصلی تقسیم شده و مورد مطالعه قرار می‌گیرند:
- ▲ اسناد مرتبط با دربار و دیوان الصداره: مانند فرامین شاه و صدر.
  - ▲ اسناد مدیریت داخلی تشکیلات آستان قدس رضوی: شامل دستورات متولی (رقم، تعلیقچه، تصدیق) و اسناد تولیدی مستوفیان (دفاتر و اسناد مالی).
  - ▲ اسناد شرعی و اجتماعی: مانند تمسک، اجاره‌نامه، محضر و عریضه، که در ارتباط با اداره موقوفات و یا مشکلات مردم و کارکنان آستان قدس تولید شده است.

برای انجام کار، ابتدا هر سند معرفی شده، سپس کاربرد آن در آستان قدس و نیز ساختار سندشناسی آن بر مبنای تصاویر اسناد توضیح داده می‌شود. متن بازخوانی نمونه اسناد در انتهای کتاب آمده است. تمامی اسناد مزبور در دفاتر توجیهاات ثبت می‌شدند؛ بنابراین برای آشنایی با شیوه ثبت اسناد در دفتر توجیهاات، نمونه‌ای از تصویر هر سند در دفتر توجیهاات آورده شد. به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان با شکل دفاتر در دیوان، نمونه‌ای از اسنادی که در رساله سیاق ابواسحاق غیاث‌الدین محمد کرمانی که در دوره صفوی نگاشته شده، در کنار اسناد آستان قدس آمده است. در انتهای کتاب، واژه‌نامه برای توضیح اصطلاحات نوشته شده است. هر جا در متن، به اسناد آستان قدس استناد شده، شماره ثبت اسناد در آرشیو آستان قدس با علامت اختصاری (س) آمده است. در شیوه بازخوانی اسناد، تلاش بر حفظ اصل متن بوده و کلماتی که خواننده نشده با علامت [؟] مشخص، واژگانی که با تردید خوانده، داخل کروشه [ ] گذاشته شده، شکل صحیح املائی کلمات در متن اصلاح و در پاورقی در مورد آن توضیح داده شده است. اگر کلمه‌ای به دلیل پارگی سند، مشخص نیست با علامت [-] تعیین شده است.

قدر مسلم است که بررسی اسناد صفوی بسیار گسترده است و مباحث بسیاری در این کتاب به دلیل محدودیت صفحه، مطرح نشد. اما امیدوارم که توجه پژوهشگران و ایران‌شناسان را به اسناد صفوی آستان قدس معطوف سازد تا تحقیقات آینده با تکیه بر این اسناد کامل‌تر فراهم شود.

در پایان از آقای پروفیسور کازوئو موری موتو که پیشنهاد انجام کارگاه، برنامه‌ریزی و اجرای آن و زمینه انتشار کتاب را فراهم ساختند و تلاش‌های بسیاری برای تحقق این امر انجام دادند، سپاسگزاری می‌کنم. از رئیس کتابخانه مطالعات آسیایی دانشگاه توکیو جناب استاد آقای دکتر ایچی ساگاوا

که فرصت انجام کار را فراهم آوردند، سپاسگزارم. از ریاست محترم سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، جناب آقای سید جلال حسینی و سرکار خانم دکتر زهرا طلایی که با انعقاد تفاهم‌نامه با کتابخانه مطالعات آسیایی دانشگاه توکیو و پیگیری‌های مستمرشان، زمینه ارتباط پژوهشگران طرفین را فراهم ساختند تشکر می‌کنم. از آقای محسن ناجی بابت ویرایش ادبی و آقای نیما نقوی بابت صفحه‌آرایی کتاب سپاسگزاری می‌کنم. قدردان همراهی اساتید و پژوهشگرانی هستم که حضوری و آنلاین در کارگاه حاضر شدند و با پرسش‌های سازنده، بر غنای بحث افزودند.

الهه محبوب فریمانی

## فصل اول: ▲

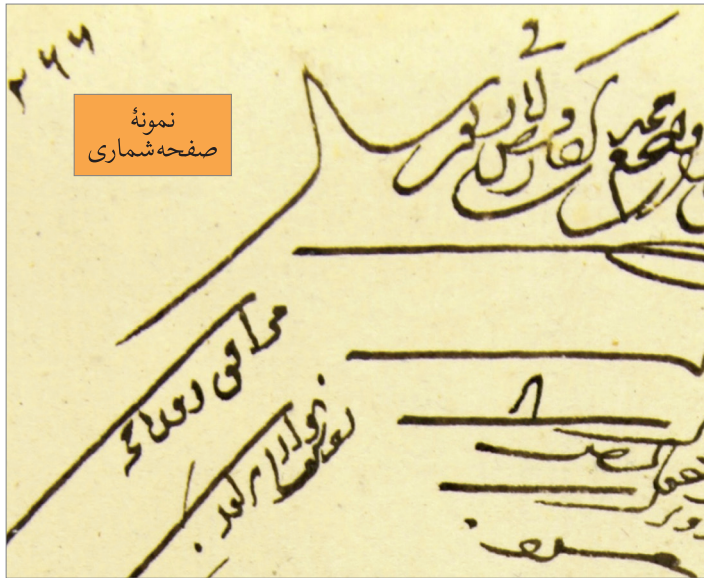
### ساختار و عناصر بصری اسناد

اسناد مجموعهٔ تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفوی، با توجه به نوع سند بر روی قطع‌های متفاوتی از کاغذ تدوین شده‌اند. دفاتر مالی و برخی از اسناد مالی بر روی فردهای محاسباتی نوشته شده‌اند. فرد که جمع آن افراد نامیده می‌شود، ورقه‌ای به مقدار نصف قطع خستی بود که مستوفیان بر آن جمع و خرج ولایتی یا ایالتی یا خرج خاصی را می‌نوشتند و زیر هم دسته می‌کردند. مستوفی این فرد را از طرف طول دولا می‌کرد، تا خطوط ضلع‌ها مقابل هم و مساوی باشند (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲). در اسناد آستان قدس، اندازه فردها بین ۲۳×۱۳ با اختلاف نیم سانت در نوسان است. دفاتر مالی بر روی فردهای محاسباتی نوشته می‌شد که اندازه آن بین ۱۳ در ۲۲ و یا ۱۴ در ۲۳ متغیر بود.

اگر محاسبه دفاتر در چند فرد یا ورق بود باید صفحه‌شماری می‌شد. این شماره‌گذاری به چند طریق بود: یا باید به حساب ابعاد روی مفرده می‌نوشتند یا اگر زیادتر از دو صفحه بود باید به صورت اعداد هندی<sup>۱</sup> می‌نوشتند. تنها صورت «نُه هندی» (۹) را نباید می‌نوشتند، چون صورت ترقین بود و ممکن بود فکر کنند ورق باطل است (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۵؛ رساله در سیاق، ب ۸۰). در اسناد آستان قدس شماره فردها در گوشه سمت چپ بالا و گاهی هم در گوشه سمت چپ پایین یا بر روی واژگان صدرحساب نوشته می‌شد (تصویر ۱).

---

۱. رقم هندی یا اعداد حسابی: حکمای هند به دلیل خفت (سادگی) حساب، این رقم را وضع کرده‌اند. این رقم مشتمل بر نُه شکل است به این طریق: ۱۲۳۴۵۶۷۸۹ (کرمانی، نسخهٔ آستان قدس، ب ۴۲ و ۴۳).



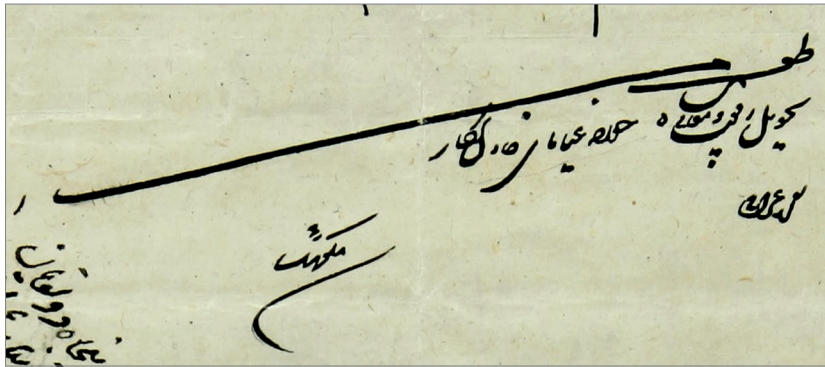
تصویر ۱: نمونه سند صفحه شماری شده

تعدادی از اسناد مالی، سیاهه‌های جمع و خرج و عریضه‌ها، بر روی کاغذهایی به شکل طومار نوشته شده‌اند. برای این کار چند فرد را به هم متصل می‌کردند و در پشت فردهای متصل شده، علامت مهر وصل زده می‌شد (تصویر ۲). واژه طومار و موضوع آن را در ابتدای صفحه می‌نوشتند. موضوعاتی که واژه طومار در ابتدای آن آمده شامل: «طومار تحویل» (س ۲۸۹۵۳)، «طومار حاصل» (س ۳۱۸۹۹/۲۵)، «طومار نذورات» (س ۳۲۴۱۴) و «طومار تحصیل» (س ۳۴۶۵۵) است (تصویر ۳).



تصویر ۲: مهر وصل پشت سند طومار

۱. علامت اختصاری (س)، مربوط به شماره ثبت اسناد در آرشیو آستان قدس است.



تصویر ۳: آغاز متن که با واژه طومار شروع شده است.

اسنادی مانند محاضر و عریضه‌ها که توسط مردم تهیه می‌شد قطع یکسانی نداشتند. به طور نمونه، در اسناد آستان قدس، قطع محاضر در دوره شاه عباس اول بین ۱۵×۲۸٫۵ و ۱۴×۳۳٫۵ و در دوره شاه سلیمان بین ۱۲×۱۵ و ۱۶٫۵×۴۴٫۵ است.

کاغذ اسناد کشمیری، نخودی رنگ و آهار مهره است. علامت تریب در اسناد مالی (قبض وصول و برات)، اسناد شرعی (اجاره‌نامه و وکالت‌نامه) و اسناد دیوانی (پروانچه، خطاب و مثال) دیده می‌شود. اما دفاتر مالی (اوارجه، روزنامه‌چه و توجیهات) فاقد این علامت هستند. این علامت یا در گوشه سمت چپ و راست پایین صفحه و یا در گوشه سمت راست بالا رعایت شده و به نظم خاصی برای میزان برش آن قایل نبودند. خط اسناد، دیوانی و در پاره‌ای موارد نستعلیق شکسته بود. استفاده از سیاق عددی و نوشتاری در اسناد مالی بسیار رایج بوده و نشان‌دهنده سبک سیاق نویسی ویژه این دوره است. به غیر از اسناد دیوانی و مردمی سایر اسناد توسط مستوفیان و محرران، حساب‌نویس و مشرف آستان نوشته می‌شد.



## ▲ فصل دوم:

### اسناد مرتبط با دربار و دیوان الصداره

منظور اسنادی است که از سوی شاه و دیوان الصداره برای انجام امور آستان قدس صادر می‌شد. مخاطب آن متولی، نایب متولی، مستوفی و عمال سرکار فیض آثار بودند. این اسناد شامل پروانچه، رقم، مثال و خطاب بود.

#### پروانچه / پروانه

پروانه، (یا پروانچه) واژه‌ای فارسی به معنای حکم، فرمان، اجازه، جواز، نشان، برات، حواله، گواهی‌نامه، اجازه‌نامه است (فرهنگ سخن؛ دهخدا، ذیل واژه).

در دوره صفوی پروانچه یکی از اسناد مهم دیوان است. منشآت سلیمانی مناشیر و احکام را در دوره صفوی به نشان، پروانچه و رقم تقسیم کرده است. وی نشان و پروانچه را هم ردیف هم قلمداد کرده که منشیان در نوشتن هر دو مختارند (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۲۹). شاید برای همین در انتهای برخی فرامین، به ویژه در دوره ابتدایی حکومت صفوی اشاره می‌شود که «نشان و پروانچه مجدد نطلبند» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۹). گاهی پروانچه با حکم آمده است «هر ساله حکم و پروانچه مجدد نطلبند» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۴۸). برخی پروانجات به خط خود شاه بوده است (بوداق منشی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۰).

اعتبار اداری پروانچه‌ها بالا بود. پروانچه به مهر شاه می‌رسید و فقط یک بار صادر می‌شد (قائم مقامی، یکصد و پنجاه سند تاریخی، ۱۳۴۸، ص ۲۷). اگر برای امری پروانچه از شاه قبلی صادر شده بود و قرار بود دوباره فرمان صادر شود در متن فرمان جدید به پروانچه قبلی اشاره می‌شد و حتی نام شاه قبلی در بالای سند هم می‌آمد (قائم مقامی، ۱۳۴۸، ص ۸۱؛ مجد، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳) و این اعتبار پروانچه شاه را نشان می‌دهد. غیر از شاه، سایر ارکان دفتری و دیوانی در تأیید اعتبار پروانچه نقش داشتند و با توجه به موضوع، مهر آن‌ها بر پشت سند زده می‌شد. مثلاً پروانجاتی که مربوط به محال بود باید به ثبت محرران، ضابطه‌نویس و اوارجه‌نویس می‌رسید (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰، ص ۹۷، ۱۰۰).

### کاربرد پروانچه‌ها در نظام اداری آستان قدس رضوی

در مجموعه اسناد تشکیلات اداری آستان قدس در عصر صفوی، پروانچه‌ها به شکل اصل، سواد و متن آن در دفتر توجیهات، وجود دارد. قدیم‌ترین پروانچه مربوط به سال ۱۰۰۷ ق. است (س ۱۵۵۵۸۹). همچنین در برخی اسناد مانند قبض وصول، عریضه و غیره نام پروانچه آمده و به آن استناد شده است. محتوای پروانچه‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدگی به امور آستان قدس رضوی صادر شده است. موضوع آن شامل دستورات پرداخت وظیفه (س ۲۸۵۲۵)، پرداخت حقوق به تفنگچیان (س ۲۸۶۸۱)، پرداخت مرسوم (س ۲۸۵۹۴/۵)، واگذاری خدمت خادمی، فراشی، مدرسی (س ۲۸۷۱۷)، س ۲۹۱۴۱، س ۲۹۱۳۹) و واگذاری سیورغال (س ۲۹۱۵۱) است.

#### ساختار سندشناسی:

- ▶ تسمیه با «هو، الملک لله، حسب الله» به قلم زر نوشته می‌شد.
- ▶ مهر شاه که دستور فرمان را صادر کرده، در وسط صفحه زده شده است.
- ▶ حاشیه سمت راست سند، جمله «علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثناء» در سند ۱۵۵۵۸۶؛ و «رضیه رضویة علی مشرفها السلام و التحیه» در سند دیگر به قلم زر ممتازنویسی شده است (س ۱۵۵۵۹۷/۱). در پروانچه‌های مربوط به آستان قدس، در متن هر جا به این مکان اشاره دارد، به دلیل احترام، نام امام رضا (ع) و یا روضه منوره در خارج از متن ممتازنویسی می‌شد. این تفاوت پروانچه‌های صادره برای آستان قدس با پروانچه‌های دیگر است.
- ▶ اگر در متن به سابقه پروانچه در زمان شاهان قبلی اشاره می‌کرد، جمله «شاه بابام انار الله برهانه» با رنگ قرمز ممتازنویسی می‌شد. (س ۱۵۱۱۸۱) (تصویر ۴).
- ▶ طغرای پروانچه‌ها با رنگ قرمز و عبارت «فرمان همایون شد» است (تصویر ۴).
- ▶ آغاز متن پروانچه‌ها معمولاً با «آنکه» بود. سپس موضوع اصلی بیان می‌شد. جملات پایانی دستور به ارکان اداری مرتبط برای اجرای فرمان بود. در آستان قدس این دستور به متولی، نایب متولی، مستوفی، ناظر و گاهی خدام صادر شده است. اینکه پروانچه مزبور را حکم قطعی تلقی کرده و پروانچه مجددی طلب ندارند. البته مستوفیان عظام باید سند مزبور را در دفتر ثبت کنند (س ۱۵۱۱۸۱).
- ▶ پشت سند پروانچه از بابت ثبت و یادداشت‌های دفتری بسیار مهم است. در پشت سند، یادداشت، طغرا و مهر وزیر اعظم در تأیید پروانچه و سپس مهر و یادداشت مناصب اداری چون صدرممالک، صدر خاصه، مستوفی، مجلس نویس و سایر مناصب دفترخانه به چشم می‌خورد (س ۲۹۱۵). بعد از یادداشت وزیر یا مجلس نویس، طغرای «توگلت علی الله» وزیر اعظم و طغرای «أفوض امری الی الله» صدر کشیده می‌شد. سپس سایر یادداشت‌ها به شرح ذیل می‌آمد:

«ثبت دفتر سرخط شد» (از سرخط نویس و مستوفی لشکر نویس)، «به نظر رسید» (ناظر دفتر خانه)، «صح» (مهر داروغه دفترخانه)، «به قلم آمد» (صاحب توجیه)، «نوشته شد» (مستوفی الممالک)، «ثبت شد»، «ثبت دفتر تفنگچیان شد» (تفنگچی باشی)<sup>۱</sup> (س ۲۸۶۸۱) (تصویر ۵).

از آنجایی که سند پروانچه بیشتر برای امور مالی صادر می‌شد، گاهی در پشت سند، محل‌های پرداخت با جزئیات کامل درج شده و بر روی آن مهر زده می‌شد. شاید برای انجام محاسبات توسط مستوفیان، قسمت پشت سند مفصل‌تر نوشته شده و در واقع نوعی شیوه فرمان نویسی دوره صفوی محسوب می‌گردد (س ۱۵۱۱۷۹) (تصویر ۷).

از پروانچه‌ها سواد تهیه می‌شد که ساختار آن شبیه پروانچه بود. فقط به جای مهر شاه نوشته می‌شد «موضع مهر مهر آثار نواب کامیاب اشرف اقدس همایون اعلی»، طغرا به شکل ساده نوشته می‌شد «فرمان همایون شد» (تصویر ۶).

پشت سند سواد پروانچه، دارای محل مهر و یادداشت ارکان دفتری بود. معمولاً این یادداشت نوشته می‌شد: «هو، حسب الامر الاعلی، از قرار نوشته سیادت و صدارت و اقبال پناه، نجابت و منزلت دستگاه عالیجاه اسلام و اسلامیان ملاذی و تجویز وزارت و شوکت و اقبال پناه عظمت و عصمت و اجلال دستگاه، عالی‌جاهی اعتضاد السلطنة البهية السلطانية اعتماد الدولة العلية العالیة الخاقانية بر طبق نوشته عالیجاه مجلس نویس» (س ۲۹۱۴۶/۲). سپس به محل مهر وزیر اعظم و صدر اشاره می‌شد. «توکلت علی الله، محل مهر نواب مستطاب ایران مداری، الناسخ» (۲۸۵۲۵/۲)، «موضع مهر نواب اسلام و اسلامیان ملاذی، صدر ممالک محروسه، افوض امری الی الله، الناسخ» (س ۲۸۵۹۴/۱۲).

سواد با اصل مطابقت و مهر تأیید زده می‌شد «هو، ذا مع اصله الاشرف الاقدس الارفع الاعلی موافق و مطابق» (س ۲۸۵۹۴/۱۲). مانند اصل پروانچه در مورد سایر افرادی که پشت سند مهر می‌زدند به یادداشت و محل مهر اشاره می‌شد (تصویر ۷).

گاهی در پشت سند سواد پروانچه، متن قبض وصول یا برخی پرداخت‌های مرتبط به موضوع نوشته می‌شد (س ۲۹۱۴۵). موضوع سند به صورت خلاصه، در گوشه پایین یا بالای سند نوشته می‌شد (س ۲۹۱۴۵).

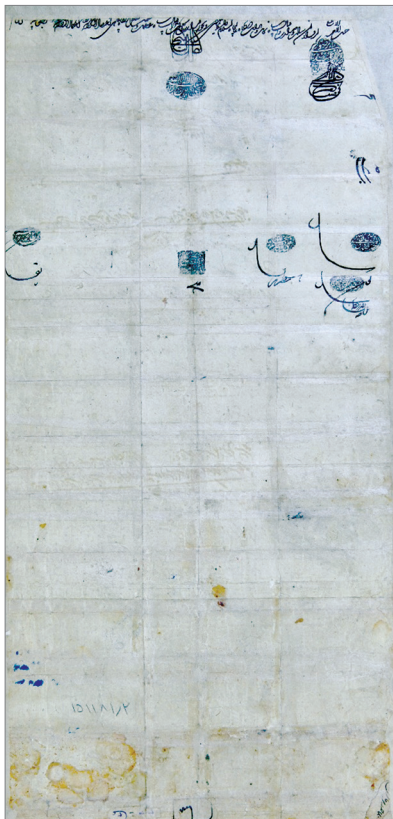
متن پروانچه، در قسمت مقررات، دفتر توجیهات ثبت می‌شد. تسمیه، مهر و عبارات ممتاز نویسی حذف و شروع متن با تاریخ سند و طغرا، سپس متن اصلی نوشته می‌شد (س ۳۱۷۷۶) (تصویر ۸). همچنین در برخی اسناد مانند دفتر اوارجه، قبض وصول، عریضه و غیره نام پروانچه آمده است. در دفتر اوارجه زمانی که درآمد مکانی را محاسبه می‌کردند، اگر درآمد آن محل بر طبق پروانچه بود به

۱. اگر موضوع سند مربوط به تفنگچیان بود، تفنگچی باشی یادداشت می‌نوشت.

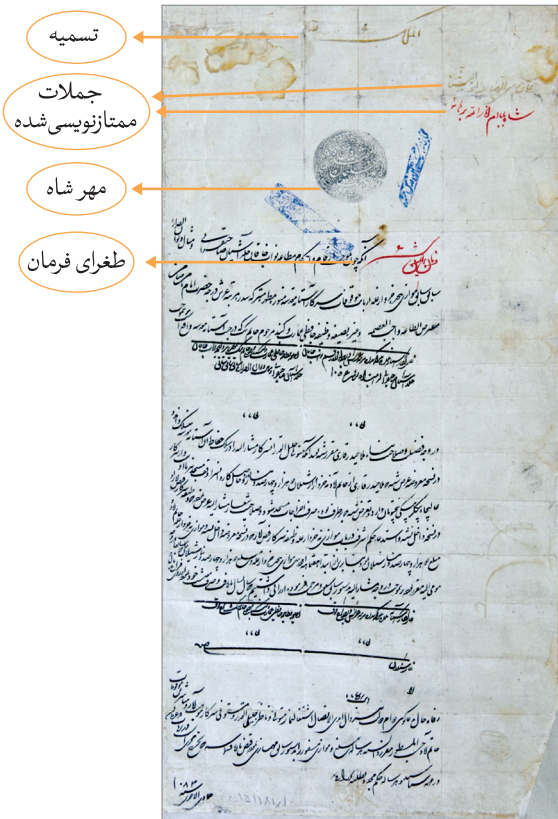
پروانچه، تاریخ و موضوع آن اشاره می‌شد: «از قرار پروانچه اشرف به تاریخ شهر شوال سنه ۹۹۸ که به سیورغال آستانه مقدسه مقرر است به شرح محاسبه قوی‌ئیل» (س ۶۲۳۰).

در عرایض برای دریافت خدمت و یا وظیفه، به پروانچه صادر شده در این خصوص استناد می‌شد «بر طبق عریضه میرزا ابوطالب الحسینی که استدعا خدمت خادمی ملا محمد قاسم خادم مسجد بالای سر مبارک... نموده، آنکه به عرض می‌رساند که به موجب پروانچه اشرف به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۰۹۸ خدمت خادمی...» (س ۳۲۵۲۳).

در قبض‌های وصول پرداخت‌هایی که به موجب پروانچه بود به آن اشاره می‌شد «مقدار سه خروار و پنجاه من غله مثلثه از بابت وظیفه که به موجب پروانچه اشرف در وجه داعی محمد معصوم فراش حرم محترم مقرر است» (س ۲۸۵۰۵).



تصویر ۵: پشت سند پروانچه



تصویر ۴: نمونه سند پروانچه

Handwritten Persian text on the back of a document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. A large, prominent signature is visible at the bottom of the page. The document is numbered '۷' in the top right corner.

سند ۷: پشت سند سواد پروانچه

Handwritten Persian text on the front of a document. The text is written in a cursive style and includes several lines of prose. A circular seal is visible in the upper right quadrant of the page. The document is numbered '۶' in the top right corner.

سند ۶: سواد پروانچه



## رقم

در دوره صفوی به فرمان پادشاه اعم از کتبی و یا شفاهی و به احکام شاهزادگان و مأموران عالی رتبه دولت عموماً رقم گفته می‌شد (قائم مقامی، ۱۳۹۴، ص ۷۴). منشآت سلیمانی رقم را چند نوع دانسته یکی رقم خلعت، رقم تیول، رقم موجب و رقم دیگر با طغرای «حکم جهان مطاع شد» (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۳۱) که مورد آخری در ارقام آستان قدس دیده می‌شود. این اسناد توسط رقم‌نویس نوشته و مجلس‌نویس طغرا می‌کشید و مستوفی موقوفات ممالک محروسه تصدیق می‌کرد که رقم اشرف صادر شده است (س ۳۳۳۸۰/۵).

در برخی از اسناد دوره صفوی، رقم و حکم را با هم آورده است. از سویی دستور داده تا مستوفیان رقم را در دفاتر خلود ثبت کنند و از سوی دیگر در انتهای سند خواسته تا حکم مجدد نطلبند (س ۱۳۴۵۶).

## کاربرد رقم در نظام اداری آستان قدس رضوی

موضوع و محتوای ارقام صادره برای آستان قدس مانند پروانچه‌ها، شامل دستورات پرداخت وظیفه و مواجب، رسیدگی به املاک موقوفه، انتصاب افراد به خدمت خادمی و مسائلی از این دست است که در قالب رقم، سواد رقم و متن آن در دفتر توجیحات آمده است (۱۳۴۱۸، ۱۵۱۱۸۳، ۱۵۱۱۸۴، ۳۰۴۳۵، ۲۸۵۹۴/۹). همچنین برخی دستورات متولی عنوان «رقم» دارد.

از دوره شاه عباس اول متن ارقام در دفتر توجیحات ثبت شده است (س ۳۱۸۹۹/۶). متن سواد رقم از دوره شاه سلیمان صفوی دیده می‌شود؛ اصل سند رقم از دوره شاه سلطان حسین صفوی موجود است که قدیم‌ترین آن مربوط به سال ۱۱۱۹ است (س ۱۳۴۱۸). برای بررسی ساختار ظاهری سند رقم، چهار رقم مربوط به دوره شاه سلطان حسین بررسی شد. سه رقم از چهار رقم دارای تزئینات و جدول کشی است (۱۳۴۱۸، ۱۵۱۱۸۴، ۱۵۱۱۸۳).

## ساختار سندشناسی

- ▶ تسمیه رقم‌ها با «هو» شروع می‌شود. در برخی ارقام تسمیه مشخص نیست. گویا در اثر گذشت زمان، کاغذ آن قسمت مخدوش شده است (س ۱۳۴۱۸، ۱۵۱۱۸۳، ۱۵۱۱۸۴).
- ▶ بعد از تسمیه در برخی ارقام، مانند پروانچه‌ها، عبارت مرتبط با حرم مطهر، خارج از متن ممتازنویسی می‌شد. متن عبارات ممتازنویسی شده «رضیه رضویة علی مشرفها الف سلام و تحیة» است (س ۱۵۱۱۸۳) (تصویر ۹).
- ▶ مهر شاه سلطان حسین با متن «بسم الله الرحمن الرحيم، کلب امیرالمومنین حسین» در سند

۱۵۱۱۸۳ و در سند ۱۳۴۱۸ مهر «بسم الله، بنده شاه ولایت حسین» زده شده است. متن طغرا «حکم جهان مطاع شد» و با رنگ مشکی است (س ۱۵۱۱۸۳، ۱۳۳۰۶، ۱۳۴۱۸) (تصویر ۹).

▶ با توجه به ارقام مورد بررسی، گویا این دسته از فرامین به درخواست افراد برای صدور فرمانی از شاه صادر می‌شد. برای همین در ابتدای سند، ابتدا خلاصه متن درخواست آمده و سپس متن دستور شاه به افراد نوشته می‌شد. در پایان برخی ارقام آمده که «رقم مجدد نطلبند» سپس تاریخ نوشته می‌شد (س ۱۵۱۱۸۳).

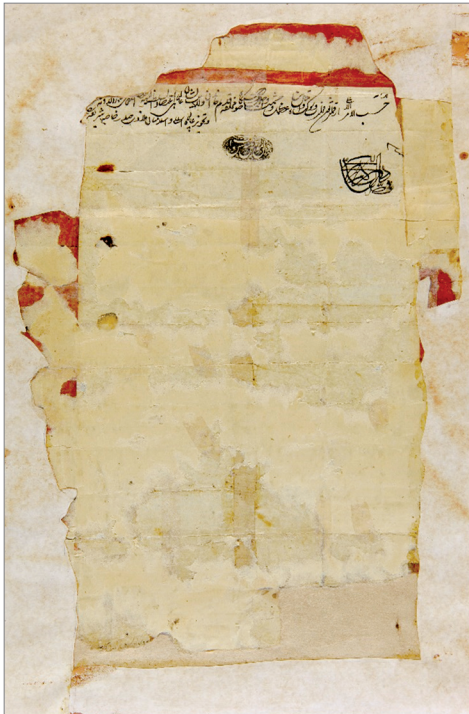
▶ پشت دوسند، عبارت «هو بالمشافهة العلیة العالیة» نوشته که نشان می‌دهد ارقام به صورت شفاهی صادر شده است. سپس مهر وزیر در پایین آن زده می‌شد (س ۱۵۱۱۸۴، ۱۵۱۱۸۳). در پشت سند ۱۳۴۱۸ آمده که بر اساس نوشته وزیر و تجویز صدر خاصه بوده و در سند ۱۳۳۰۶ آمده، از قرار نوشته وزیر است. در مقایسه با پروانچه‌ها، یادداشت و مهر سایر ارکان دفتری در پشت سند ارقام مورد بررسی دیده نمی‌شود (تصویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۹: عبارت ممتاز نویسی شده و طغرا در رقم

بخشی از اسناد، به شکل سواد ارقام است. تسمیه این نوع اسناد با «هو» شروع شده، طغرا «حکم جهان مطاع شد» و در قسمت مهر نوشته «موضع مهر مبارک نواب اشرف ارفع اعلی» (س ۳/۲۸۵۹۴)، عبارت «رضیة رضویة علی مشرفها الف سلام و تحیة» ممتازنویسی شده است (س ۷/۲۸۵۹۴). چون سواد رقم است، در پشت سند، تأیید سواد با اصل نوشته شده (س ۲/۳۰۴۳۵). نیز در پشت سند عبارت «بالمشاهفة العلیة العلیة» و نوشته «محل مهر اعتماد الدوله» و در برخی عبارت «ثبت دفتر مجموعه شد» آمده است (س ۲/۳۰۴۳۵). همچنین در پشت سواد ارقام، متن قبض وصول فرد دریافت کننده، دستور متولی به مستوفی، محل مهرها و یادداشت‌ها شامل «حسب نوشته مجلس نویس خاصه شریفه، نوشته شد، ثبت دفتر سرخط شد، به نظر رسید، به قلم آمد» و خلاصه سند «سواد رقم مبارک صرف و قبض وظیفه سیچقان ثیل شیخ محمد جعفر ولد شیخ فاضل» آمده است (س ۹/۲۸۵۹۴) (تصویر ۱۲ و ۱۳).

متن ارقام در دفتر توجیحات ذیل مقررات ثبت می شد. در این نوع اسناد مانند پروانچه‌ها تنها طغرا و متن رقم نوشته می شد (س ۶/۳۱۸۹۹) (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۱: پشت سند رقم

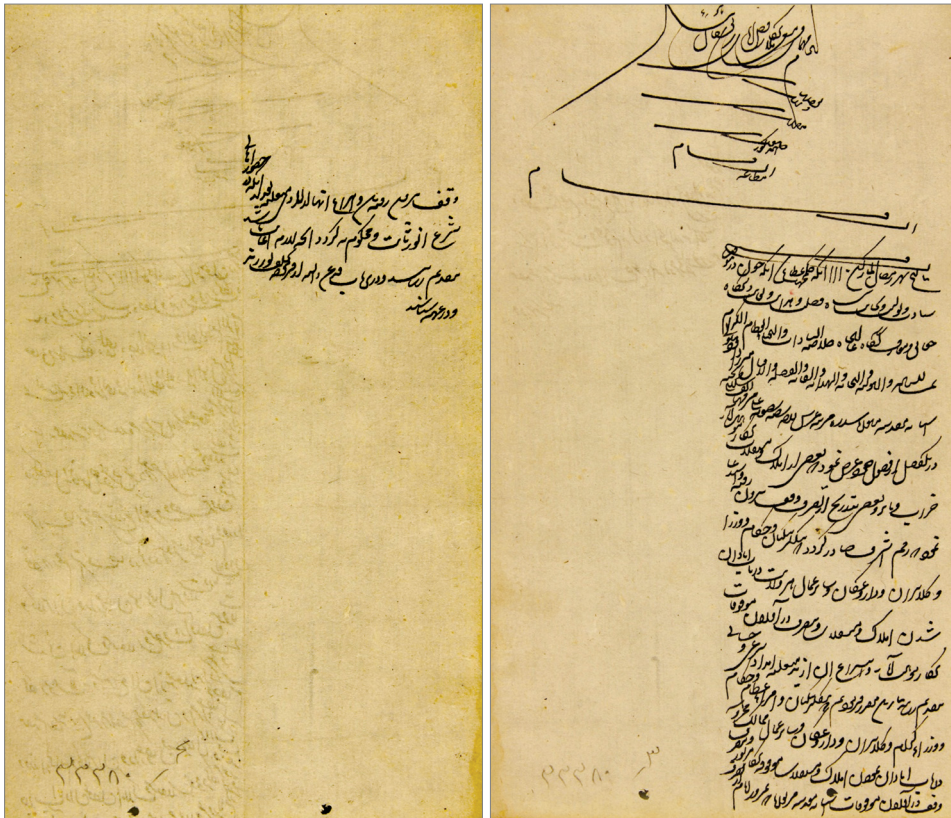


تصویر ۱۰: نمونه سند رقم



تصویر ۱۳: پشت سند

تصویر ۱۲: نمونه سواد رقم



تصویر ۱۴: متن رقم در دفتر توجیبات

### مثال

از معانی مثال: امریه، دستور، حکم و فرمان است. در قرون اولیه، مثال از انواع سلطانیات بوده است (قائم مقامی، ۱۳۹۴، ص ۵۱). در دوره صفوی، در معنی و مفهوم مثال تغییری کلی دیده می‌شود. به دستورات کتبی و حکم دیوان صدارت و دفتر موقوفات که درباره امور حقوقی و قضایی و یا موقوفات صادر می‌شد مثال می‌گفتند (قائم مقامی، ۱۳۹۴، ص ۵۴). در واقع مثال سندی بوده که از سوی صدر، صادر می‌شد.

### کاربرد مثال در نظام اداری آستان قدس رضوی

تنها یک سند مثال از دوره شاه صفی به سال ۱۰۳۹ و یک سواد مثال از سال ۱۰۴۰ موجود است که اولی در مورد وضعیت موقوفات مزرعه رزان است. در پشت آن فرمان شاه صفی در جواب و تأیید مثال و اجرای مفاد آن صادر شده است (س ۱۵۵۵۸۷) و دومی مربوط به فوت حافظ حرم و دادن شغل وی

به فرزندش است. هر دو توسط میرزا رفیع الدین صدر، صادر شده است (س ۱۵۵۶۰۴، ۱۵۵۵۸۷). در دفاتر توجیهات، برای برخی پرداخت‌ها به سند مثال اشاره شده است. قدیم‌ترین سند، مربوط به سال ۱۰۳۶ق؛ پرداخت موجب به مستوفی موقوفات بر طبق مثال و خطاب دیوان الصداره است (س ۶۲۲۹۶). بیشترین موارد به کار رفته ارجاع به سند مثال و خطاب، مربوط به دوره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است.

در برخی اسناد برای پرداخت موجب، به پروانچه و مثال دیوان الصداره استناد می‌شد که شامل مواردی چون: پرداخت حق التولیه شرعی متولیان موقوفات بر اساس پروانچه و مثال دیوان الصداره (س ۳۴۳۵۰ / ۵)، پرداخت وظیفه به موالیذ مشایخ و سادات (س ۳۳۴۳۷، ۳۲۱۹۷، ۳۳۰۵۳)، پرداخت تصدق به افراد (س ۳۳۴۹۳)، پرداخت وجه زکات (س ۳۳۴۹۹)، پرداخت موجب به حافظ (س ۴۵۰۴۸) و پرداخت حق السعی و حق الزحمه (س ۳۳۳۶۹) بود. این نشان می‌دهد بابت چه اموری مثال صادر و صدر در آن نقش داشته است.

### ساختار سندشناسی

▶ تسمیه سند عبارت «هو الرفیع الاعلی» و بعد جمله «رضیه رضویه علی مشرفها الف صلاة و تحیه» ممتاز نویسی شده است (تصویر ۱۵).

▶ طغرای میرزا رفیع الدین صدر، با متن «من رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی» زده شده است.

▶ در مثال‌ها دو خط اول دارای فرورفتگی بیشتری است. سپس متن سند شروع می‌شود. انتهای سند، مهر صدر با متن «هو، افوض امری الی الله الغنی، محمد رفیع الدین الحسینی» زده شده است. روی سند غیر از مهر صدر، بالای سطر هشت و دوازدهم سه مهر با متن «افوض امری الی الله»، «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»، «خلیفه سلطان حسینی» زده شده است (تصویر ۱۵).

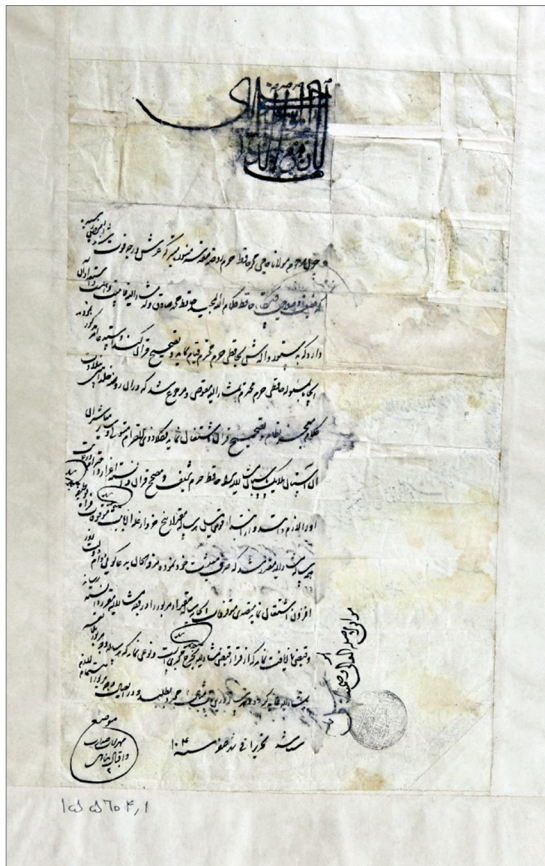
▶ در پشت سند، متن فرمان شاه، در پاسخ به مثال دیوان الصداره، درج شده است. در این فرمان تصریح می‌شود که مزرعه یادشده جزو موقوفات سرکار فیض آثار بوده و فرزندان واقف هیچ‌گونه حق تصرف در آن ندارند. همچنین به حکام و بیگلربیگی دستور داده شده است که مطابق حکم عمل کنند (س ۱۵۵۵۸۷). تاریخ هر دو سند شوال ۱۰۳۹ است و مهر شاه صفی نیز در بالای سند نقش بسته است (همان).

از مثال‌ها، سواد تهیه می‌شد که ساختار سندشناسی آن شبیه خود مثال بود. طغرای صدر «من رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی» بر آن کشیده شده است (س ۱۵۵۶۰۴) (تصویر ۱۶).

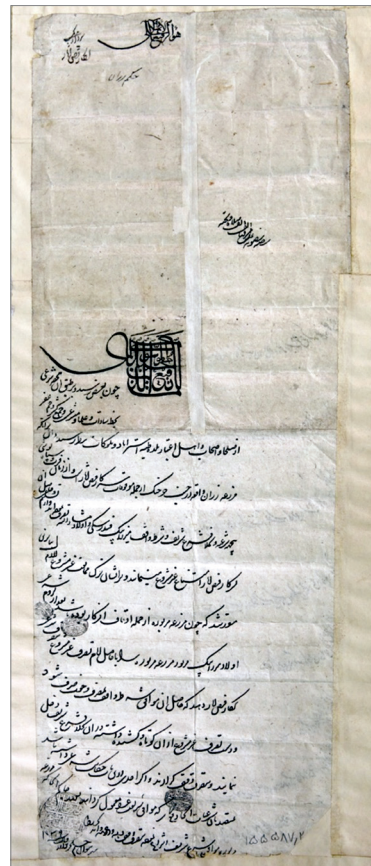
بر عکس اصل سند مثال، دو سطر اول سواد فرورفتگی ندارد. در پایین سند نوشته «موضع مهر نواب صدارت و اقبال پناهی». در بالای سطر هفت و ده در قسمت مهرهای مثال نوشته «موضع مهر». حاشیۀ سمت راست سند، سواد با اصل تأیید شده: «هو، موافق لاصله العالی» و مهر با متن «متوکل علی الله الغنی عبده ابوطالب الحسینی» زده شده است.

پشت سند نیز، سواد فرمان شاه در تأیید مثال مزبور صادر شده و در قسمت حاشیۀ سمت چپ پایین نوشته «ثبت دفتر موقوفات دیوان الصداره شد» (س ۱۵۵۶۰۴).

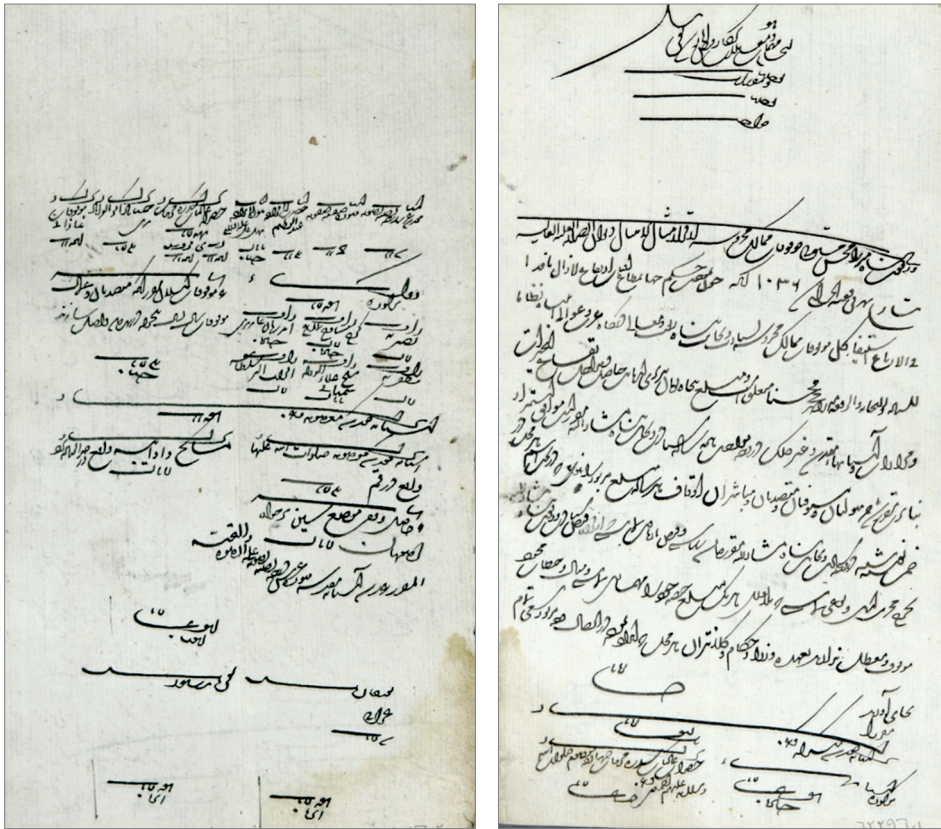
متن مثال در دفاتر توجیهات ثبت می شد. مانند فرامین فقط طغرا و متن نوشته می شد. گاهی در ابتدا متن فرمانی که برای تأیید مثال صادر شده، می آمد و بعد متن مثال نوشته می شد (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶: نمونه سند سواد مثال



تصویر ۱۵: نمونه سند مثال



تصویر ۱۷: متن مثال در دفتر توجیهات

## خطاب

یکی از معانی لغوی خطاب، حکم و دستور است (فرهنگ سخن، ذیل واژه). خطاب یکی از احکامی بوده که در عصر صفوی توسط صدر از دیوان الصداره صادر می‌شد. در متون اداری عصر صفوی، همه جا اخطبه و امثله را با هم آورده است. در واقع هر دو دستوراتی بوده که توسط صدر صادر و این حکم توسط منشیان قلمی می‌شد (میرزا محمد رفیع، ۱۳۹۷، ص ۶ و ص ۶۹). همچنین ارقام، امثله و اخطبه که صادر می‌شد به مسوده دفتر موقوفات می‌رسید (میرزا محمد رفیع، ۱۳۹۷، ص ۸۳). سند خطاب ثبت دفتر موقوفات می‌شد (س ۴۵۰۸۴؛ آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه تهران، پرونده ۲۰). مانند سایر فرامین از خطاب‌ها، سواد تهیه می‌شد (س ۳۲۳۳۲/۱۸). گویا خطاب‌ها یکبار صادر می‌شد «هرساله مثال و خطاب مجدد طلب نمایند و در عهده شناسند» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ص ۲۵۹). در پایان سند مثال، ذکر می‌شد که «خطاب و مثال مجدد نطلبند» (قائم مقامی، ۱۳۴۸، ص ۴۶-۴۷).

### کاربرد خطاب در نظام اداری آستان قدس رضوی

در اسناد آستان قدس، حدود ۱۸ سند وجود دارد که در آن به خطاب اشاره شده است. یکی از این‌ها اصل سند خطاب است که مربوط به مجموعه تشکیلات اداری آستان قدس نیست و موضوع آن انتصاب متولی امامزاده اسماعیل طبق خطاب دیوان الصداره است (س ۴۵۰۸۴). از آنجایی که تعداد سند خطاب کم است، این سند در نوع خود ارزشمند بوده و ساختار سندشناسی سند خطاب را نشان می‌دهد. دو نمونه سواد خطاب وجود دارد. در دفتر توجیهات متن برخی خطاب‌ها نوشته شده است (س ۳۴۳۶۰/۱۷) (تصویر ۲۰). اما در سایر موارد به خطاب صادره از دیوان الصداره اشاره می‌شود که طبق آن پرداخت صورت می‌گرفت. قدیم‌ترین مورد اشاره شده به خطاب، سند مربوط به سال ۱۰۳۶ق. است که مربوط به پرداخت مواجب به میرزا محسن مستوفی موقوفات کل است که در انتهای سند اشاره کرده مثال و خطاب مجدد نطلبند (س ۶۲۲۹۶).

غیر از آن برای پرداخت زکات (س ۳۲۷۵۵/۴۴)، پرداخت حق السعی تحصیلدار (۳۳۰۴۸)، دریافت عشر و ده‌نیم از سیورغالات (س ۳۴۰۷۸/۵، ۳۲۹۵۵/۱۹) پرداخت وظایف (س ۳۲۹۸۹/۱۱) به سند خطاب دیوان الصداره اشاره شده که هزینه‌ها طبق آن انجام یافته است. دوره زمانی این موارد، دوره شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است که بیشتر آن بازه زمانی ۱۰۹۰ تا ۱۰۹۹ق.، دوره شاه سلیمان است.

گاهی خطاب مانند بخشنامه‌ای بوده که برای تمامی صاحبان سیورغالات، متولیان آستانه مقدسات و مزارات و بقاع، مباشران و مستأجران و زارعان موقوفات صادر شده و دستورالعمل‌هایی در مورد دریافت عشر و ده‌نیم و حق‌النظاره داده می‌شد (س ۳۴۳۶۰).

### ساختار سندشناسی

▲ تسمیه سند خطاب با «هو، بسم الله الرحمن الرحيم» و «هو الله ولا سواه» شروع می‌شد که شبیه تسمیه سند مثال است. طغرا سند «خطاب عالی شد» است (س ۴۵۰۸۴؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۵).

▲ ابتدای سند با «آنکه» شروع می‌شود و گاهی به مثال و خطاب قبلی که صادر شده اشاره دارد. در پایان سند اشاره می‌کند که خطاب مجدد نطلبند.

▲ محل مهر صدر در پایین سند سمت چپ، یک سطر مانده به آخر و بالای تاریخ سند است.

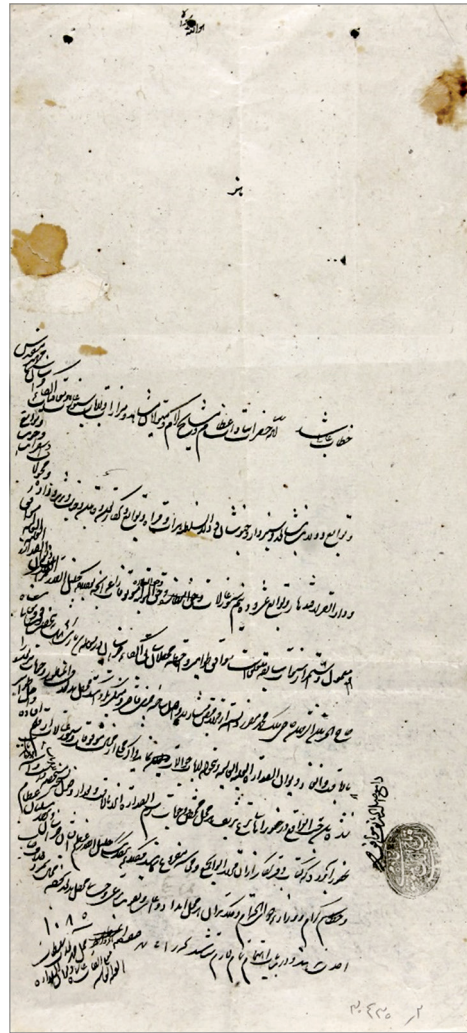
▲ در پشت سند یادداشت‌های «ثبت دفتر موقوفات شد»، «ثبت شد»، «ملاحظه شد»، «ثبت نمایند» نوشته شده است (س ۴۵۰۸۴؛ آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه تهران، پرونده ۲۰).

سواد خطاب نیز با همان طغرا شروع و در پایان سند به محل مهر صدر اشاره می‌شد. در حاشیه

سواد، یادداشت تأیید با اصل دیده می‌شود. در پشت سند، متن قبض وصول فرد متقاضی و نیز دستور متولی به مستوفی برای دریافت قبض و صدور تنخواه نوشته شده است (س ۳۰۴۳) (تصویر ۱۸ و ۱۹).



تصویر ۱۹: پشت سند خطاب



تصویر ۱۸: نمونه تصویر سواد خطاب

در دفتر توجیهات، متن خطاب با طغرا و متن اصلی آغاز می‌شد و مهر صدر دیگر در آن به‌کار نمی‌رفت (تصویر ۲۰).





## فصل سوم:

### اسناد صادره از سوی متولی

متولی آستان قدس به عنوان بالاترین مرجع اجرایی، دارای مکاتبات خاص بوده است. نامه‌های وی به دربار صفوی تحت عنوان فصول شناخته می‌شود؛ فصول به گزارش‌ها و عرایض «امرای سرحد و حکام ولایات» گفته می‌شود که در آن مشکلات و مسائل اداری و دیوانی و حکومتی مربوط به محدوده مسئولیت خود را به عرض پادشاه رسانیده و درباره آن‌ها کسب تکلیف می‌کرده‌اند. پادشاه آن را نزد مجلس نویس می‌فرستاد تا در مجلس عام و یا خاص در حضور او خوانده شود. در آن مجلس، مجلس نویس دستورها و جواب هر مطلب (هر فصل) را که پادشاه می‌گفت در زیر مطلب و فصل مربوط می‌نوشت و پس از طی مراحل اداری برای فرستنده فصول می‌فرستادند (قائم مقامی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹).

در اسناد آستان قدس، مکاتبات متولی با دربار تحت عنوان فصول ذکر شده است. نمونه‌ای از سند آن موجود نیست. تنها در متن برخی اسناد آمده که رقم یا حکم بر اساس فصول متولی به شاه صادر شده است. «میرزا داود متولی آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه عرش درجه، رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه در یک فصل از فصول خود به عرض رسید» (س ۳۳۳۸۰/۵).

دسته دوم اسناد مربوط به متولی، اسنادی بود که توسط وی صادر می‌شد. این اسناد تحت عنوان «رقم، تعلیقچه و تصدیق» در عصر صفوی نامیده شده است. دستورات وی یا در پشت اسناد، مانند تمسکات اجاره و قبوض، ثبت یا به صورت مستقل نوشته و گاهی متن آن در دفتر توجیحات نوشته می‌شد. یکی از این اسناد، ارقام متولی است که بیشتر دستورات وی خطاب به مستوفی است. تسمیه این اسناد با «هو» شروع می‌شود و سپس متن سند و در انتها مهر متولی زده شده است. در همین نوع اسناد، عبارت «فیض آثار» در بالای سند ممتاز نویسی شده است. پشت سند، موضوع سند است: «رقم متولی در باب سرخط اودئیل و بارس ئیل» و جمله «ثبت شد» است (س ۳ و ۴/۲۸۶۴۹) (تصویر ۲۱).

در دفتر توجیحات تحت عنوان، «ارقام متولی» ثبت شده است (س ۳/۳۲۸۵۲) که گاهی در پاسخ به عریضه افراد نوشته می‌شد (س ۳/۵۳۸۳۰) (تصویر ۲۲).

دومین سند، تعلیقچه است. در تعریف دیوانی، نوعی از دیوانیات بوده و با کیفیات متفاوت صادر می‌شد؛ در دوره صفوی به صورت مشابه ارقام و احکام و یا دستخط و یادداشتی که وزیر اعظم یا صدور، کلانتران، ناظران و مأموران عالی رتبه در تأیید مسائل دیوانی می‌نوشتند و یا احضار نامه‌هایی بوده که توسط دیوان بیگی یا قاضی برای اشخاص ساکن حوزه قضایی می‌فرستاد (قائم‌مقامی، ص ۱۰۶).

در اسناد تشکیلات اداری آستان قدس تعلیقچه یا به صورت مستقل یا در دفاتر توجیحات که مربوط به ثبت احکام و پروانجات و حتی قبالات دیوانی بود نوشته می‌شد.

علت صدور آن حالت رقم و حکمی داشته که از سوی متولی آستان قدس برای تأیید مسائل اداری آستان قدس صادر می‌شد (س ۳۵۲۸۱/۲۲). اهمیت تعلیقچه از آن جهت است که نوع و شیوه دستور متولی یک نهاد دینی را برای رسیدگی به امور کارکنان نشان می‌دهد. در دوره شاه عباس اول و شاه صفی اثری از اصطلاح تعلیقچه دیده نشد. از دوره عباس دوم این اصطلاح دیده می‌شود که در پشت برات‌ها و در دفتر روزنامه‌چه به آن استناد کرده است (س ۳۰۶۵۱، ۳۲۳۸۹). از دوره شاه سلطان حسین به عنوان یکی از احکامی آمده که در قسمت مقررات دفتر توجیحات ثبت می‌شد (س ۳۴۵۱۲) (تصویر ۲۴).<sup>۱</sup>

موضوعات تعلیقچه، شامل دستورات پرداخت مرسوم، وظیفه، انعام، تصدق، حق التولیه، حق النظاره، جایگزینی شغل به جای فرد متوفی، انتصاب خدمت، واگذاری تیول و پرداخت عشر و ده نیم بود (س ۳۲۴۷۴، ۳۶۰۲۳، ۳۵۴۰۶، ۳۴۷۱۲، ۳۵۳۶۱، ۳۴۳۶۰، ۳۲۳۸۹).

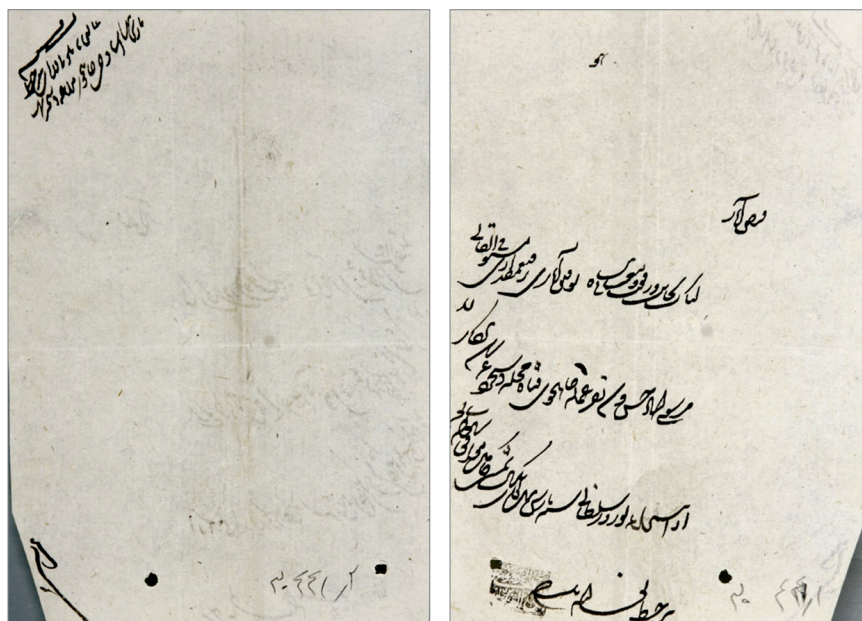
سند تعلیقچه با «هو» شروع می‌شد، سپس متن دستوری متولی در مورد انتصاب یا مسائل مربوط می‌آمد و در انتها مهر متولی زده می‌شد. پشت سند به تعلیقچه و موضوع آن اشاره و در پایین آن عبارت «ثبت شد» نوشته می‌شد (س ۲۸۵۴۵) (تصویر ۲۳).

سومین سند صادره از سوی متولی در اسناد با عنوان «تصدیق» آمده است. تصدیق به معنی راستی و درستی امری گواهی دادن، تأیید و تصویب است (دهخدا، ذیل واژه). در اسناد آستان قدس، تصدیق به مفاهیم مختلف آمده، از جمله تصدیق معمار، طبیب و غیره. مدرسی طباطبایی به تصدیق مستوفی موقوفات ممالک محروسه، تصدیق صدر و سرکار اوراچه عراق اشاره دارد که ظاهراً همان تأیید بر امور باشد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، صص ۱۷۵، ۱۹۲، ۱۷۷). اما آنچه در این متن مد نظر است، تصدیق، دستور و تأیید متولی بوده است. ظاهراً دستوری بوده که از طرف متولی صادر می‌شده و بیشتر برای پاسخ به عریضه‌های افراد بوده است.

۱. در اسناد به تعلیقچه مستوفی موقوفات، حاکم نیشابور، ناظر، بیگلربیگی استرآباد، وزیر دیوان اعلی، نایب متولی اشاره شده است (س ۳۲۵۰۶، ۳۲۷۵۵، ۳۴۳۶۰، ۳۳۲۷۳، ۳۴۲۰۱، ۳۴۹۲۷، ۳۵۰۲۴).

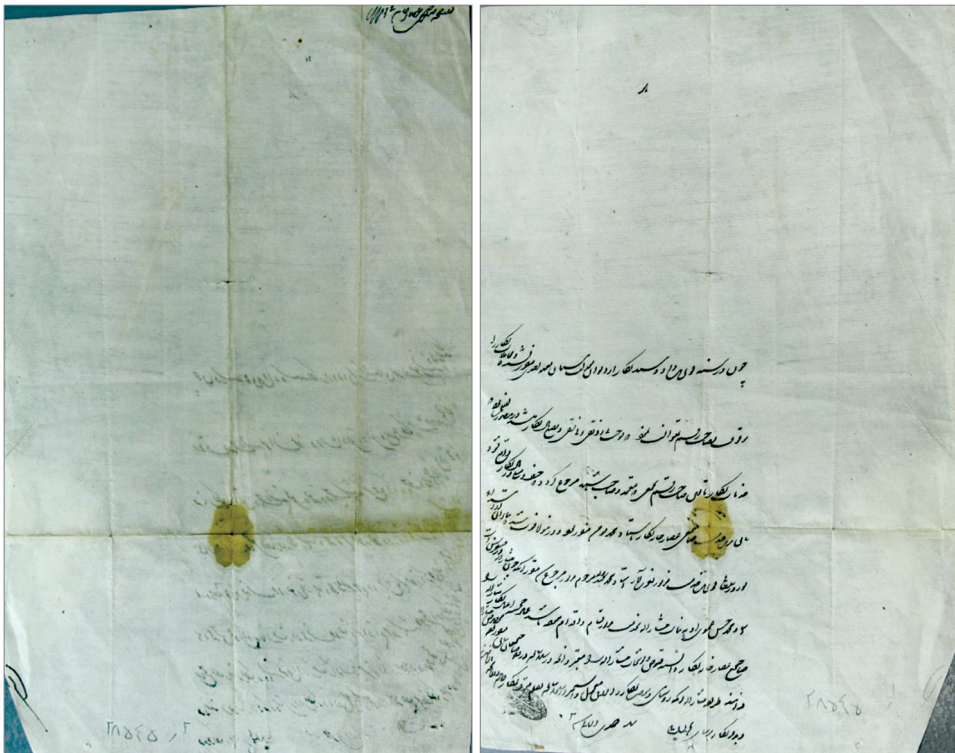
در فرامین شاه عباس دوم و شاه سلیمان در انتصاب فراش آستان قدس اشاره کرده که حسب التصدیق متولی این فرمان صادر شده که اشاره به همان تأیید متولی دارد (س ۴۴۹۹۷، ۱/ ۲۹۱۵۸). اهمیت تصدیق متولی تا آنجاست که یکی از متولیان در نامه‌ای به شاه سلطان حسین درخواست دارد تا برای ارباب وظایف بدون تصدیق وی که حکایت از اهلیت و شایستگی ایشان است، رقمی صادر نشود، ظاهراً برخی ارقام «بالمشافه» صادر می‌شده، بدون اینکه تصدیق و تأیید متولی باشد؛ شاه نیز به مستوفیان دستور داده تا بدون تصدیق متولی ارقام مزبور را ندهند و مسوده ننویسند (س ۳۳۳۸۰/۵).

نمونه این سند در اسناد اداری آستان قدس در سال‌های متأخر صفوی بیشتر به چشم می‌خورد و بیشترین کاربرد آن مربوط به دوره افشاری است. موضوع تصدیقات بیشتر پاسخگویی به درخواست‌ها و عریضه‌های کارکنان آستان قدس از سوی متولی بابت تمدید مدت خدمت، یا جایگزینی به جای فرد متوفی و یا برقراری مواجب است. سند تصدیق به صورت جدا و یا در دفاتر توجیحات در ذیل «صورت‌المذکور» نوشته می‌شد. گاهی متن یک تصدیق و گاهی متن چهار تصدیق ثبت می‌شد. مقایسه متن سند تصدیق با متن درج شده در دفتر توجیحات نشان می‌دهد که جز صدر حساب دفتر توجیحات، تفاوت دیگری وجود ندارد و همان متن به همراه متن عریضه در دفتر توجیحات ثبت و نوشته می‌شد (س ۳۵۴۷۵ و ۴۴۹۳۲) (تصویر ۲۵).

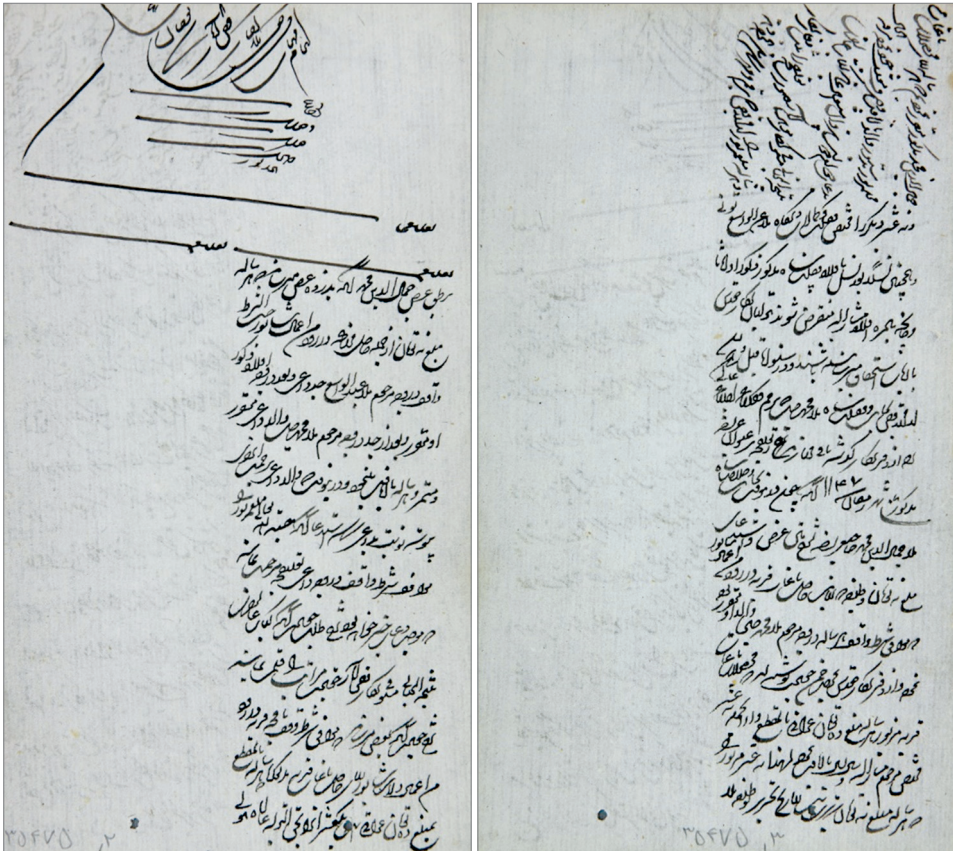


تصویر ۲۱: رقم متولی و تصویر پشت سند





تصویر ۲۳: تعلیقه متولی و تصویر پشت سند



تصویر ۲۴: متن تعلیقچه در دفتر توجیهات





## فصل چهارم: ▴

### اسناد صادره از سوی مستوفیان

برای رسیدگی به درآمدها و هزینه‌های مربوط به حرم امام رضا(ع) و موقوفات آن، اسنادی تولید می‌شد. این اسناد تحت عنوان اسناد مالی، دارای انواع مختلف و کاربردهای خاص بود که توسط مستوفیان نوشته، تصحیح و تأیید می‌شد. مستوفیان موظف بودند تمام امور مالی و حسابرسی مربوط به درآمدها و هزینه‌ها را با دقت در دفاتر توجیهات و مقررات ثبت کنند. این ثبت شامل سابقه دستورات صادرشده برای اجرای امور و رعایت دقیق قوانین مالی بود. با بهره‌گیری از علائم و واژگان مرتبط با سیاق، مستوفیان امور مالی را اجرایی، تصحیح و کنترل می‌کردند تا هیچ خللی در محاسبات رخ ندهد. عدم رعایت این قوانین موجب می‌شد حساب‌ها و جمع و خرج‌ها مورد تأیید قرار نگیرند، و احتمال خطا افزایش یابد. به همین دلیل مستوفیان آموزش کامل و دقیقی در زمینه استفاده از سیاق‌نویسی دریافت می‌کردند تا توانایی ثبت و کنترل صحیح اسناد مالی را داشته باشند (س ۳۵۲۴۲). نمونه‌های این اسناد در دیوان صفوی موجود بود که در متون سیاقی و اداری عصر صفوی از آن‌ها نام برده شده است. اما شکل عینی از این اسناد در دیوان به دست ما نرسیده است. تنها در «رساله سیاق ابواسحق کرمانی»، چند نمونه از دفاتر اوارجه، توجیهات، روزنامه‌چه، برات و قبض وصول آمده است.<sup>۱</sup> در اسناد آستان قدس نمونه‌های فراوانی از اسناد مالی که توسط مستوفیان تدوین می‌شد وجود دارد که به نوعی ساختار سندنویسی اداری و مالی این دوره را نشان می‌دهد.

#### دفاتر مالی

از نمونه اسناد مهم در نظام مالی ایران، دفاتر مالی است. تمامی امور مالی، در دفاتر ثبت و ضبط می‌شد تا طبق آن برای بودجه کشور برنامه‌ریزی شود. در علم حساب، دفتر را جریده‌ای برای ثبت اموال تعریف کرده‌اند (علم سیاق، نسخه مجلس، ش ۶۵۴۳، ب ۱). شاردن هم دفتر را به معنی صورت حساب و کتابچه ثبت محاسبات به کار برده است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۲۶۹).

۱. در مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نمونه‌های مشابهی از دفاتر مزبور موجود است.

درآمدها و هزینه‌ها در دیوان، متفاوت بود؛ بنابراین برای ثبت و ضبط آن‌ها از دفاتر جداگانه‌ای استفاده می‌شد. این هزینه‌ها به صورت ماهیانه و سالیانه مرتب و منظم و شامل چندین دفتر می‌شد. برای نوشتن صدر حساب و تقسیم‌بندی حساب‌ها، قوانین خاصی حاکم بود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

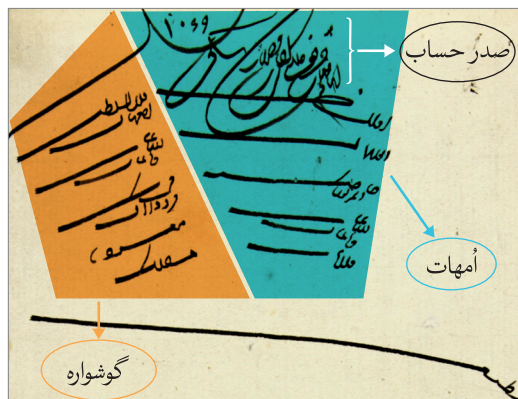
### صدر حساب

صدر حساب، عبارت بود از اصلی که در اول حساب می‌نوشتند تا مشخص می‌شد که آن حساب شامل چه وجهی می‌شود (مازندرانی، نسخه مجلس، ش ۶۵۴۱، ب ۲۴). در ورق اول صدر حساب نوشته می‌شد و در برگ‌های بعدی این صدر حساب با کشیدگی (مَدّ) کمتری ترسیم می‌شد و موضوعات به ترتیب در ذیل آن می‌آمد.

شیوه نوشتن واژگانی که در ذیل آن می‌آمد دارای قوانینی بود از جمله اینکه باید مَدّ (کشیدگی) کلمه برابر و قرینه با کلمات قبلی باشد. این کلمات قرینه همراه با صدر حساب را اُمهات می‌گفتند که در سربرگ هر فرد محاسباتی نوشته می‌شد (آملی، ۱۳۷۷ق، ص ۳۱۴) (تصویر ۲۶).

### گوشوار/ گوشواره

اگر مَدّ اتصال یعنی واژگانی که در صدر می‌نوشتند بیشتر از پنج واژه بود آن را در «گوشوار» می‌نوشتند. یعنی در سمت چپ ورق تا پنج مَدّ (کلمه) تمام شود و اگر بیشتر از این بود سمت راست ورق می‌نوشتند (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۷۳). در اسناد به اصطلاح گوشوار ثانی هم اشاره شده و احتمالاً زمانی بوده که خرج بیشتر شده، برای همین در گوشوار ثانی نوشته شده است «تنخواه از بابت دوازده یک ماه رمضان که تماماً به موجب نوشته که داده وضع نمود و چون زیاده از قرار واقع است در گوشوار ثانی عمل شد» (س ۳۱۷۸۵/۳۴) (تصویر ۲۶).

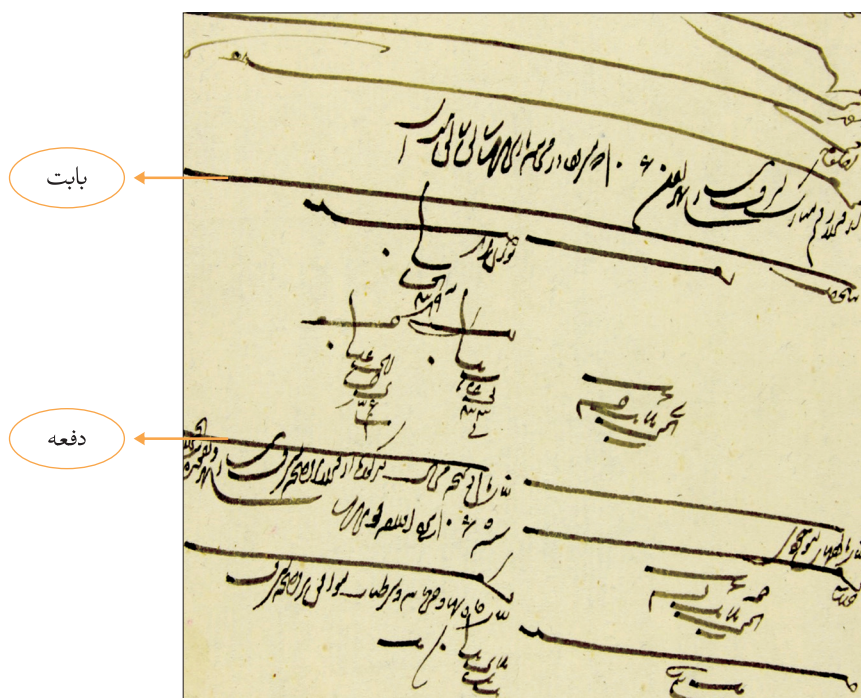


تصویر ۲۶: نمونه صدر حساب و گوشوار

### دفعه و بابت

عبارت بود از خطی که در ابتدای نوشتن قبوض یا بروات کشیده می‌شد. معمولاً برای نوشتن در دفاتر حرف کلمه را که در صدر قرار می‌گرفت می‌کشیدند. مثلاً قبض و برات یا نام افراد. اما اگر بعد از اصل، من ذلک و باقی، کلمه‌ای واقع می‌شد که کشیدن آن مناسب نبود از دفعه و بابت استفاده می‌شد و آن کلمه را بعد از آن می‌نوشتند (مازندرانی، ش ۶۵۴۱، ب ۲۸؛ آملی، ۱۳۷۷ق، ص ۳۱۷) (تصویر ۲۷).

برای ترسیم بابت ابتدا نقطه گذاشته سپس خطی در موازات آن می‌کشیدند. اما دفعه را بدون نقطه می‌کشیدند.

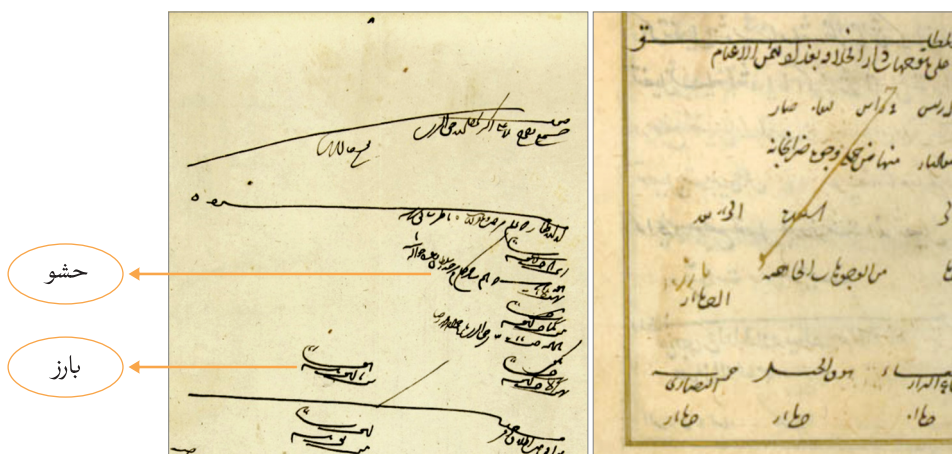


تصویر ۲۷: شکل دفعه و بابت

### حشو و بارز

حشو در لغت به معنی دل برکندن است. در اصطلاح آنچه از ابواب جمع، خرج و وجوه که محتاج به شرح یا نوشته است در طرف راست یا پایین محاسبه می‌نوشتند (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۸۹؛ شهشهبانی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۹).

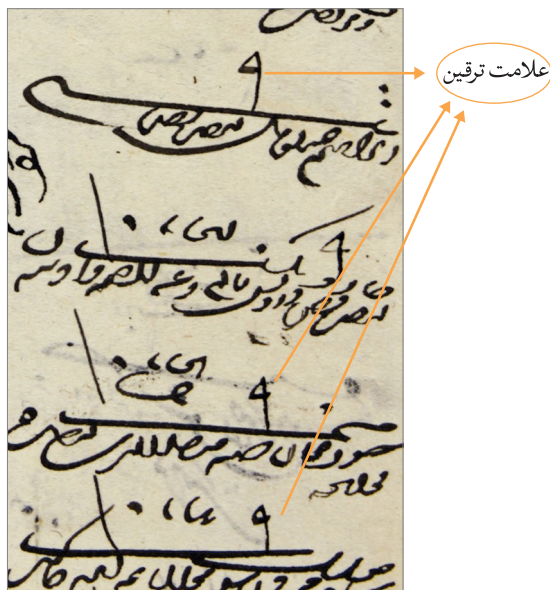
بازز به معنی ظاهر است. در اصطلاح مبلغ و مقداری مشخص که بعد از عمل حشو و موضوع، در سمت چپ می‌نوشتند (رساله در حساب سیاق، ۱۱۰۳ق، ب؛ ۱۵؛ کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۸۹؛ شهشهرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۳) (تصویر ۲۸).



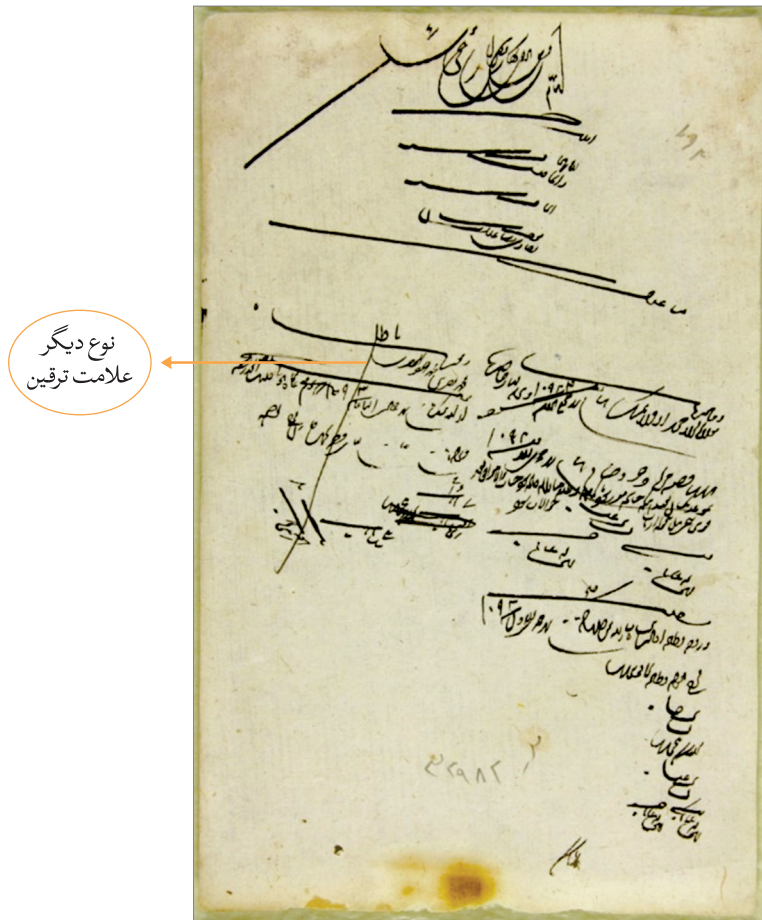
تصویر ۲۸: نمونه حشو و بازز در رساله فلکیه و در سند آستان قدس

### ترقین

ترقین در لغت به معنی بی بهره ساختن و در اصطلاح باطل شدن حساب است. در علم سیاق عبارت است از مدّی که به صورت «یب» یا صورت «نه» (۹) هندسه بر استقامت در عرض بر سر مبلغی که باطل شده باشد می‌کشیدند (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۹). در واقع هر وقت حساب یا حواله‌ای باطل می‌شد، این علامت را می‌کشیدند (تصویر ۲۹ و ۳۰).



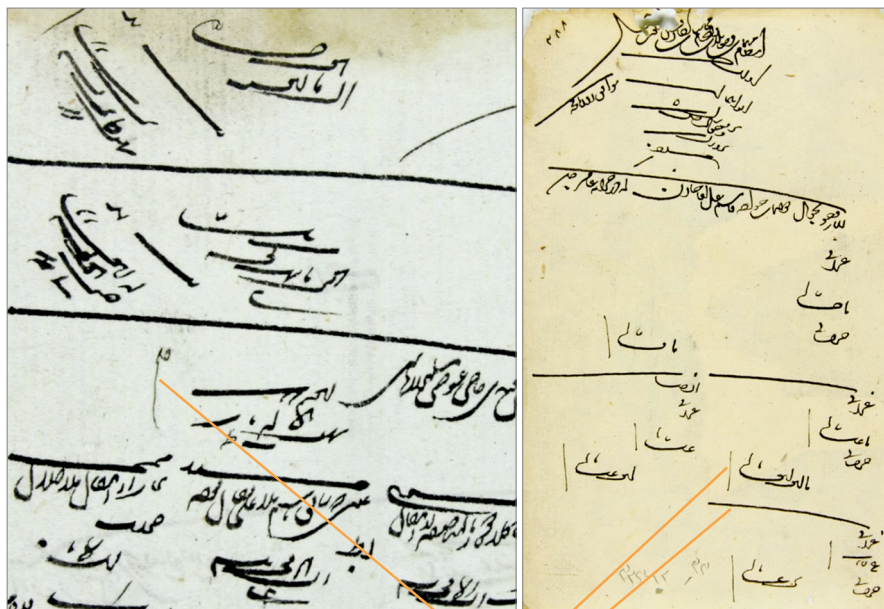
تصویر ۲۹: علامت ترقین



تصویر ۳۰: علامت ترقین

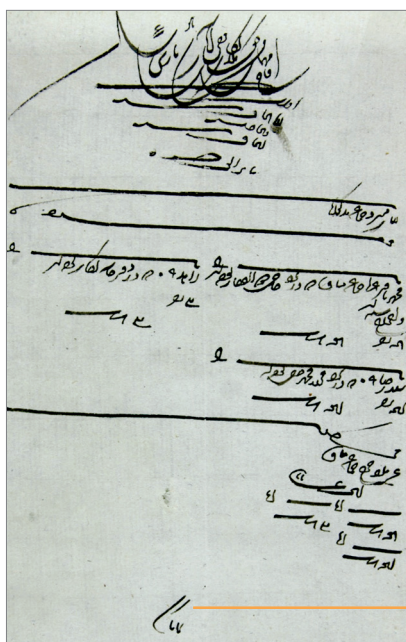
### جایزه

جایزه خطی بود که در وقت مقابله یا تصحیح، بر پهلوی مبلغ یا مقدار می‌کشیدند و آن علامت مقابله و صحت حساب است (رساله در حساب سیاق، ۱۱۰۳ق، ب ۳؛ حسن بن علی، المرشد فی الحساب، شماره ۲۱۸۵۲، ب ۱۷۱). اگر بیشتر از یک نوبت این عمل را انجام می‌دادند در رقم جایزه می‌افزودند؛ اگر یک بار مقابله کنند، الف مُحَرَّف بکشند، چنانچه دو بار باشد، رقم دوی هندسه (۲) علامت جایزه باشد و در سه بار، سه هندسه (۳)، چهار نوبت عدد چهار و پنج نوبت علامت «صح» گذاشته می‌شود (مازندرانی، ش ۶۵۴۱، ب ۲۴). در اسناد آستان قدس بیشتر از علامت «ا» و «صح» استفاده شده است (تصویر ۳۱).



علامت جایزه

تصویر ۳۱: علامت جایزه



تماماً رسید

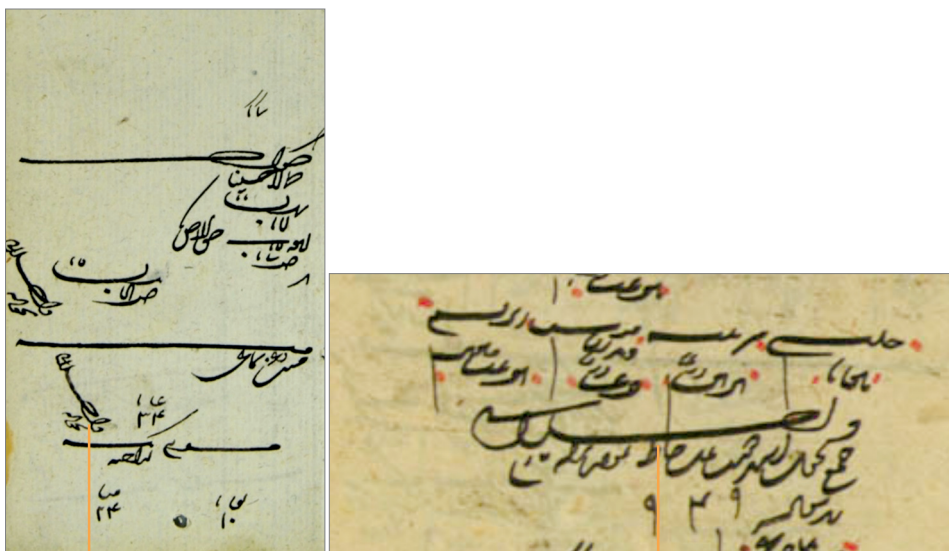
تصویر ۳۲: علامت «تماماً رسید»

### تماماً رسید

این اصطلاح بیشتر در دفتر اوارجه به‌کار می‌رفت؛ به این شکل که اگر جمع و خرج مساوی بود در دفتر اوارجه زیر من ذلک واژه «تماماً یا تماماً رسید» در بارز (یعنی سمت چپ) نوشته می‌شد (تبریزی، قانون السعادة، ش ۳۶۹۷، ب ۱۵۱)؛ ولی این اصطلاح در دفتر توجیهات نیز گاهی کاربرد داشت و در زیر ارقام سیاقِ هزینه‌ها به‌کار می‌رفت (تصویر ۳۲).

### داخلا/ داخلا شد

محلّی بوده که لاکلام گفته می‌شود، در این محل دیگر خرجی نوشته نمی‌شد و داخلا باید گفت که داخل مفرده دیگر نمایند و حساب تنقیح دهند. اما برخی مواقع کاتبان جایی که باقی محاسبه را می‌آوردند «داخلا» می‌گفتند (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۲). گاهی نوشته می‌شد «داخلا شد به حواله» (تصویر ۳۳).



داخلا شد به حواله

داخلا شد

تصویر ۳۳: «داخلا شد» برگرفته از رساله سیاق کرمانی و اسناد آستان قدس

### دفتر روزنامهچه

روزنامهچه، معرب آن روزنامهچه، کاغذ یا دفتری که حساب یا احوال و وقایع هر روز در آن نوشته شود (دهخدا، ذیل واژه). خوارزمی روزنامه را یادداشت روزانه دانسته، زیرا کارهایی که در هر روز انجام می‌شود مانند گرفتن خراج یا پرداخت نفقه و غیره را در آن می‌نویسند (خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۵۷). در اصطلاح دفتری، روزنامهچه را أم الحساب، ام الجراید، جریده التعلیق و قانون گفته‌اند (تبریزی، قانون السعادة، ش ۳۶۹۷، ب ۱۲۸؛ کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۷).

روزنامه‌چه مقدم بر سایر دفاتر است. چرا که مدار کار بر آن است. دفتر توجیه و اوارجه هر دو از آن کامل می‌شود. اطلاعات مالی دیوان ابتدا وارد روزنامه‌چه شده و پس از آن برحسب موضوع به دفتر اوارجه و توجیهات منتقل می‌شد (آملی، ۱۳۷۷ق، ص ۳۲۴؛ مازندرانی، ش ۶۵۴۱، ب ۷۴).

در اصطلاح دیوانی، روزنامه‌چه دفتری است حاوی ثبت روزه‌روز جمع و خرج و مقرر مال و جهات و غیره و صورت احکام و پروانجات و آنچه در دیوان واقع شود که به صورت روز به روز ثبت دفتر روزنامه‌چه می‌شود (وصاف، ۱۳۳۸، ص ۳۸۹؛ شریک امین، ۱۳۵۷، ص ۱۵۲).

دفتر روزنامه‌چه در دیوان صفوی هم وجود داشته و امورات مربوط به کارخانجات و بیوتات توسط مشرفان روز به روز در آن نوشته می‌شد. در فرمانی از شاه سلطان حسین از ناظر بیوتات خواسته شده که صاحب جمعان بیوتات، جیره مزبور را روز به روز مهم‌سازی و مشرفان در روزنامه‌جات عمل نمایند (بوسه، ۱۳۶۷، ص ۳۰۹). پس از نوشتن دفتر، مشرفان باید ماه به ماه روزنامه‌جات را نزد شاه برده و اضافه هزینه‌ها را در آن یادداشت کرده، سپس وزیر بیوتات آن را تصحیح، خط گذاشته به مهر ناظر بیوتات رسانیده و تحویل مستوفی ارباب التحویل دهند (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ص ۱۱؛ نصیری، ۱۳۷۱، ص ۲۲؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۰، ص ۵۹۲). مستوفی ارباب التحویل ماه به ماه روزنامه‌جات را گرفته به طرح سررشته ارباب التحویل محاسبه بر صاحب جمعان نوشته و باقی و فاضل را موافق قانون حساب مشخص کرده و بدون مهر ناظر چیزی به خرج احدی ننویسد (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ص ۳۵؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۰، ص ۵۹۴). البته کرمانی معتقد است که روزنامه‌چیان ابتدا باید روزنامه‌جات را به صحنه و تصحیح مستوفی رسانده و بعد از آن به مهر وزیر یا ناظر بیوتات برسانند (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶). با توجه به روزنامه‌چه‌های آستان قدس که در آن دستور متولی به مستوفی برای تصحیح و تأیید روزنامه‌جات آمده، به نظر می‌رسد سیر اداری روزنامه‌جات بر مبنای نوشته‌های کرمانی صحیح‌تر باشد. روزنامه‌چه‌ها بعد از نوشتن باید مقابله و کنترل می‌شد.

### کاربرد دفاتر روزنامه‌چه در نظام اداری آستان قدس رضوی

روزنامه‌چه‌ها اولین دفاتر مالی بودند که در دیوان تهیه می‌شد و اطلاعات بیوتات به صورت روز به روز در آن ثبت شده و پس از تصحیح و تأیید، اطلاعات به دفاتر اوارجه و توجیهات منتقل می‌شد. قدیم‌ترین سند مربوط به سال ۱۰۱۵ق. است که گزارش جمع و خرج تحویلداران آستان قدس در بخش روشنایی است (س ۳۱۷۶). تعداد دفاتر روزنامه‌چه در اسناد آستان قدس به نسبت دفاتر اوارجه و توجیهات کم است و تنها از برخی بیوتات روزنامه‌چه موجود است که معلوم نیست به خاطر ماهیت این بیوتات است و یا سایر روزنامه‌چه‌ها از بین رفته است.

موضوع روزنامه‌چه‌ها بر حسب اطلاعات بیوتات، مختلف بود؛ در روزنامه‌چه خرج تعمیر حمام، مصالح، اجرت و قیمت هریک را آورده است (س ۳۱۷۷). روزنامه‌چه شماعی‌خانه، نام اقلام حوزه

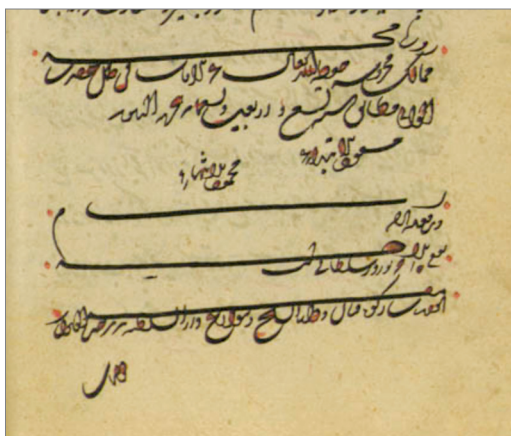
روشنایی و میزان و مبلغ نوشته شده است (س ۳۱۷۶۰). روزنامه‌های مربوط به مدد معاش نام افراد به همراه پرداخت‌های جنسی که شامل گندم و جو را آورده است (س ۳۲۳۸۸).  
 روزنامه‌چپ جمع و خرج صاحب جمعان بیوتات سرکار فیض آثار مربوط به مخارج بیوتات می‌شود. روزنامه‌چپ‌های مربوط به هزینه‌های متفرقه شامل هزینه‌های نظافت روضه مطهر و صحن می‌شد (س ۳۳۵۴۶). غیر از روزنامه‌چپ‌های مربوط به آستان قدس، برخی مزارع هم برای هزینه‌های خود از جمله تنقیه قنات و چاهخویی روزنامه‌چپ داشتند که مستوفی طبق اطلاعات این روزنامه‌چپ، برات صادر و هزینه پرداخت می‌شد (س ۵۳۲۵۴).

### اجزای دفاتر روزنامه‌چپ

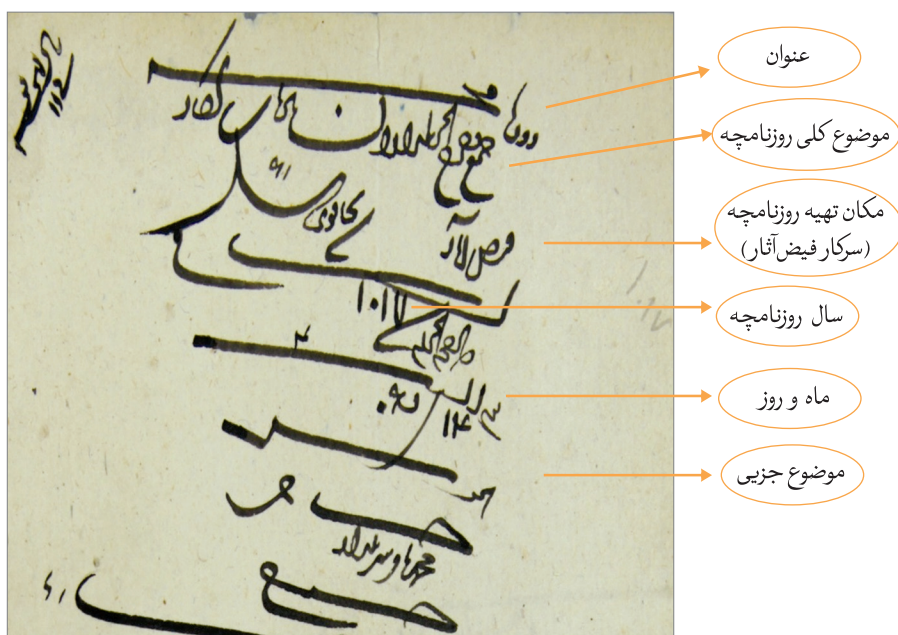
طرح دفتر روزنامه‌چپ در ابتدای سال شمسی که محل تحویل آفتاب به حمل است توسط مستوفیان نوشته می‌شد و اسامی و ماه‌ها و روزها را هر کدام بر ورقی جداگانه رسم کرده روز به روز هر چه واقع شود در آن می‌نوشتند. اسامی ایام هفته در روزنامه‌چپ به این شکل نوشته می‌شد: سبت، احد، اثنین، ثلث، اربعاء، خمیس و جمعه.

صدرحساب با «هو» و «روزنامه‌چپ» شروع می‌شد و در ذیل آن مشخص می‌شد که مربوط به کجاست. در صفحه اول همان عبارت «مسعود الابتداء، خیرالامور اوسطها، محمود الانتهاء» قید می‌شد که در آغاز دفاتر اوارجه هم می‌آمد (علم سیاق، نسخه مجلس، ش ۶۵۴۳ ب ۵۲؛ مازندرانی، ش ۶۵۴۱، ب ۷۴)؛ سپس ماه، روز و موضوع می‌آمد (علم سیاق، نسخه مجلس، ش ۶۵۴۳، ب ۵۳) (تصویر ۳۴).

در اسناد آستان قدس، پس از نوشتن «هو»، واژه «روزنامه‌چپ» با کشیدگی بر روی حرف «چ» نوشته می‌شد. یکی دیگر از عناصری که در صدرحساب به کار می‌رفت، تعیین تعلق مکانی دفتر بود؛ اگر دفتر مربوط به دیوان بود، واژه «دیوان» و اگر مربوط به آستان قدس بود، از عباراتی استفاده می‌شد که تعلق آن به این آستان مبارک را نشان می‌داد، مانند «سرکار آستانه مقدسه منوره مطهره» و «سرکار فیض آثار». از میان این‌ها، عبارت دوم کاربرد بیشتری داشته و تقریباً در تمامی دفاتر تکرار شده است.  
 آخرین عنصر موجود در صدرحساب، تاریخ بود که بر مبنای سال ترکی ثبت می‌شد. برای مشخص کردن تاریخ از عبارات «سنه» یا «فی» استفاده می‌کردند. اگرچه محاسبات مالی بر اساس سال خورشیدی انجام می‌شد، اما تاریخ‌ها به زبان ترکی نوشته می‌شدند. تعیین تعلق مکانی و درج تاریخ، علاوه بر دفاتر روزنامه‌چپ، در دفاتر اوارجه و توجیهات نیز به کار می‌رفت.  
 سطر بعدی، موضوع جزئی‌تر روزنامه‌چپ نوشته شده و بعد ماه عربی و سال به عدد، روز هفته به شکل عربی و نام فرد تحویل گیرنده از مواردی دیگری است که در ذیل آن می‌آید (تصویر ۳۵).



تصویر ۳۴: نمونه صدر حساب روزنامه در دیوان (رساله سیاق کرمانی)



تصویر ۳۵: نمونه صدر حساب روزنامه در آستان قدس

در روزنامه‌چه صفحه‌شماری صورت می‌گرفت و شماره فرد بر روی روز یا ماه نوشته می‌شد (س ۳/۱۷۷۱). همچنین در دستور متولی به مستوفی مشخص می‌شد که روزنامه‌چه در چند فرد تهیه شده است (س ۳۳۸۳۷).

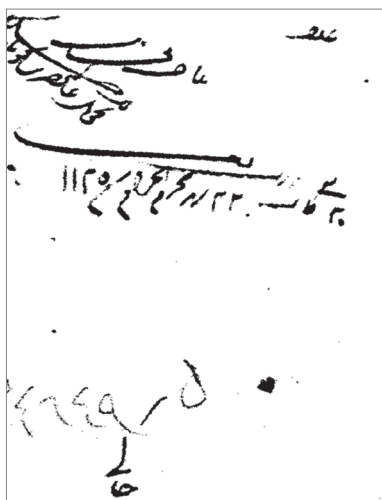
پس از درج صدرحساب و موضوع اصلی روزنامه‌چه، محتوای اصلی که شامل هزینه‌ها و مخارج بود ثبت می‌شد. مطالب روزنامه‌چه‌ها معمولاً از اسناد مختلفی مانند تعلیقچه‌ها (سند ۳۳۵۳۷)، ارقام جدید و سابق (سند ۳۳۵۳۶/۱۳)، طومار نسق (س ۳۳۵۳۶/۱۳)، سیاهه (سند ۳۳۵۳۸)، برات، قبض وصول و تسعیرنامه‌ها استخراج می‌شد (سند ۳۵۸۸۰/۷). روزنامه‌چه توسط مشرف نوشته می‌شد و ثبت، ضبط و محاسبه آن بر عهده مستوفی بود. بیشتر روزنامه‌چه‌ها همچنین به مهر و تأیید متولی می‌رسیدند (س ۳۲۵۳۲/۶، ۳۲۵۴۸، ۳۳۵۳۵/۱۳).

#### ▲ اصطلاحات خاص دفتر روزنامه‌چه

در روزنامه‌چه از برخی اصطلاحات رایج علم استیفا استفاده می‌شد، در حالی که کاربرد برخی دیگر ممنوع بود. نسبت به دفاتر اوارجه، روزنامه‌چه به اصطلاحات کمتری متکی بود و از نظر تنوع دستورات اداری نیز محدودتر به نظر می‌رسید.

#### ▲ خالیاً

اگر روزی خالی بود و خرجی داده نشود اسم آن روز را کشیده و «خالیاً» بر پای آن می‌نوشتند (آملی، ۱۳۷۷ق، ص ۳۲۴؛ کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶). در اسناد آستان قدس واژه «خالی» نوشته شده است (س ۳۴۶۴۹) (تصویر ۳۶).



تصویر ۳۶: واژه «خالی»

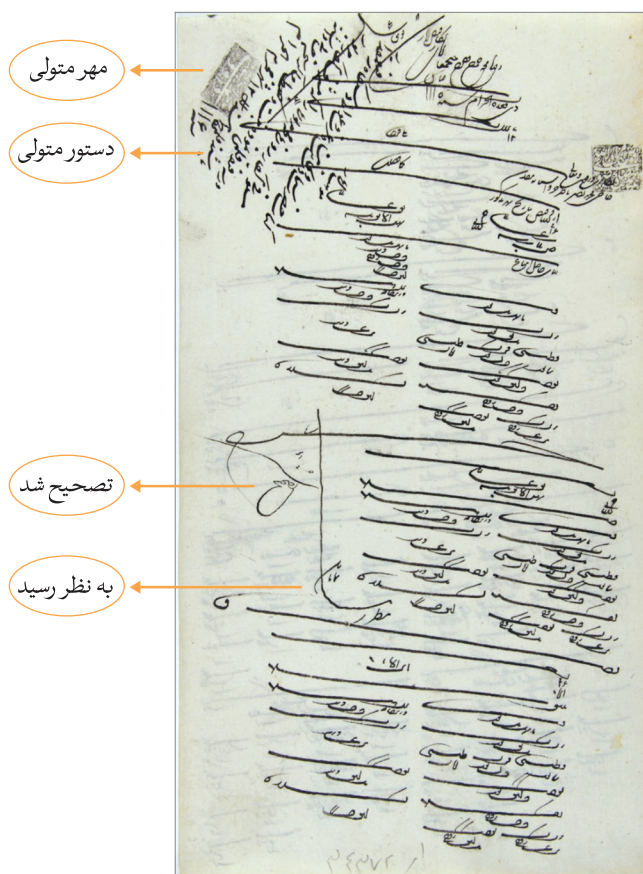
#### ▲ تصحیح شد/ به نظر رسید

روزنامه‌چه‌ها پس از تهیه توسط مشرف، توسط مستوفی تصحیح و تأیید می‌شد. در دوره صفوی

عبارت «به نظر رسید» توسط مستوفی بر روی متن روزنامه‌چه یا پایین صفحه نوشته می‌شد (س ۳۳۶۴۲). در اواخر دوره صفوی عبارت «تصحیح شد» بر روی متن و یا حاشیه سمت راست و چپ بالا نوشته می‌شد (س ۳۴۶۴۱/۵) (تصویر ۳۷).

### ▲ حک مَهر در دفتر روزنامه‌چه

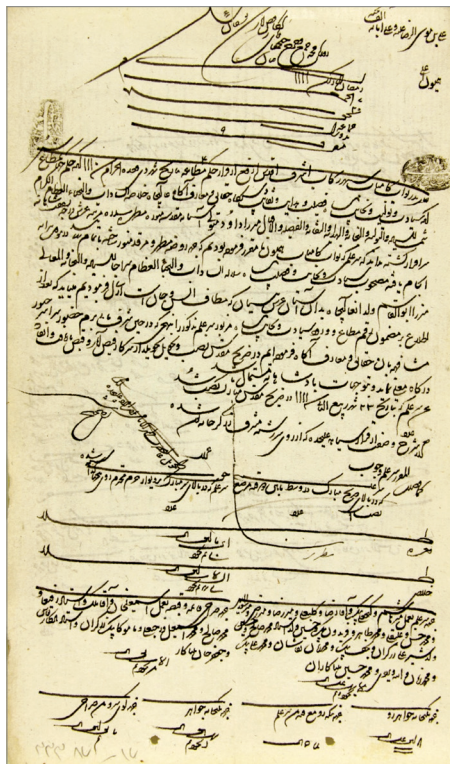
در کنار نوشته‌هایی که حاکی از تأیید و تصحیح روزنامه‌چه‌ها است. روزنامه‌چه‌ها برخلاف اوارچه و توجیهات، ممه‌ور به مهر افرادی که آن را تهیه، تصحیح و تأیید کردند می‌شد. این مهرها مربوط به متولی، ناظر، مشرف و مستوفی و گاهی حکیم در روزنامه‌چه‌های مربوط به شربت‌خانه و دارالشفای بود (س ۳۲۷۶۳). گاهی یک مهر و گاهی دو تا سه مهر زده می‌شد. معمولاً مهر متولی در پایین دستور وی مبنی بر تصحیح، ثبت و ضبط روزنامه‌چه در حاشیه بالای سند و یا پشت آن زده می‌شد (س ۳۲۷۶۳/۳، ۳۲۵۳۲، ۳۲۵۴۸، ۳۳۵۳۵) (تصویر ۳۷).



تصویر ۳۷: یادداشت‌های دفتر روزنامه‌چه

ارتباط میان روزنامه‌چه با دفتر توجیه و اوارجه

اطلاعات پس از ثبت در روزنامه‌چه با توجه به موضوع، در دفتر توجیه و اوارجه وارد می‌شد. مستوفی باید تا زمانی که اطلاعات را ثبت روزنامه‌چه نکرده است داخل دفتر توجیه نکند.<sup>۱</sup> در دفاتر توجیهات و اوارجه آستان قدس اطلاعاتی که از دفتر روزنامه‌چه آمده، مشخص شده است. مثلاً در دفاتر توجیهات در موضوع «کرایه» در برخی جاها اشاره کرده که «علیق الدواب در وجه جماعت زوار به شرح روزنامه‌چه» (س ۳۱۸۲۳/۱۳). یا به روزنامه‌چه تهیه شده توسط صاحب جمع اشاره شده «از بابت باقی توشقان‌نیل روزنامه‌چه رفعت پناه خواجه فریدون حسین که در روزنامه‌چه مبیع نمایند» (س ۳۱۸۸۲/۴). گاهی در دفاتر اوارجه مشخص می‌کرد که این بروات در روزنامه‌چه نوشته شده و از آنجا به دفتر اوارجه منتقل شده است (س ۳۱۷۸۵).



تصویر ۳۸: روزنامه‌چه جمع و خرج صاحب جمعان

۱. مازندرانی معتقد است زمانی که اطلاعاتی از روزنامه‌چه به سایر دفاتر منتقل می‌شود باید علامت «نقل» بر دفتر روزنامه‌چه گذاشت؛ و اگر مقابله کنند نشان «قول» بگذارند. این مسأله در کتب علم سیاق عصر صفوی مطرح نشده و در اسناد دیده نمی‌شود. احتمالاً رسمی مربوط به دوره وی بوده و پس از آن منسوخ شده است (مازندرانی، ب ۷۴).

### دفتر اوارجه

دومین دفتری که در دیوان کاربرد داشت، دفتر اوارجه بود. اوارجه<sup>۱</sup> معرب آواره (زمخشری، ۱۴۲۵، ص ۲۴۵) دفتر حسابی است که حساب‌های پراکنده دیوانی را در آن نویسند و آن دفتر را اوارجه یا اوراقچه هم گویند (آندراج، ذیل واژه). علاء تبریزی معنی اوارجه را تفریق دانسته است (تبریزی، ش ۳۶۹۷، ب ۱۴۴). خوارزمی هم معتقد است این کلمه در فارسی معنی منقول (دفتر یادداشت) می‌دهد، زیرا حسابدار مقدار خراج تعیین شده برای هرکس را در آن نقل می‌کند و مقدار پرداختی هر دفعه او را ثبت می‌کند تا حساب بدهکار تصفیه شود (خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۵۷).

اوارجه یک اصطلاح دیوانی بوده که در امور مالی و حسابداری در دیوان کاربرد داشته است. دفاتر اوارجه مربوط به ثبت جمع و خرج درآمدهای دیوان بوده است (تصویر ۴۰). در عصر صفوی، استفاده از دفاتر اوارجه در دیوان لازم بوده و فردی به نام اوارجه‌نویس این امر را تحت نظر مستوفی انجام می‌داده است. گاهی اوقات این شغل توسط شاه انتخاب می‌شد، چنانکه شاه عباس در ۹۹۴ بعد از تعیین وزارت، ارباب مناصب از صاحب توجیه، اوارجه‌نویس و نویسندگان لشکر را تعیین نمود (منشی قمی، ج ۲، ۱۳۸۳، ص ۸۱۶). در این دوره هر یک از ایالات بزرگ، یک اوارجه‌نویس داشتند (اسکندر بیگ منشی، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵). در اسناد آستان قدس نیز به اوارجه‌نویس خراسان، کرمان و عراق اشاره شده که طبق دستور پروانچه صادر شده از سوی شاه، مواجب و رسوم آن‌ها از محل وجوهات آستان قدس پرداخت می‌شد (س ۳۲۸۴۸، ۳۲۳۳۴، ۴۳۵۱۴).

### کاربرد دفاتر اوارجه در نظام اداری آستان قدس

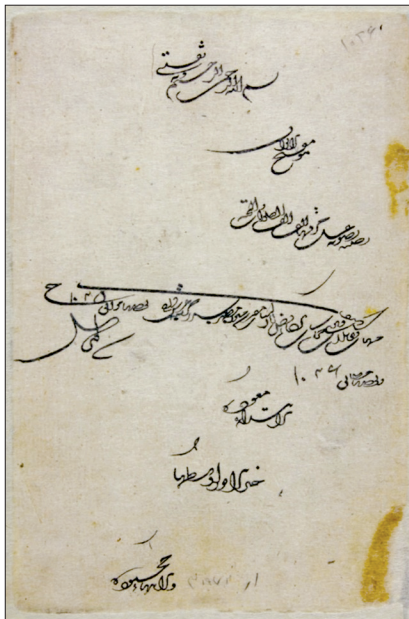
اهمیت امور مالی و ثبت و ضبط درآمدها و هزینه‌های آستان قدس و موقوفات، سبب شد که از همان ابتدای تأسیس و توسعه تشکیلات اداری و مالی آستان قدس رضوی، دفاتر اوارجه تهیه و توسط مستوفیان، امور مالی در آن ثبت و ضبط شود. قدیم‌ترین سند اوارجه مربوط به سال ۱۰۰۹ق است. این سند مربوط به تحویل قرآن‌های کتابخانه با ذکر مشخصات آن به صاحب جمع کتابخانه است. این مبحث در ذیل ارباب التحویل و التحصیل ذکر شده است (س ۵۲۷۰۲). محتوای دفاتر اوارجه در آستان قدس شامل، ثبت درآمدهای دریافت شده از املاک (مزارع و باغات) و مستغلات وقفی (طواحین، دکاکین، خانات، حمام‌ها)، نذورات و دریافت وجوهات از سیورغالات قدیمی و جدیدی آستان قدس، دریافت وجوهات از بابت حق الارض، حق الدفن، حق المیاه و غیره بود. البته طبق قوانین سیاق، خرج کرد این درآمدها در ذیل مندلک نوشته می‌شد. این هزینه‌ها شامل پرداخت حقوق به کارکنان و هزینه‌های نگهداری موقوفات و سایر هزینه‌های مربوط به حرم بود.

1. āvāreja, āvāreča.

البته شکل تفصیلی هزینه‌ها در دفتر توجیهاث ثبت می‌شد. به لحاظ اداری در این دفاتر مانند دفتر توجیهاث به دستور متولی و فرامین شاه استناد شده است. این مسأله مناسبات اداری حاکم بر دفتر اوارجه را نشان می‌دهد. دستورات اداری که بر حاشیه برخی مطالب ثبت شده، سیر اداری ثبت یک درآمد و محل هزینه آن را نشان می‌دهد. در صورت انجام هزینه، کشیدن علامت «باطل شد»، سوء استفاده مجدد از حساب را ناممکن می‌سازد و این حاکی از نظام محاسباتی دقیق برای ثبت درآمدها و اهمیت دفاتر اوارجه در امور دیوانی و آستان قدس است. تنوع دستورات اداری در دفاتر اوارجه آستان قدس زیاد است که در نسخه‌های مربوط به دانش سیاق به آن اشاره نشده است. بنابراین می‌تواند به عنوان نخستین مواردی باشد که تاکنون مطرح شده و یا خاص مناسبات مستوفیان آستان قدس بوده است.

### ساختار سندشناسی

دفتر اوارجه متشکل از چندین برگ (فرد) بود که به ترتیب از برگ اول موضوع دفتر و زمان نوشتن آن مشخص می‌شد. در برگ‌های بعدی موضوع اصلی دفتر که شامل یکی از بخش‌های اوارجه بود مشخص شده و سپس در ورق بعدی این موضوعات جزو صدر حساب قرار گرفته و بعد محاسبات انجام می‌شد.



مستوفی باید طرح دفاتر اوارجه را در نوروژ می‌نوشت و در ساعت خوش به این کار اقدام می‌کرد. در صفحه دوم دفاتر اوارجه مشخص می‌شد که دقیقاً در چه زمانی نوشته می‌شد. در همان صفحه اول، تاریخ و زمان نوشتن دفتر مشخص می‌شد: «نوروز سلطانی شب سه‌شنبه هشتم شهر صفر ختم بالخیر و الظفر سنه ۱۰۹۰ نزدیک به طلوع آفتاب» (س ۳۲۲۶).

در صفحه اول دفتر اوارجه آستان قدس، تسمیه با احترام به سرکار فیض آثار شروع می‌شد (س ۳۴۱۹۶). سپس با جملات دعایی ختم به خیر می‌شد. گاهی در همان صفحه اول زمان و ساعت نوشتن دفتر اوارجه مشخص می‌شد (س ۳۳۲۷۳/۳) (تصویر ۳۹).

تصویر ۳۹: صفحه اول دفتر اوارجه

نخستین قسمت دفتر اوارجه، صدر حساب بود، این قسمت با واژگانی چون «افتتاح مهمات و معاملات»، «انجام مهمات و معاملات»، «استفتاح مهمات و معاملات و تنقیح محاسبات» شروع می‌شد که بیانگر داد و ستد مالی، تنقیح و تشخیص، اصلاح، ترتیب و نظم دادن به محاسبات بود. واژگان عربی «مهمات و معاملات» که دلالت بر داد و ستد مالی دارد در همه صدر حساب‌ها تکرار شده است.

### ▲ تقسیمات دفتر اوارجه

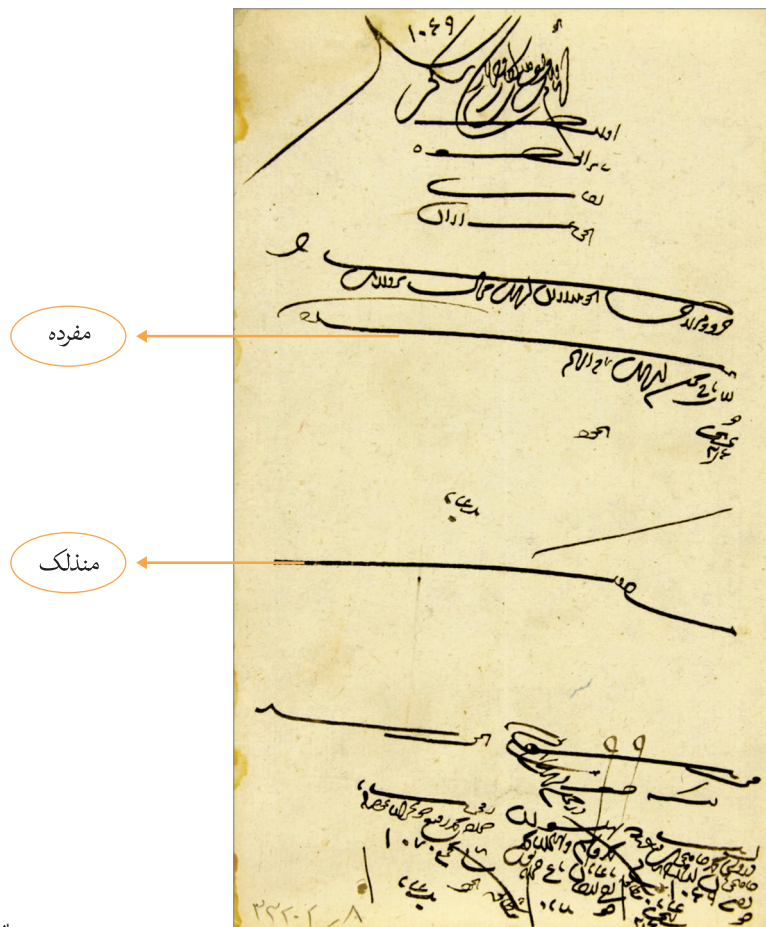
دفتر اوارجه شامل ابواب المال و ارباب التحاویل و التحاصیل می‌شد. برخی اوقات سایر الوجوه هم جزو تقسیمات این دفتر قرار می‌گرفت. بعد از نوشتن صدرحساب، موضوع دفتر اگر مربوط به حوزه ابواب المال می‌شد ابواب المال و در غیر این صورت، ارباب التحاویل و التحاصیل و گاهی سایر الوجوه و سایر موضوعات در ذیل آن و یا در گوشوار نوشته می‌شد.

ابواب المال را در لغت منابع درآمد، منابع مالیاتی دانسته‌اند (فرهنگ سخن، ذیل واژه). در اصطلاح دیوانی مجموعه اموالی است که به سلطان یا به خزانه پادشاهی تحت عنوان خراج می‌رسیده است (انوری، ۱۳۷۳، ص ۶۳؛ کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۰). در آستان قدس، ابواب المال بخشی از درآمدهای موقوفه، مانند محصولات زراعات و باغات مشهد و ولایات و درآمد مستغلات (طواحین، دکاکین، خانات و حمام‌ها)، نذورات، حق الارض و حق المیاه را شامل می‌شد. یکی دیگر از زیر مجموعه‌های ابواب المال، سیورغالات بود. این قسمت مربوط به دریافت وجوهات از واگذاری سیورغالات در مشهد و ولایات بود (س ۳۱۷۸۹). قسمت دیگر سیورغالات، مُسَلِّمات، احشامات و کمک به جماعت‌ها و گروه‌های متفرقه بود (س ۳۱۹۷۶) (تصویر ۴۲).

بخش دوم اوارجه، ارباب التحاویل و التحاصیل است که اشاره به تحویلداران و تحصیلدارانی است که در دیوان یا آستان قدس وظیفه جمع‌آوری وجوهات و درآمدها را برعهده داشتند. در اسناد آستان قدس، در ذیل تحاویل نام صاحب‌جمعان و سپس محلی که مربوط به ایشان بود نوشته می‌شد (س ۵۲۷۰۲). در التحاصیل نام تحصیلدارانی نوشته شده که مال‌وجهات و وجوهات را از مزارع و مستغلات جمع‌آوری می‌کردند (س ۳۲۵۷۱).

در دفتر اوارجه، انجام محاسبات ذیل «مفرده» و «منذلک» قرار می‌گرفت. مفرده در لغت به معنی تنها، تأنیث مفرد (دهخدا، ذیل واژه) و در اصطلاح سیاق مدّی است که زیر آن جمع نویسند. در این قسمت از دفاتر اوارجه، جمع‌های مربوط به هر حوزه ثبت و به شکل‌های مختلف این اطلاعات درج می‌شد و دارای ویژگی‌هایی بود که روند اداری ثبت درآمدها را نشان می‌داد. بعد از مفرده، منذلک قرار داشت که در لغت به معنی از آن جمله و در اصطلاح اهل دفتر خرج را گویند (دهخدا،

ذیل واژه). معمولاً مندلک بعد از مفرده نوشته می‌شد (تصویر ۴۰). زمانی که مفرده در گوشوار قرار می‌گرفت، مندلک در صدر صفحه نوشته می‌شد. گاهی مندلک در گوشوار نوشته می‌شد که نشان می‌داد سند تنها مربوط به هزینه‌های انجام شده است. بعد از مشخص کردن جمع در تحت مفرده، آنچه از آن درآمد خرج شده بود در ذیل مندلک نوشته می‌شد، هزینه‌هایی چون مرسوم، حق التولیه، تعطیل، مدد خرج، اجرت، سوخت، تصدق، وظیفه، مواجب، بهاء، نفقه القنات، حق السعی، تحویل، تحصیل، علیق، اخراجات، مقرری، مبیع و تخفیف در مندلک ذکر می‌شد (س ۳۱۷۸۱، ۳۱۹۸۵/۱۸، ۳۲۱۳۱).



تصویر ۴۰: مفرده و مندلک

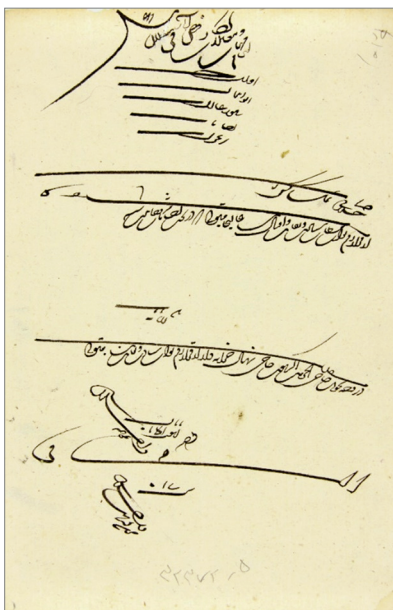
بعد از نوشتن مفرده و مندلک، در صورتی که مبلغی از جمع باقیمانده بود آن را در «الباقی»

می‌نوشتند. اگر خرج بیشتر از جمع بود واژه «الفاضل» نوشته و در ذیل آن خرج اضافی نوشته می‌شد (س ۳۱۹۸۵/۷۶).

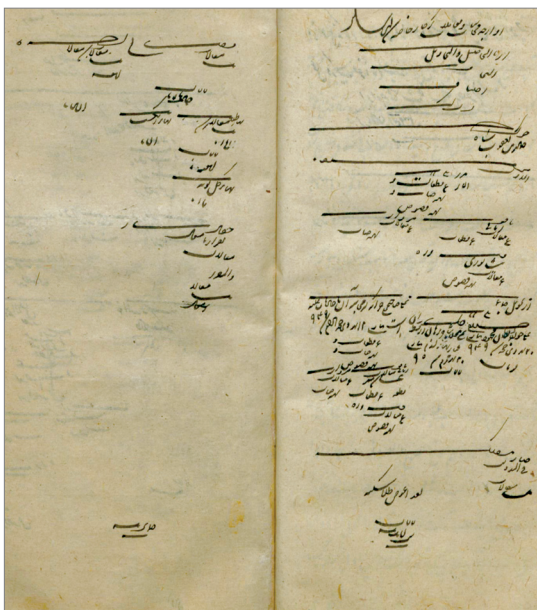
اطلاعاتی که مربوط به جمع و خرج‌ها در دفتر اوارجه ثبت می‌شد برگرفته از اسنادی بود که ابتدا این اطلاعات در آنجا درج، سپس به دفتر اوارجه منتقل می‌گردید. گاهی لازم بود برای تأیید مطالب، برخی اسناد، توسط مستوفی دیده شوند. بنابراین در دفتر اوارجه به اسنادی برمی‌خوریم که ارتباط تنگاتنگی با این دفاتر داشته و برای سیر اداری محاسبات لازم بوده تا به این اسناد استناد شود. یکی از این اسناد روزنامه‌چیه است. در دفتر اوارجه اطلاعاتی که از روزنامه‌چیه دریافت می‌شد کاملاً مشخص می‌شد که «موافق روزنامه‌چیه» به این دفتر انتقال یافته است.

برخی اطلاعات از دفتر توجیه به اوارجه منتقل می‌شد (س ۳۲۲۲۶/۸۹). «مفرده از بابت محصول محال نیشابور از قرار قبض که در توجیه در تحت تحویل مشارالیه ثبت است» (س ۳۱۷۹۱/۱۱).

یکی دیگر از انواع اسناد، برات‌ها هستند. متن آن‌ها به صورت خلاصه در جمع و خرج دفاتر اوارجه درج می‌شد. در بسیاری از حواشی، برای تأیید محاسبات، گاهی اشاره می‌شد که برات مورد مطالعه قرار گرفته و گاه به براتی اشاره می‌گردید که به مهر متولی مهور شده بود. «برات به مهر عالی حضرت متولی مطالعه شد.» (س ۳۲۳۷۲).



تصویر ۴۲: نمونه دفتر اوارجه در آستان قدس



تصویر ۴۱: نمونه دفتر اوارجه در دیوان

## دفتر توجیهات

به لحاظ معنای لغوی، توجیه مصدر باب تفعیل است و در معنی روی سوی کسی کردن، روی فراگردانیدن، چیزی بر یک نسق کردن است (دهخدا، ذیل واژه: آندراج، ذیل واژه توجیه). ناظم الاطبا، توجیه را در اصطلاح، ترتیب حساب و حواله برات دیوانی دانسته است و توجیه‌نویس کسی است که حواله برات دیوانی را می‌نویسد (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۹۹۶). در اصطلاح علم استیفا، دفتر توجیهات دفتری بود که هر چیزی را که در دفتر روزنامه‌چه ثبت می‌کردند ابواب و اسامی را استخراج و در آن می‌نوشتند (تبریزی، ش ۳۶۹۷، ب ۱۴۵). دفتر توجیه همچنین مشتمل بر تحویل، تحصیل، تعیین مواجب، مرسومات، اخراجات، انعام، سیورغال، وظیفه، مدد خرج، مأکول، ملبوس، مصالح، علیق الدواب، و سایر وجوهاتی بود که در دیوان صورت می‌گرفت (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹) (تصویر ۴۵).

با توجه به تعاریف بالا این‌طور برمی‌آید که تمامی هزینه‌های انجام‌شده در دیوان، در این دفتر ثبت و ضبط می‌شد. تنوع این هزینه‌ها و اصطلاحات مالی به‌کاررفته به‌گونه‌ای است که این دفتر را به کشکول و کتاب جُنْگی تشبیه کردند (نصیری، ۱۳۷۱، ص ۵۸).

دفتر توجیهات توسط صاحب توجیه که تحت امر مستوفی الممالک انجام وظیفه می‌کرد، تهیه می‌شد. شاردن وظیفه وی را ثبت امور مربوط به نظارت خرج یا آنان که متصدی هزینه هستند دانسته است (شاردن، ج ۳، ۱۳۷۲، ص ۱۲۵۸). در دفاتر توجیه آستان قدس نام‌نشانانی از توجیه‌نویس نیست و تمامی امور اداری این دفاتر توسط مستوفی انجام می‌شده است (س ۳۴۴۵۸).

## کاربرد دفاتر توجیهات در نظام اداری آستان قدس

دفاتر توجیهات در آستان قدس از مهم‌ترین مجموعه‌های سندی است که با بررسی آن می‌توان میزان و نوع هزینه‌های این نهاد وقفی را بررسی کرد. قدیم‌ترین دفتر در این مجموعه، دفتر توجیهات مربوط به سال ۱۰۰۷ق. است (س ۳۱۷۷۶). بررسی هزینه‌های مزبور علاوه بر نشان دادن رویکرد اقتصادی این نهاد، مناسبات آن را با دولت در حوزه اقتصادی نشان می‌دهد. این هزینه‌ها در اسناد آستان قدس شامل: ابتیاع، اجرت، اخراجات، انعام، بهاء‌المذکور، تحویلات، تحصیلات، تخفیف، تصدق، تعمیر، تقاوی، تکلف، تیول، جیره، سیورغال، وظیفه، مددخرج، مأکول، کرایه، مبیع و غیره است که بخشی برای پرداخت حقوق کارکنان، قسمتی برای اداره مزارع و مستغلات وقفی و بخشی در ارتباط با هزینه‌های مرتبط با دیوان، کاربرد داشته است.

۱. البته در چند سند به صاحب توجیه اشاره شده که ربطی به توجیه‌نویس آستان قدس ندارد (سواد فرمان، س ۲۹۱۴۶).

طرح دفتر توجیه در نوروز هر سال توسط مستوفی آماده می‌شد. وی هر یک از وجوهات مزبور را بر ورقی جداگانه می‌کشید، سپس روزه‌روز آنچه واقع می‌گردید بعد از ثبت روزنامه‌چه، به صورت موضوعی در دفتر توجیه وارد می‌کرد. تحویل بر پای تحویل، تحصیل بر پای تحصیل غیره. یعنی موارد مربوط به هر کدام از وجوهات را در ذیل آن می‌نوشت (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹).

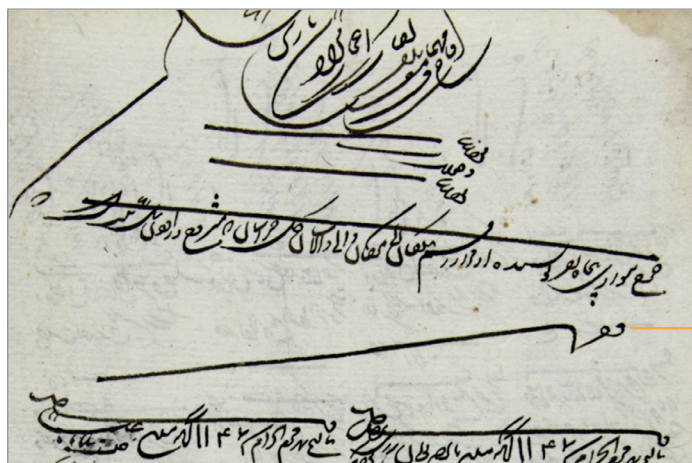
دفتر توجیهات از چندین برگ تحت عنوان فرد تشکیل می‌شد. تعداد فردها یا صفحات را نیز یا در گوشه بالای سند و یا پایین و یا در سطر اول می‌نوشتند. به این ترتیب مشخص می‌شد که این دفتر شامل چند فرد است. گاهی برخی صفحات شماره‌گذاری شده و در برخی این مسأله صورت‌نگرفته است (س ۳۱۸۲۶/۲۰).

صفحه اول دفتر با نام خداوند و سپس موضوع اصلی دفتر شروع می‌شد: «هو الله، رضیه رضویه علیه التحیه و الثنا، تشخیص مهمات و معاملات سرکار آستانه مقدسه منوره مطهره متبرکه عرش درجه سدره مرتبه، سنه بیچی ثیل» (س ۳۲۱۵۰).

مانند دفاتر اوارجه، در دفاتر توجیهات آستان قدس، جملات مختلفی برای صدر حساب به کار رفته است که شامل «انجام مهمات و معاملات»، «مجموع مهمات و معاملات و محاسبات»، «تشخیص محاسبات و معاملات»، «افتتاح مهمات و معاملات سرکار اعجاز مراد»، «انتظام مهمات و معاملات»، «استفتاح مهمات و معاملات و تنقیح محاسبات» است (س ۳۱۹۰۱، ۳۱۹۳۱، ۳۵۲۲۹، ۳۱۸۲۱). بقیه موارد مانند صدر حساب دفتر اوارجه بود.

دفتر توجیهات به دو قسمت توجیهات و مقررات تقسیم می‌شد. در واقع در این قسمت مشخص می‌گردید که چه اموری در این دفتر ثبت است. همچنین نشان می‌داد چه هزینه‌هایی در دیوان یا آستان قدس در طول یک سال صورت گرفته و این هزینه‌ها بر چه اساسی بوده است.

بعد از نوشتن نوع هزینه، در ذیل آن برات‌ها و قبض رسید افراد ثبت و ضبط می‌شد. معمولاً در مورد برات‌ها تنها تاریخ، مبلغ و نام فردی که برات به نام وی صادر شده می‌آمد و کمتر متن کامل برات درج می‌گردید (س ۳۲۲۰۴). اما در قبض‌های وصول عمدتاً متن کامل و گاهی متن یک قبض و یا دو قبض و بیشتر نوشته می‌شد. ابتدا رقم «وجهه» کشیده شده و سپس متن قبض می‌آمد. گاهی روی کشیدگی وجهه یا قبض جمله «نوشته شد» درج می‌گردید (س ۳۴۹۵۷) (تصویر ۴۳).



تصویر ۴۳

بعد از اتمام متن قبض، دستور متولی و یا مقام بالاتر به مستوفی مبنی بر ثبت قبض یا برات در دفتر و پرداخت تنخواه یا مبلغ قرار داشت (س ۳/۳۱۸۶۰).

مستوفی می‌بایست قبض را در دفاتر ثبت و مواجب و یا هزینه‌های مربوط را موافق «استمرار سنوات» و اسنادی چون فرمان و رقم شاه و یا طومار نسق، تنخواه داده و برات را بنویسد (س ۳۲۴۸۶، ۳۱۸۶۰، ۳۵۳۵۵). بنابراین سیر اداری یک هزینه به این صورت بود که ابتدا قبض رسید بر طبق دستور صادره دریافت شده و سپس بر مبنای آن برات و پرداخت صورت می‌گرفت.

بعد از آن، مبلغ وجه به صورت نقدی و جنسی و جمله «مقرراً زده مجری نمایند» می‌نوشتند که دلالت بر میزان پرداخت و اجرای آن داشت (شهبهانی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۷). در اسناد آستان قدس نوشته می‌شد «مقرراً از قرار برات به تاریخ شهر ... سنه ...» و سپس مبلغ و واژه «مجری» می‌آمد. آنگاه محل پرداخت مشخص می‌شد و دستور به فرد پرداخت‌کننده می‌داد که از آن محل پردازد (س ۳۴۹۵۷/۷). در بیشتر دفاتر توجیه مورد بررسی، علامت «ترقین» در قسمت محل پرداخت درج است. برای اینکه مشخص شود از این محل پرداخت شده و مبلغ باطل شده، از علامت «ترقین» استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد علت گذاشتن این علامت علاوه بر مقابله با دفتر روزنامه‌چیه، پرداخت و باطل شدن حساب را نشان می‌دهد (تصویر ۴۶).

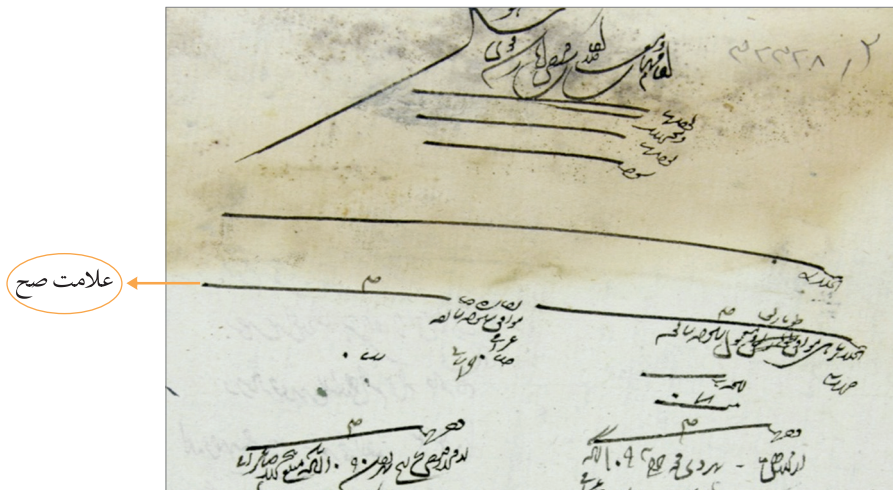
گاهی در قسمت توجیهات، متن رقم و یا پروانچه‌ای که مربوط به دستور پرداخت به ویژه آنکه در زمینه مواجب و مرسوم بود نیز نوشته شده و سپس در انتهای آن قبض رسید درج و سایر مراحل طی گردیده است. در واقع ثبت این گونه اسناد به سوابق پرداخت بود (س ۳۴۹۵۷/۲۰).

قسمت دوم دفتر توجیهات، مقررات بود. امور مالی که موافق احکام و فرمان‌ها از بابت مقرری،

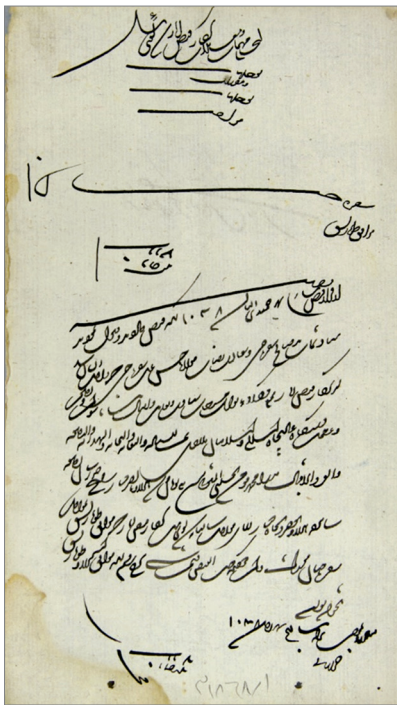
مستمری، انعام و اخراجات مقرر شود در جزو مقررات ثبت می‌کردند. تفاوت آن با قسمت توجیهاات در این بود که در توجیهاات وجه تنخواه است، اما در مقررات هرچه تنخواهی نبود ثبت می‌شد. مینورسکی تنخواه را مبلغ دانسته و البته معنی حواله را از آن مستفاد کرده است (مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱)؛ با توجه به روند اداری در توجیهاات و مقررات و نوع اسنادی که در این قسمت‌ها ثبت می‌شود به نظر می‌رسد معنی حواله مفهوم کامل‌تری برای تنخواه باشد و این‌طور استنباط می‌شود که در توجیهاات حوالاتی که مربوط به پرداخت وجه بود از جمله برات و قبض رسید ثبت شده، اما در مقررات اسنادی چون پروانچه، رقم و غیره که حواله پرداخت نبودند و تنها دستور پرداخت بود ثبت می‌شد.

در این قسمت احکام، پروانجات، تعلیق جات، شرط‌نامه جات، تمسکات اجاره را که محتوای مالی داشت، ثبت می‌کردند (س ۳۴۵۱۲، ۳۱۸۹۹). شیوه نوشتن هم به این صورت بود که بعد از مقررات، نوع سندی که می‌خواست ثبت شود، می‌نوشتند (علم سیاق، ش ۶۵۴۳، ب ۳۰). سپس متن سند نوشته می‌شد.

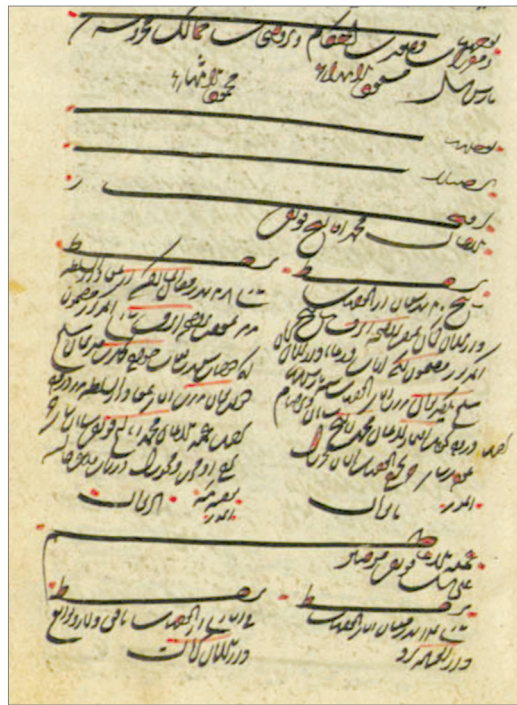
در پایان اطلاعات مالی دفتر توجیهاات و مقررات، پس از نوشتن از روی سیاهه‌ها، طومارها و روزنامه‌چه‌ها، برای جلوگیری از خطا، مقابله و تصحیح می‌شد. اصطلاح «جایزه» در این مورد به کار می‌رفت. در دفاتر توجیهاات مورد بررسی، بیشتر از «الف محرف» و «صح» استفاده شده که نشان می‌دهد این دفاتر چند نوبت کنترل می‌شدند (تصویر ۴۴).



تصویر ۴۴: علامت صح



تصویر ۴۶: نمونه دفتر توجیهاات در آستان قدس



تصویر ۴۵: نمونه دفتر توجیهاات در دیوان

### دفاتر مُجَمَّل

مُجَمَّل در لغت به معنی فهرست و سردفتر، خلاصه حساب و جملگی آن است. در اصطلاح علم سیاق، حسابی است که جداگانه نوشته شده باشد و بخوهد که باقی و فاضل را به طور خلاصه مشخص کنند (علم سیاق، نسخه مجلس ۶۵۴۳، ب ۶۱). در مجمل تنها صیغه جمع و خرج و مبلغ نوشته می‌شد (علم سیاق، نسخه مجلس ۶۵۴۳، ب ۳۶). نمونه‌ای از این دفتر در رسایل سیاق نیامده، فقط تعریف این اصطلاح ذکر شده است. البته در فرمانی از شاه سلطان حسین، دربارهٔ برقراری سیورغال، در ذکر مزارع واگذار شده، به دفتر مجمل اشاره شده که در آن، محال مذکور ثبت شده است (ستوده و ذبیحی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۷۲). در اسناد آستان قدس نمونه‌هایی از این دفتر موجود است (تصویر ۴۷).

### کاربرد دفاتر مجمل در نظام اداری آستان قدس

قدیم‌ترین سند مجمل مربوط به سال ۱۰۱۲ق. است (س ۳۱۹۲۹). در این دفتر، خلاصه جمع و خرج وجوهات تحویلی به صاحب جمع بیوتات به صورت سالیانه، جمع و خرج برخی مزارع و محالات

وقفی طبق نظر ناظر موقوفه و جمع و خرج تعمیرات آستان قدس نوشته می‌شد. سپس محاسبات مذکور با استناد به اسناد تولیدی آن بررسی و تصحیح می‌شد. همچنین خلاصه درآمدها و هزینه‌ها ذیل مفرده و مندلک نوشته می‌شد.

### ساختار سندشناسی

هر دفتر حاوی چند فرد است و مانند دفاتر اوارجه و توجیهاات، دارای مقررات خاصی برای تدوین است. رویکرد موضوعی آن‌ها مثل اوارجه و توجیهاات است. اما همان‌گونه که از نامش پیداست جمع و خرج‌ها در آن به صورت خلاصه ثبت و ضبط شده و علایم و اختصارات اندکی در آن به کار رفته است.

اجزای دفتر «مجمل» شامل صدرحساب، مفرده، مندلک و الباقی است. بسته به موضوع دفتر، گاهی مفرده و گاهی مندلک در صدرحساب درج می‌شود و گاهی نیز هر دو به کار می‌رود. در صدرحساب دفاتر مجمل، تقریباً از واژگان مشابهی استفاده شده، اما نوع نگارش و کشیدگی کلمات تنوع فراوان دارد. ابتدا عنوان «مجمل» نوشته می‌شد، سپس در ذیل آن موضوع و وابستگی مکانی دفتر مشخص می‌گردید، پس از آن سال به تاریخ ترکی و سپس مفرده و مندلک همراه با موضوعات جزئی تر ثبت می‌شد. برخلاف سایر دفاتر، در دفاتر مجمل از اصطلاح «سرکار فیض آثار» استفاده نمی‌شد و به جای آن، اصطلاح «روضه رضویه» به کار می‌رفت.

برخی از دفاتر مجمل مربوط به جمع و خرج مزارع یا سایر بخش‌ها بود و در ذیل عنوان مجمل، نام فرد تحویلدار و محل مربوطه قید می‌شد.

صفحه اول آن جدا و دارای تسمیه است، تسمیه دفتر مجمل در همان صفحه‌ای است که جمع و خرج در آن صورت گرفته است. تسمیه آغاز این دفتر با واژگان «هو المستعان» و «هو الفیاض» شروع می‌شود و جمله «روضه رضویه علی مشرفها الف الف السلام و التحیه» ممتازنویسی و در گوشه سمت چپ بالا خارج از صدرحساب نوشته شده است (س ۳۴۱۲۵). در قسمت مفرده این دفاتر، جمع درآمدها به صورت خلاصه و در قسمت مندلک، مخارج و هزینه‌ها نوشته می‌شد (س ۳۳۵۶). در مجمل‌ها از علایم و دستورات اداری کمی به نسبت دفاتر اوارجه و توجیهاات استفاده شده است. بیشترین علامت به کار رفته در مجمل‌ها «جایزه» است. معلوم می‌شود که جمع و خرج‌های این دفاتر با اسناد دیگر مقابله می‌شده است (س ۳۴۱۴۶/۵).

اطلاعات بیشتر مجمل‌ها براساس دفاتر روزنامهچه است (س ۳۱۷۷۷). با این تفاوت که در روزنامهچه اطلاعات به صورت روزانه بود، اما در مجمل اطلاعات به صورت ماهانه ثبت شده است<sup>۱</sup>

۱. البته در دوره شاه عباس اول این اطلاعات مانند دفتر روزنامهچه به صورت روزانه است (س ۳۱۹۲۹).



## برات

برات «نوشته‌ای است که از طرف دیوان وزارت و بارگاه به خزانه دار یا ولایات فرستاده می‌شد تا در مقابل آن وجه یا جنسی به آورنده بدهند» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۲، ذیل واژه). قائم مقامی برات را جزو اسناد مالی قرار داده، که ملاک دادوستدهای پولی بوده است و به حواله‌ای گفته می‌شد که برای وصول مبلغی از درآمد مقرر دولت و حکومت به عهده منبعی مشخص و یا شخص معین صادر می‌گردید (قائم مقامی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). بنابراین برات یکی از اسناد مالی بود که هم در دیوان و هم در بین مردم کاربرد داشت. در دیوان این نوع سند توسط مستوفیان تهیه می‌شد؛ از جمله یکی از وظایف مستوفی سرکار فیض آثار نوشتن برات بوده است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ص ۵۰).

### کاربرد برات در نظام اداری آستان قدس رضوی

در نظام اداری آستان قدس، برای برخی مبادلات مالی، از سند برات استفاده می‌کردند. این برات‌ها به دستور متولی و توسط مستوفی نوشته می‌شد. موضوع برات‌ها، بیشتر مربوط به انواع پرداخت حقوق و مزایا و هزینه برخی مخارج بود؛ پرداخت‌هایی چون مرسوم، مواجب، تحویل، تخفیف، حق السعی، وظیفه، تحصیل، مساعده، اجرت مصالح، خرج طاحونه، صفاری، روشنایی از موضوعات برات‌ها در این دوره بود (۱۰/ ۳۳۴۹۸، ۳۴۷۵۲، ۲۸۵۶۷، ۴۴۹۴۳، ۳۲۲۱۲، ۳۰۶۵۱، ۳۰۶۴۷، ۳۳۳۷۸). قدیم‌ترین سند برات مربوط به سال ۱۰۱۰ق. است (س ۴۲۲۲۳).

### ساختار سندشناسی

در نسخه ابواسحاق کرمانی شیوه نوشتن برات چنین آمده: «برات به اصطلاح علما حساب، عبارت از کاغذپاره‌ای است که مَدّ اول و مَدّ میان داشته باشد. به نوعی که مذکور می‌گردد» (کرمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳). تقریباً برات‌های این دوره با کمی تغییرات از شیوه برات‌نویسی، کرمانی پیروی می‌کنند (تصویر ۴۸). زمانی که برات مفقود و یا باطل می‌شد، نسخه دومی از برات تحت عنوان «برات مثنی» نوشته می‌شد (س ۴۴۹۳۵).

▲ تسمیه: در اثر کرمانی، تسمیه به‌کاررفته «هوالغنی» است. در اسناد آستان قدس بیشتر از «هو الفیاض»، «هو الغنی»، «هو السعی» و «هو» استفاده شده است (س ۳۰۶۴۷، ۵۳۷۴۶، ۱۵۶۲۴۰). بعد از تسمیه و یا حتی بدون آن، موضوع برات، با شیوه مَدّات نوشته می‌شد و موضوع در صدر قرار می‌گرفت (تصویر ۴۹).

▲ سپس نام گیرنده برات نوشته می‌شد. این متن با جزئیات بیشتری همراه بود، از جمله گاهی مشخص می‌کرد بر حسب کدام دستور یا سند اداری این پرداخت صورت گرفته است. معمولاً این پرداخت از قرار قبض وصول، تعلیقچه، رقم متولی و یا طبق برآورد نامچه معماران بود.

گاهی در قبض‌های وصول، متولی به مستوفی دستور می‌داد که پس از ثبت قبض، برات را بنویسند. یعنی ابتدا قبض صادر و طبق آن تنخواه داده و برات نوشته می‌شد. برای همین در متن برات به این قبض اشاره می‌شد (س ۵۳۷۳۱، ۳۳۳۷۸).

پس از گیرنده، مبلغ نوشته می‌شد. در نوشتن برات، مبلغ و مقدار را به فارسی می‌نوشتند و رقم به سیاق، در کنار آن نوشته و نصف رقم را در پایان آن می‌نوشتند (س ۲۸۶۴۹). گاهی بر روی مبلغ اصطلاح «نسخ شد» کشیده می‌شد. مبلغ برات ممکن بود به صورت نقدی یا جنسی باشد. گاهی از اصطلاح «سوی المطلق» در کنار مبلغ استفاده می‌شد. این اصطلاح مشخص می‌کرد که مبلغی دیگر از حساب، در برات جداگانه نوشته شده و لازم است که تنخواه دهند (تصویر ۴۹).

▲ **محل پرداخت یا عاملین:** عاملین پرداخت برات، مشاغلی چون، تحویلداران، تحصیلداران، متصدی دکاکین، انباردار سرکار (س ۱۵۶۲۴۰)، مستأجران محال از بابت اجاره (س ۳۰۶۴۷/۳) و وکیل سرکار فیض آثار بودند. اگر عامل برات فرد مهمی بود نام وی ممتازنویسی می‌شد. گاهی عامل پرداخت، یک مکان چون مزرعه بود که از بابت مالیات آن پرداخت صورت گرفته بود (س ۵۳۷۳۱) (تصویر ۴۹).

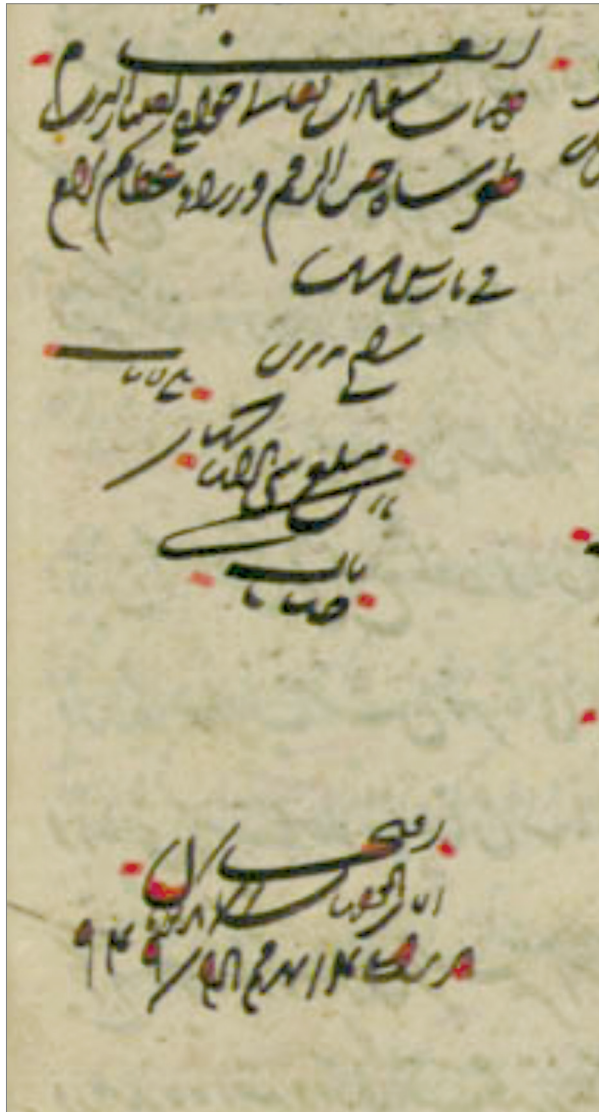
▲ **تاریخ برات:** دو نوع تاریخ در برات مشخص می‌شد. یکی سال بود که از سال‌های ترکی استفاده می‌شد و بعد از موضوع و متن برات می‌آمد. تاریخ دوم در انتهای برات که در ابتدای آن «تحریراً» نوشته می‌شد. در این قسمت ماه و سال قمری نوشته می‌شد؛ ماه به حروف و عربی و سال به عدد بود.

▲ **آخرین مرحله در برات ثبت آن توسط ارکان دفتری بود.** در برات‌های آستان قدس در عصر صفوی مستوفیان، مشرف و گاهی هم قلم، برات را ثبت و ضبط می‌کردند. البته دستور متولی در پشت برات هم وجود دارد. مهر و یادداشت‌های مزبور در پشت سند برات دیده می‌شود (س ۵۳۷۳۱).

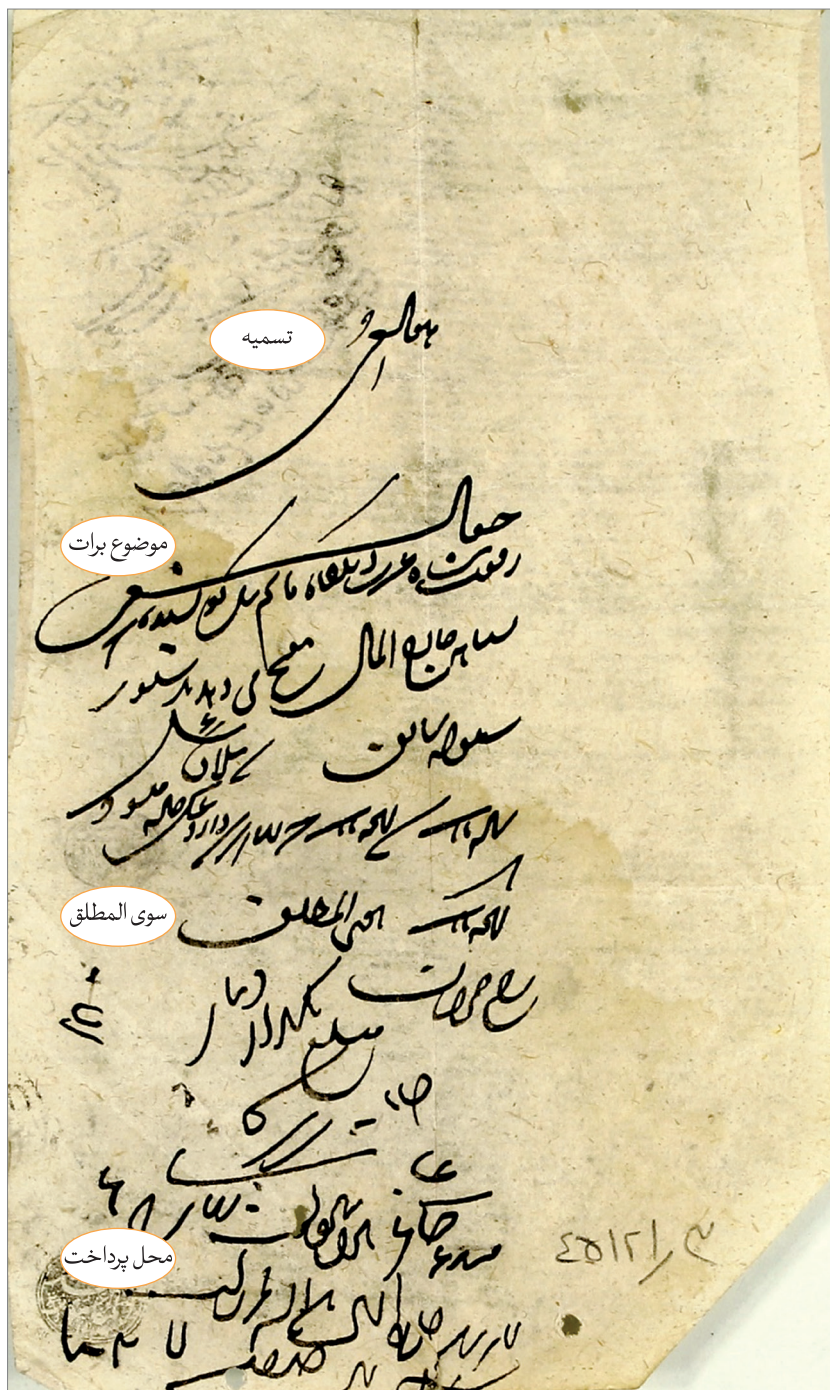
▲ **گاهی در حاشیه سمت راست برات‌ها، یادداشت و مهرهایی دیده می‌شود که فرایند برات‌نویسی در این دوره را نشان می‌دهد.** این یادداشت‌ها تأیید کننده متن برات و یا تغییرات آن است. مثلاً در براتی، دستور متولی به مستوفی در سمت راست نوشته شده است (س ۱۵۶۲۴۰).

▲ **متن پشت سند در برات‌های دوره صفوی به چند دسته تقسیم می‌شود.** قسمت اول، در سمت راست، دستور متولی به مستوفی برای نوشتن برات است، سپس مهر متولی زده می‌شد. در قسمت دوم، موضوع برات نوشته می‌شد. در قسمت سوم، مهر و یادداشت ارکان دفتری است (س ۵۳۷۳۱) (تصویر ۵۰).

متن برات‌ها در دفاتر توجیحات نوشته می‌شد، تمامی ارکان برات‌نویسی در آن رعایت و تنها مهرها ثبت نمی‌شدند (تصویر ۵۱).



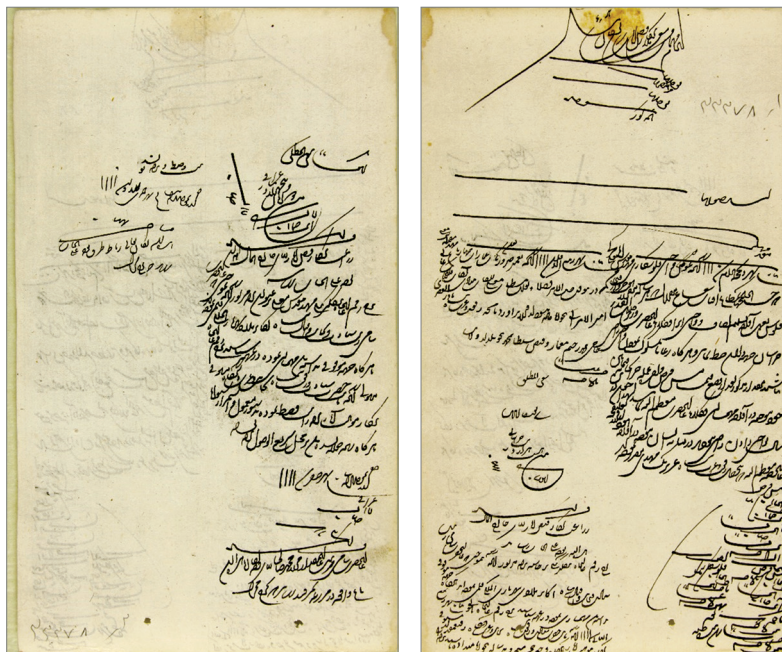
تصویر ۴۸: نمونه برات در رساله کرمانی



تصویر ۴۹: برات آستان قدس



تصویر ۵: پشت سند برات



تصویر ۵۱: متن برات در دفتر توجیحات

## قبض وصول

نوشته‌ای است که به کسی پس از گرفتن پول یا چیز دیگر می‌دهند و در آن اقرار به وصول و دریافت آن می‌کنند (فرهنگ فارسی عمید: ذیل واژه رسید).

### کاربرد قبض وصول در نظام اداری آستان قدس

در اسناد آستان قدس در سال‌های ۱۰۱۰ تا ۱۰۲۰ ق.، قبض‌های وصول زیاد دیده می‌شود که گاهی تحت عنوان تمسک آمده است. در حاشیه دو فرمان سیورغال مربوط به ربیع الاول سال ۱۰۰۷ آمده که «مقرر است که اگر در ایت‌ئیل جماعت اوزبکیه حدی رسانده نشد، قبوض و اسناد حسابی در دست رعایا باشد حساب نموده تتمه را باز یافت ننمایند» (س ۱۵۱۱۷۹، ۱۵۵۵۸۹). این نشان می‌دهد که قبوض در دست رعایا بوده و شاید طبق این فرمان مستوفیان به جمع‌آوری قبوض اهتمام ورزیدند. برای همین تعداد قبوض از این زمان به بعد بیشتر است. اهمیت قبض‌ها به گونه‌ای است که در برخی فرامین شاه در مورد پرداخت مواجب به مستوفی سرکار فیض آثار، دستور داده می‌شود که هر سال از دریافت‌کننده پول، قبض بگیرند (س ۱۳۴۱۸). با بررسی قبض‌های وصول چه آن‌هایی که به صورت مستقل تولید می‌شد و چه قبض‌هایی که در دفاتر توجیهاث ثبت می‌شد، می‌توان به میزان و نوع هزینه‌های آستان قدس در دوره صفوی پی برد. همچنین سیر اداری ثبت یک هزینه و محل پرداخت آن مشخص می‌شود.

### ساختار سندشناسی

تسمیه قبض با «هو» و «اعلی» شروع می‌شد (س ۲۷۴۹۰/۲). جملات آغاز سند با «اعتراف صحیح شرعی نمودم» (س ۲۷۴۹۱)، «قبض داد و قبول نمود» (س ۲۷۶۴۴/۴۵) و در قبض‌هایی که توسط یک گروه یا جماعت صادر می‌شد جمله با «قبض دادند و قبول نمودند جماعت مفصله ضمن» (س ۵۳۶۹۶) شروع می‌شد.

انتهای سند با عبارات مشخصی خاتمه می‌یافت «این چند کلمه به جهت سند قلمی شد. تحریراً فی شهر...»، «این چند کلمه حسب‌القبض قلمی شد» (س ۲۲۸۰۴) (تصویر ۵۴). سپس مهر فرد مربوطه زده می‌شد. در قبض‌های گروهی، مهر و یادداشت امضاکنندگان درج می‌گردید (س ۵۳۶۹۶). در قبض‌های وصول، ممتازنویسی کلمات به شکل‌های مختلف دیده می‌شود؛ نام و عناوین متولی در بالای قبض‌های وصول ممتازنویسی می‌شد که در همه قبض‌های وصول تکرار شده است. اگر جایی به شاه اشاره می‌شد نام وی نیز ممتازنویسی می‌شد، مثلاً در سند شماره ۲۸۰۴۹ عبارت «همایون اعلی» در سمت راست سند ممتازنویسی شده است. عبارت «امام ثامن علیه السلام» هم در سند ۲۸۶۸۶/۳ ممتازنویسی شده است.

ممتاز نویسی را در پشت سند قبض‌های وصول داریم. در سندی عبارات «فیض آثار» و «الصدارة العلیة العالیة» و «میرزا عسکری» قاضی سمنان، (س ۲۸۶۸۸/۲) و در سندی نام مستوفی ممتاز نویسی شده است (س ۵۳۶۹۶/۲) (تصویر ۵۲).



تصویر ۵۲: شیوه ممتاز نویسی در پشت سند قبض

در پشت سند قبض وصول، دستور متولی به مستوفی مبنی بر پرداخت وجه و تنخواه و نوشتن برات ثبت می‌شد. بعد از مهر متولی، عبارت «بیاض شد» آمده است و همچنین در سمت راست سند به قبض و موضوع آن اشاره دارد (۲۷۸۳۹/۴). در پایین سند و یا بالای سند عبارات «ثبت شد» و یا «نوشته شد» می‌آمد و گاهی علامت ترقین زده می‌شد (تصویر ۵۳ و ۵۵).  
گاهی در پشت سند قبض نوشته می‌شد «ثبت روزنامه‌چه شد» یا «الناسخ ثبت روزنامه‌چه شد» (۲۷۷۰۳/۲) و سپس مهر زده می‌شد (تصویر ۵۳).

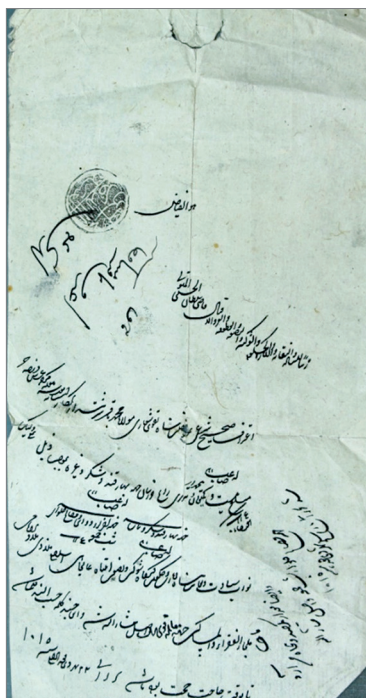


تصویر ۵۳: علایم پشت سند قبض

در قبض‌های وصول، دستورات پرداخت و محل پرداخت ثبت و مهر دریافت‌کننده وجه و مهر صادرکننده دستور پرداخت زده می‌شد؛ ولی متنی که در دفتر توجیهات نوشته می‌شد، بدون مهر و حتی بدون ثبت محل درج مهر در قبض وصول، بود (س ۳۲۴۸۶، ۳۱۸۶۰) (تصویر ۴۶)!



تصویر ۵۵: پشت سند قبض وصول



تصویر ۵۴: قبض وصول

۱. نمونه سند آن در قسمت معرفی دفتر توجیهات آمده است (تصویر ۴۶).

### تسعیرنامهچه

تسعیر، مصدر باب تفعیل و در لغت به معنی نرخ نهادن، قراردادن نرخ برای چیزی، تقویم و تعیین نرخ و ارزش و بهاء و قیمت (ناظم الاطباء: ذیل واژه). قیمت نهادن و نرخ معین کردن (دهخدا: ذیل واژه).

برای عمل تسعیر، سندی به نام تسعیرنامهچه در دیوان تولید می‌شد. در این سند، قیمت اجناس خریداری شده برای دیوان که از هر مکان و محل خریداری شده، برآورد و پس از تأیید توسط بزرگان محل و اصناف، اعم از کدخدایان، کلانتر، محتسب‌الملک، جنس مورد نظر خریداری می‌شد. بنابراین در دیوان و دربار برای تهیه هر جنس ابتدا تسعیرنامهچه آن تهیه و پس از تأیید افراد فوق و مهر ناظر بر آن، جنس مورد نظر خریداری می‌شد (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ص ۳۱). بعد از مشخص شدن قیمت اجناس، قیمت نامهچه و سند ابتیاع توسط مشرفان نوشته می‌شد (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ص ۳۰ و ۴۹). قیمت‌ها به وزن منطقه مورد نظر بود (س ۴۴۹۸۲). تسعیر به صورت سالانه بوده و پس از آن محاسبه کل رعایا و مؤدیان توسط مستوفی صورت می‌گرفت (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ص ۴۷).

### کاربرد تسعیرنامهچه در نظام اداری آستان قدس رضوی

در آستان قدس برای خرید اجناس جهت رفع نیازهای حرم، سند تسعیر نامهچه نوشته می‌شد؛ یعنی ابتدا برآورد قیمت طبق سند تسعیرنامهچه صورت می‌گرفت. قدیم‌ترین سند مربوط به سال ۱۰۱۰ ق. است (س ۵۳۷۰۱). تسعیرنامهچه گاهی بر حسب عریضه افراد و یا طبق استشهادنامه تهیه می‌شد (س ۳۵۳۸۲).

### ساختار سندشناسی

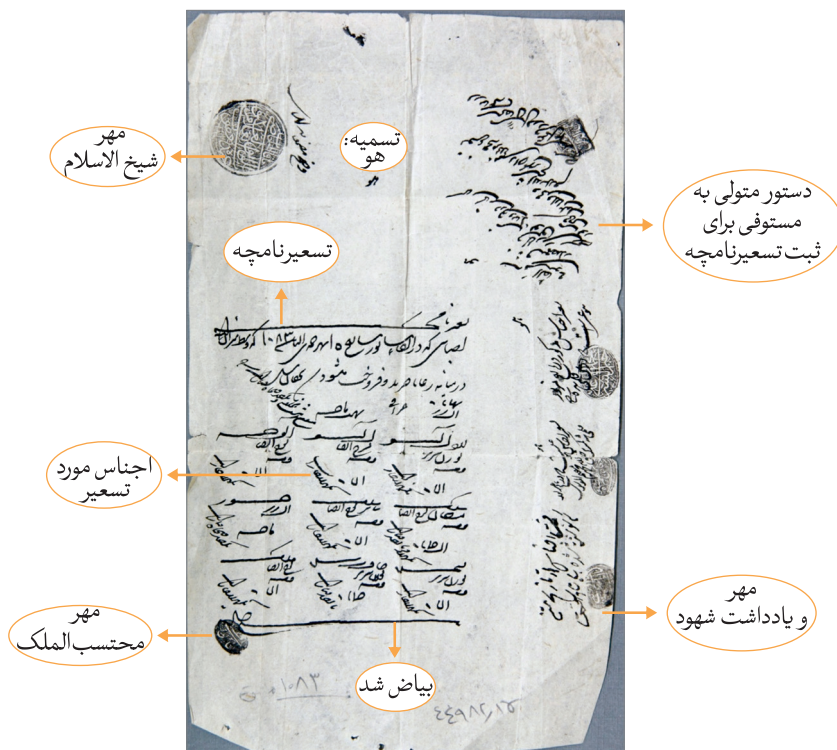
ساختار این سند به شکل ذیل می‌باشد: (تصویر ۵۶)

- ▲ تسمیه: شروع سند با «هو»؛
- ▲ سپس واژه تسعیر نامهچه نوشته، مد (کشیدگی) کلمه روی حرف «ی» و یا «چ»؛
- ▲ زمان تسعیر عمدتاً ماه «تسعیرنامهچه قوس»؛
- ▲ مکان و محل تسعیر؛
- ▲ میزان کلی تسعیر؛
- ▲ سال تسعیر؛
- ▲ جنس مورد تسعیر، وزن و قیمت آن؛
- ▲ انتهای سند «بیاض شد» و سپس تاریخ سند، و گاهی مهر محتسب‌الملک زده می‌شد؛ عمده تسعیرنامهچه‌ها به مهر محتسب‌الملک می‌رسید. اما برخی از رجال هم چون شیخ‌الاسلام، کلانتر، قاضی، کدخدایان، داروغه بازار، صاحب‌نسق، و ارباب و اهالی مناطق نیز تسعیرنامهچه

را مهر می‌زدند (س ۴۴۹۸۲، ۳۳۲۰۳).

- ▲ حاشیه سمت راست مهر و یادداشت شهود آمده، در یادداشت تاکید می‌کردند «اجناس مفصل به نحوی که قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد» (س ۳۳۴۰۵).
- ▲ در بالا یا پشت سند دستورات به مستوفی بود. طبق این دستور مستوفی باید تسعیرنامهچه را ثبت و ضبط نموده و محصول مورد تسعیر را از قرار تسعیرنامهچه، مسعر و ابواب جمع نموده و تنخواه را صادر کند (س ۸۲۵۰۳).

در پشت سند تسعیر علاوه بر درج خلاصه سند، در گوشه سمت راست بالای سمت چپ، جمله «ثبت شد» نیز نوشته می‌شد که مشخص می‌کرد تسعیر مزبور در دفاتر مالی هم ثبت شده است (تصویر ۶۰). از آنجایی که طبق تسعیرنامه، اجناس برای آستان قدس خریداری می‌شد؛ در واقع «آن نوعی سند هزینه محسوب می‌گردید. بنابراین در دفتر توجیهاات متن کامل سند مزبور درج می‌شد (س ۳۲۱۵۳). در ادامه متن تسعیرنامه، دستور متولی به مستوفی است که تسعیرنامهچه را به صیغه مبیع در دفتر ثبت و برات را بنویسد (س ۳۳۲۰۳/۵۰) (تصویر ۶۱).



تصویر ۵۶: تسعیرنامهچه



## ▲ فصل پنجم:

### اسناد شرعی و مردمی

در مجموعه اسناد آستان قدس، برای اداره امور مزارع و مستغلات وقفی، اسناد شرعی همچون تمسکات، اجاره‌نامه، مصالحه‌نامه، محضر و غیره تولید می‌شد. ساختار سندشناسی آن تفاوت چندانی با سایر اسناد شرعی ندارد. اما شناخت آن برای شیوه اداره درآمدهای موقوفات و نحوه اجاره املاک وقفی مهم است. منظور از اسناد مردمی؛ اسنادی است که توسط مردم نوشته می‌شد. اسنادی چون محضر، وکالت‌نامه و عریضه نمونه‌هایی از این دست هستند. هر چند محضر و وکالت‌نامه در دسته اسناد شرعی قرار می‌گیرند، اما متن و تقاضای اولیه برای تولید آن توسط مردم است.

#### تمسک

تمسک واژه‌ای عربی بر وزن تفعّل و در لغت به معنی چنگ زدن است. نیز نوشته و سند و حجت مکتوب دین است (دهخدا، ذیل واژه). آن طور که از معنای این واژه برمی‌آید تمسک سندی بوده که در هنگام قرض دادن از کسی که قرض می‌گرفتند تا به عنوان مدرک و شاهدی باشد بر این کار.

اگر کسی از دیوان پولی دریافت می‌کرد، سندی برای او صادر می‌شد تحت عنوان «تمسک دیوانی» که در آن معین می‌شد در مدت تعیین شده طبق تمسکات، باید بدهی خود را بپردازد. و این حتی در دفترهای دیوانی نیز ثبت می‌شد.

#### کاربرد تمسک در نظام اداری آستان قدس رضوی

قدیم‌ترین سند تمسک در آستان قدس تاریخ ۱۰۱۰ را دارد (س ۴۲۲۲۸). در فرمانی از شاه عباس اول صفوی، یکی از وظایف مستوفی آستان قدس، دریافت تمسکات از مستأجران و رعایا ذکر شده است (س ۱۵۵۵۹۸).

موضوع تمسکات مربوط به تعهدات مالی افراد بود. ممکن بود این تعهدات مربوط به پرداخت

اجاره مزارع و املاک و مستغلات وقفی باشد. در این صورت عنوان «تمسک اجاره یا مصالحه» پیدا می‌کرد. علاوه بر مستاجران، سایر افراد نیز برای انجام تعهدات مالی خود مانند مال و جهات و متوجهات، باید سند تمسک می‌دادند (س ۴۲۲۵۳). تمسکات یکی از اسناد مهم برای ثبت عواید نقدی و جنسی مزارع موقوفه بود. در اسناد مربوط به ابواب المال و وجوهات و حاصل زراعات، در مورد برخی مزارع ذکر می‌شد که این مزرعه طبق تمسک به فلان فرد به اجاره داده شده است.

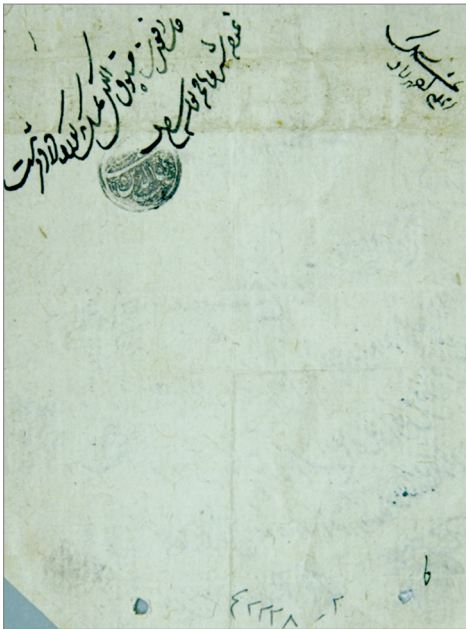
### ساختار سندشناسی

تسمیه اسناد مزبور با «هو» شروع می‌شد، آغاز متن، با توجه به موضوع تمسک (اجاره، مصالحه و تعهدات دیگر) شروع می‌شد. گاهی در حاشیه سمت راست سند مهر و یادداشت شهود و عبارت «به نظر رسید» نوشته می‌شد (س ۱۴۱۹۹۶). ساختار سندشناسی تمسک اجاره یا مصالحه، مانند سند اجاره‌نامه یا مصالحه‌نامه بود (تصویر ۵۹).

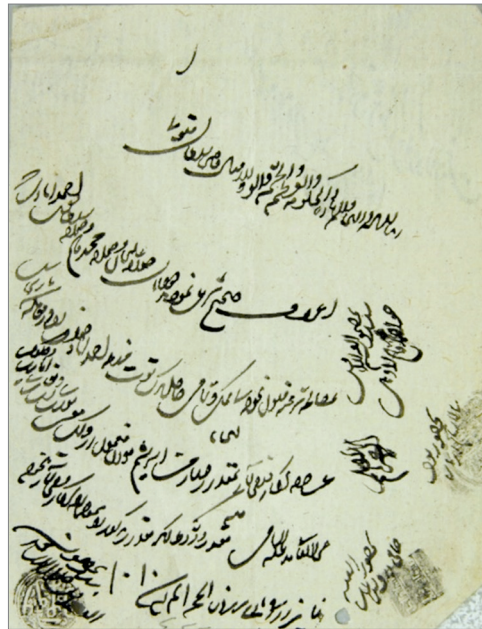
پشت سند تمسک؛ در سمت راست، موضوع تمسک به صورت خلاصه و در سمت چپ، دستور متولی به مستوفی مبنی بر ثبت تمسک در دفتر و یا نوشتن شرط‌نامه‌چه بود. گاهی عبارات «نوشته شد» و «ثبت شد» در پشت سند دیده می‌شود (س ۴۴۶۹۴/۶). در تمسکات اجاره، در پشت سند ذکر می‌شد تمسک اجاره مربوط به کدام مکان است: «تمسک مستاجر حمام آغچه» (س ۳۱۸۶۱). سپس متولی به مستوفی دستور می‌داد تا تمسک را در دفتر ثبت نماید و شرط‌نامه‌چه صادر گردد (س ۴۲۲۲۸/۲). علاوه بر مستاجران، سایر افراد نیز برای انجام تعهدات مالی خود باید سند تمسک می‌دادند. در این اسناد، در پشت سند نوشته می‌شد: تمسک «مال و جهات فلان جماعت» سپس متولی به مستوفی دستور ثبت تمسک را در دفتر می‌داد (س ۴۲۲۵۳) (تصویر ۶۰).

تمسکات اجاره در دفتر توجیهات ثبت می‌شد؛ علت این امر مربوط به هزینه‌هایی بود که احتمالاً در قرارداد اجاره بر عهده آستان قدس است و ثبت این هزینه‌ها در دفتر توجیهات ضروری بود (تصویر ۶۱).

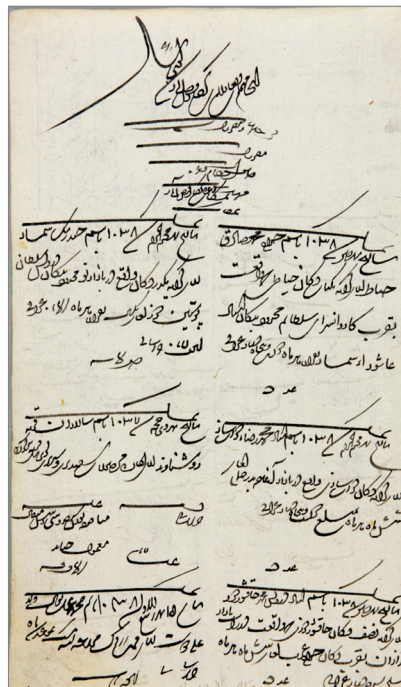
تمسک در دفاتر اوارچه هم نوشته می‌شد. زمانی که در قسمت مفرده به اجاره محلی اشاره می‌کردند به تمسک فرد اشاره می‌شد که بابت اجاره یا مصالحه داده است (س ۳۵۰۱۶). موضوع بیشتر تمسک‌ها مسائل مالی و اقتصادی بود. گاهی اوقات در سند تمسک به فروش ملک و شرایط فروش آن اشاره می‌شود. این گونه اسناد در برخی متون عصر صفوی «صورت تمسک» نام گرفته است (رضایی، ۱۳۸۵، ص ۸۷). در این دوره اسناد تمسک کاربرد وصول طلب را داشت به طوری که افراد برای دریافت طلب خود، به تمسکی که از این بابت گرفته بودند استناد می‌جستند. اگر طلب دریافت می‌شد تمسکات غیر قابل اجرا می‌گردید (س ۴۴۶۹۸).



تصویر ۶۰: پشت سند تمسک



تصویر ۵۹: سند تمسک



تصویر ۶۱: متن تمسک در دفتر توجیهات





### محضر

در لغت به معنی گواهی‌نامه، شهادت‌نامه، گواهی خواستن و نوشته‌ای که حاکی از اثبات امری باشد و به اصطلاح امروز استشهادنامه یا صورت مجلس و بیشتر به صورت مرکب «محضر کردن» و «محضر نوشتن» به کاررفته است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰).

### کاربرد محضر در نظام اداری آستان قدس رضوی

محاضری که در آستان قدس تهیه می‌شد؛ بیشتر توسط مستأجرین موقوفات و یا کارکنان بود که می‌خواستند امری را با شهادت جمعی تأیید کنند. این امور شامل درخواست تخفیف در اجاره به دلیل خرابی (س ۳۳۲۱)، کم‌آبی، آفت به مزارع (س ۳۲۳۲۶) و سایر امور بود. بنابراین مستأجران املاک و مزارع وقفی آستان قدس در صورت مشکلاتی چون خرابی و بایر بودن ملک مزبور و یا دلایلی که نتوانند اجاره را پرداخت کنند، برای تأیید حرف خود نیاز داشتند تا محضری ممه‌ور از ساکنان و بزرگان آن منطقه تهیه و پس از تأیید، بتوانند از مساعده برخوردار شوند. برخی کارکنان و وظیفه‌بگیران برای تأیید پرداخت مواجب و ادامه کار، سند محضر تهیه می‌کردند (س ۳۳۳۰۵، ۵۳۸۰۴). قدیم‌ترین سند با محتوای استشهادنامه مربوط به سال ۱۰۲۶ق. است (س ۴۲۳۰۵). اما اصطلاح محضر را در دفتر توجیحات مربوط به سال ۱۰۶۷ق. داریم (س ۳۳۴۹۸). پس از آن نوع سند محضر در اسناد دیده می‌شود.

### ساختار سندشناسی

- ▶ تسمیه با «هو» شروع می‌شود و در چند مورد با «بسم الله» است (س ۲۸۷۲۲).
- ▶ آغاز سند با جملاتی که شامل آگاهی بر امر مزبور باشد شروع می‌شود. سپس صفات عمومی بر افراد از جمله مومنین و سادات و گاهی اشاره به مشاغلی چون کدخدایان و خدام و یا ساکنین یک محل به کار می‌رود که بر مسأله مورد نظر آگاه هستند.
- ▶ سپس موضوع سند که علت تهیه استشهاد است نوشته می‌شود.
- ▶ پایان سند با این جملات خاتمه می‌یافت «اسم شریف خود را در این صحیفه ثبت نمایند»؛ و یا جمله دعایی با مضمون «عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد شد و الله اعلم بالصواب» (س ۲۸۶۷۲) و بعد تاریخ سند به ماه و سال قمری نوشته می‌شد. برخی مواقع تاریخ درج نمی‌گردید.
- ▶ بعد از آن یادداشت و مهر شهود و یا نام شاهدان ثبت و ضبط می‌شود. برخی یادداشت‌های شهود کاملاً مسأله را شرح داده‌اند و برخی به تأیید مضمون قناعت کرده‌اند (س ۳۰۶۴۹) (تصویر ۶۵).

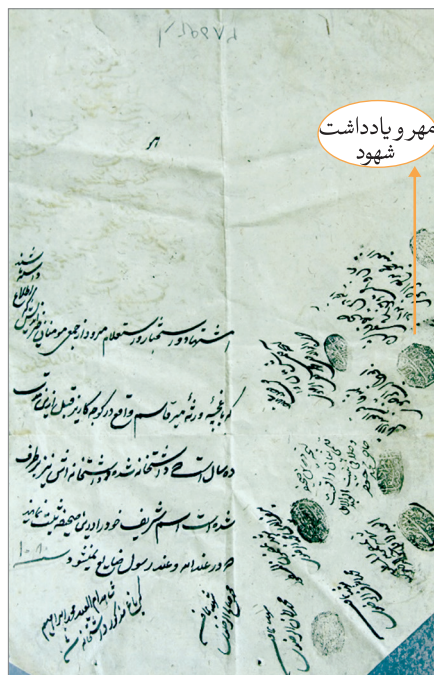
از بررسی متن محاضر می‌توان به ویژگی شهود پی برد که طبق آن، شهود باید مورد اعتماد و آگاه به مسأله باشند. استشهاد معمولاً از سادات و خدومه و علما صورت می‌گرفت (س ۲۸۶۰۶). خصوصیات اجتماعی شهود به محل و منطقه‌ای که محضر بابت آن تهیه می‌شد ارتباط داشت. برای مثال محضر مزارع توسط سالاران و کدخدایان مهر و تأیید می‌گردید (س ۳۳۰۶۶) یا باغات توسط بیلداران (س ۳۳۴۹۸) بود. گاهی محضر با مهر شیخ الاسلام و قاضی معتبر می‌شد (س ۳۳۴۹۸/۱).

در پشت سند محضر، دستورات اداری و شیوه اجرای مفاد آن مشخص می‌شد. در این قسمت در حاشیه سمت چپ خلاصه موضوع محضر نوشته می‌شد «محضر درباب حق الشرب باغچه...» (س ۲۸۵۹۲/۲). در قسمت سمت راست دستور متولی به مستوفی مبنی بر ثبت محضر در دفتر وجود داشت و در پایین سند یادداشت «ثبت شد» است که نشان می‌دهد محضر ثبت شده است (س ۲۸۵۹۲) (تصویر ۶۶).

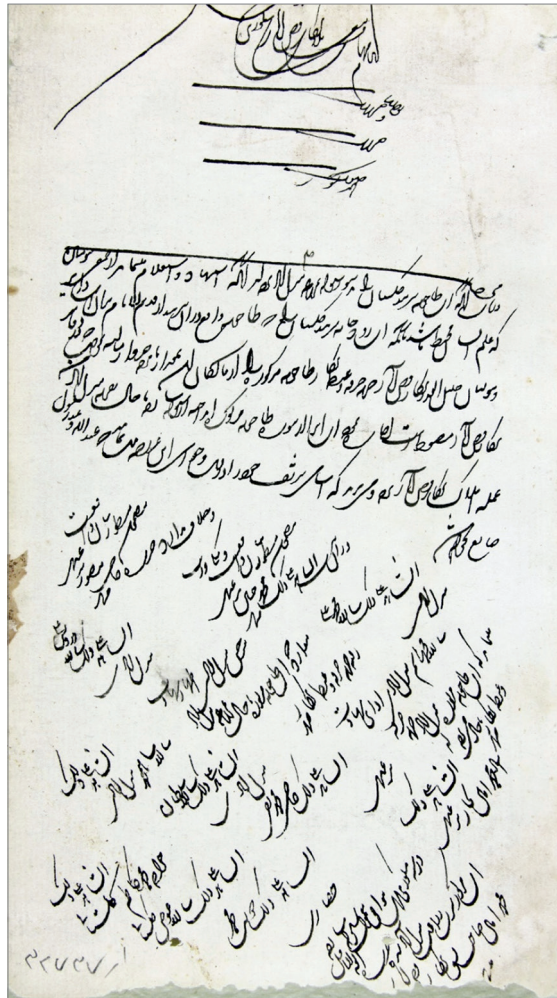
محضر در دفتر توجیهاات هم ثبت می‌شد. در انتها دستور متولی به مستوفی بود که به موجب محضر معتبر، وجه مذکور را در دفتر مجری نماید (س ۳۳۴۹۸/۱). در دفتر توجیهاات به «محل مهر» اشاره می‌شد (س ۳۳۴۹۸/۱۰) (تصویر ۶۷). گاهی در دفتر توجیهاات بعد از متن قبض وصول، متن محضر نوشته شده است (س ۳۲۶۸۴/۱۱).



تصویر ۶۶: پشت سند محضر



تصویر ۶۵: محضر



تصویر ۶۷: متن محضر در دفتر توجیهات

### وکالت‌نامه

سندی بود که به موجب آن کسی را از طرف خود وکیل می‌کنند و کاری را به او وامی‌گذرانند. کسی (که اصطلاحاً موکل نامیده می‌شود) به دیگری (که اصطلاحاً به وکیل موسوم است) با شرایط معین و حدود اختیارات مرقوم در آن (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

### کاربرد وکالت‌نامه در نظام اداری آستان قدس رضوی

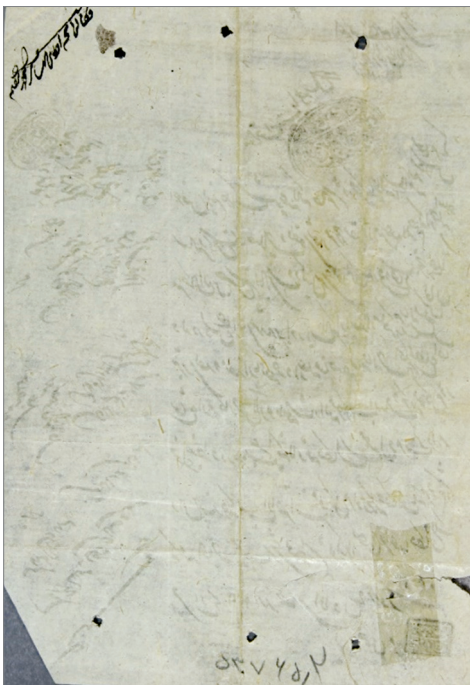
در اسناد آستان قدس، وکالت‌نامه‌ها هم به صورت مستقل وجود دارد و هم متن آن در دفتر توجیهات

ثبت شده است. قدیم‌ترین سند مربوط به سال ۱۰۱۲ ق. است (س ۴۴۶۹۸). موضوع وکالت‌نامه‌های آستان قدس، بیشتر وکالت در مورد دریافت مواجب به فرد دیگر و یا دریافت پول و طلب است.

### ساختار سندشناسی

تسمیه با «هو» است، شروع متن با «وکیل مطلق و نایب مناب شرعی خود گردانید» (س ۱/۱۵۵۵۹۴)، سپس مشخصات وکیل و علت وکالت آمده، در پایان متن، تاریخ و مهر کسی که وکیل گرفته، و در سمت راست سند مهر و یادداشت شهود ثبت می‌شد. گاهی در بالای سند، مهر و یادداشت کسی که وکیل گرفته بود زده می‌شد «هو، اقرار التوکیل به مضمون المسطور لدی» (س ۱/۳۰۴۳۴) (تصویر ۶۸). در پشت سند، به نوع سند وکالت‌نامه‌چه و موضوع آن به صورت خلاصه اشاره می‌شد. سپس دستور متولی به مستوفی برای رسیدگی به متن وکالت‌نامه است. گاهی در پشت سند، متن قبض هم نوشته می‌شد (س ۴/۲۸۶۷۱) (تصویر ۶۹).

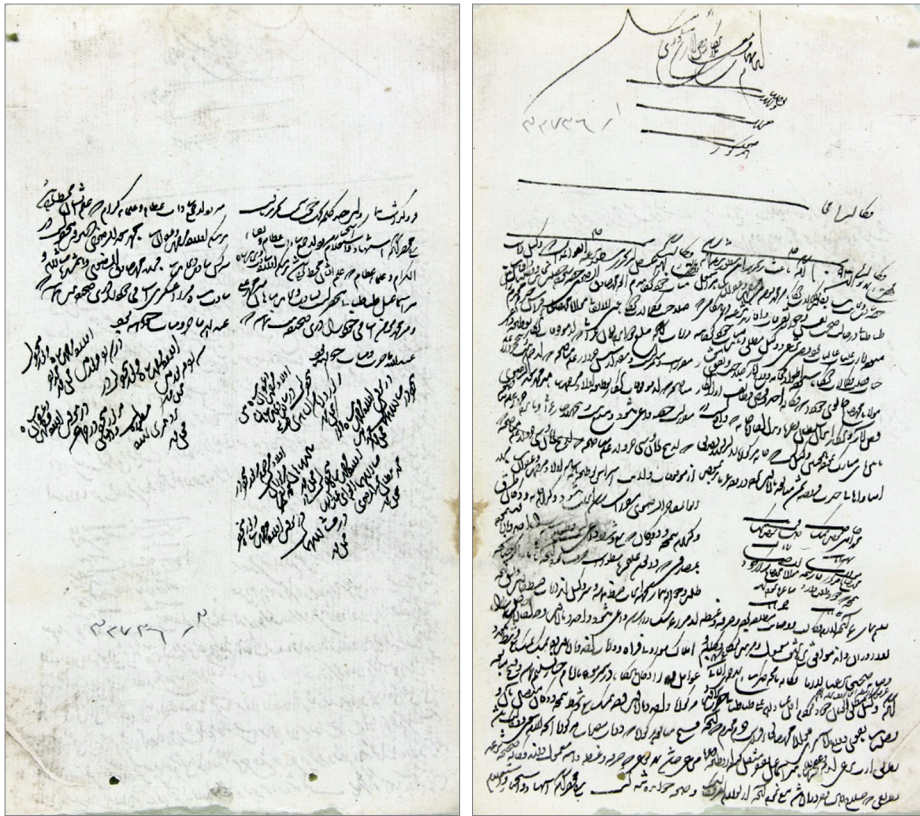
برخی وکالت‌نامه‌ها به صورت سواد صادر می‌شدند که در این صورت بر صحت آن تأیید می‌گشت و عبارت «سواد مطابق اصل است» درج می‌شد. متن وکالت‌نامه‌ها همچنین در دفتر توجیهات ثبت می‌گردید.



تصویر ۶۹: پشت سند وکالت‌نامه



تصویر ۶۸: وکالت‌نامه



تصویر ۷۰: متن وکالت‌نامه در دفتر توجیهات

### عریضه

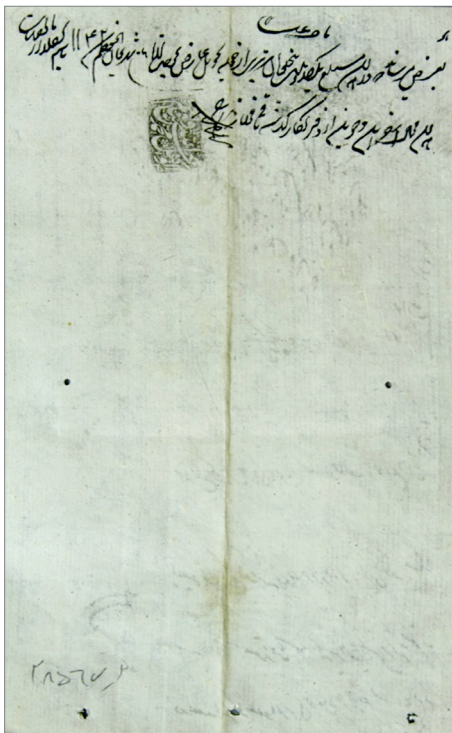
قسمتی از اسناد آستان قدس که مرتبط با مردم است، عریضه‌ها هستند که اغلب از سوی کارکنان، مستأجران و زارعان املاک و رقبات وقفی خطاب به متولی نوشته شده است. گاهی عریضه‌ها فردی یعنی یک نفر عارض بوده و گاهی جمعی است، مثلاً عریضه «رعایای قصبه فرهادجرد» (س ۵۳۲۵۹). متن عریضه‌ها در دفتر توجیهات ثبت می‌شود. قطع عریضه‌ها متفاوت است و برخی قطع طوماری داشت (س ۵۳۲۵۹). شکل تربیع در برخی از آن‌ها به کار رفته است (س ۴۹۶۲).

### ساختار سندشناسی

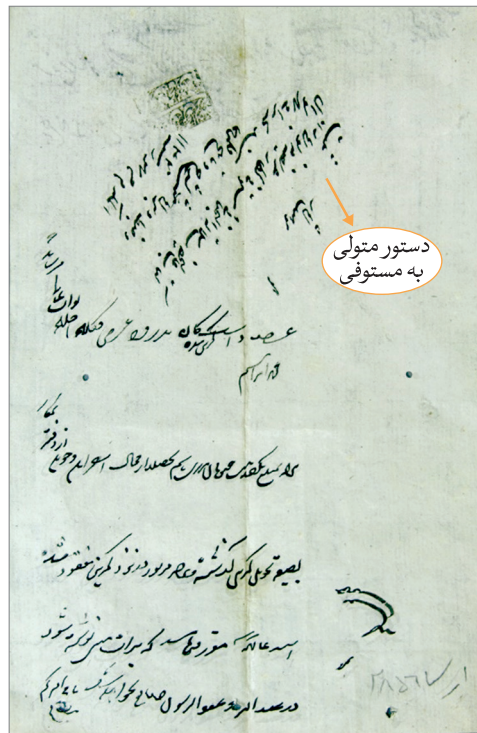
عریضه‌ها معمولاً خطاب به متولی نوشته می‌شدند و با اصطلاحاتی مانند «هو» یا «هو الغنی» آغاز می‌گشتند. پس از آن عبارت «عرضه‌داشت کمترین بندگان، به ذروه عرض وکلا نواب عالی می‌رساند» درج می‌شد و نام فرد عریضه‌دهنده بین سطر اول و دوم قید می‌گردید. متن اصلی عریضه

سپس نوشته می‌شد و سند با عباراتی مانند «باقی امرکم مطاع، عندالله و عند الرسول ضایع نخواهد شد»، به پایان می‌رسید (سند ۲۸۵۶۷) (تصویر ۷۱).

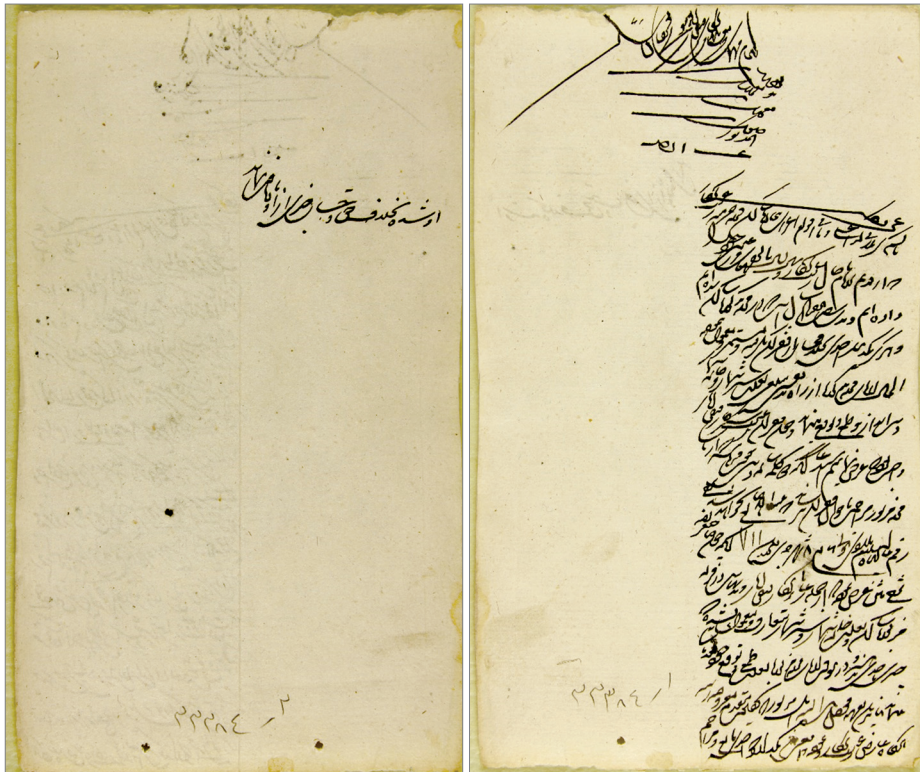
در قسمت بالای سند یا سمت راست عریضه، دستور متولی به مستوفی برای بررسی عریضه است با این عبارت «هو حقیقت قلمی نماید» یا «ثبت و ضبط عریضه و برات قلمی نماید» (س ۴۴۹۴۲). پشت سند عریضه نیز شامل یادداشت‌هایی است؛ در برخی عریضه‌ها، موضوع عریضه به صورت خلاصه در گوشه سمت چپ نوشته می‌شد: «عریضه سقایان و غیره و رقم عالی جاه متولی در باب مرسوم اودئیل» (س ۲۸۶۸۸/۱۶). یا یادداشت نویسنده عریضه، مبنی بر اینکه به خواسته خود رسیده است (س ۲۸۵۶۷/۲) (تصویر ۷۲). گاهی دستور متولی به مستوفی در پشت سند نوشته می‌شد (س ۴۴۹۶۲/۳)، و برخی را در پشت سند می‌نوشت «ثبت شد» که نشان می‌داد سند عریضه در دفتر ثبت شده است (س ۴۴۹۶۲/۵). در دفتر توجیهات، ابتدا متن عریضه، سپس دستور متولی به مستوفی برای رسیدگی به آن نوشته می‌شد (س ۳۵۳۸۲/۵) (تصویر ۷۳).



۷۲: پشت سند عریضه



تصویر ۷۱: عریضه تصویر



تصویر ۷۳: متن عریضه در دفتر توجیبات

## فصل ششم:

### عبارات پایانی

هدف پژوهش بررسی دقیق ساختار، شیوه‌های نگارش و اهمیت تاریخی اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره تاریخی صفویه است. آستان قدس رضوی، به عنوان بزرگ‌ترین موقوفه جهان اسلام، همواره جایی برای تعامل پیچیده میان قدرت مرکزی اداری (دیوان صفوی) با الزامات وقف بوده است. تحلیل جامع مجموعه اسناد باقیمانده از این دوره نشان می‌دهد که این اسناد صرفاً دفترهای حسابداری یا ثبت‌کننده‌های معمولی نبوده‌اند؛ بلکه آینه‌ای هستند که تحولات ساختار اداری دیوان صفوی و هویت خاص موقوفی را بازتاب می‌دهند.

بررسی اسناد، یک ساختار مشخص و تقریباً ثابت را آشکار می‌کند. این ساختار شباهت‌های بنیادینی با الگوهای استاندارد سندنویسی دیوانی آن دوره - که توسط افرادی چون ابواسحاق کرمانی شرح داده شده - دارد. الگوی استاندارد شامل اجزای زیر بود:

- ▲ تسمیه (عنوان و مقدمه): آغاز سند با حمد الهی؛
- ▲ موضوع (متن اصلی): بیان فرمان یا دستور اداری؛
- ▲ گیرنده (مخاطب): مشخص کردن فرد یا نهادی که فرمان برای او صادر شده است (متولی، مستوفیان و سایر کارگزاران آستان قدس)؛
- ▲ مبلغ یا میزان (محتوای کمی): ذکر دقیق وجه نقد یا جنس مورد نظر.

با این حال، اسناد دو ویژگی برجسته دارند که آن‌ها را از سایر اسناد دیوانی صرف متمایز می‌سازد: الف) انطباق با قواعد محلی و هویت موقوفی در اسناد: الزام به حفظ هویت مذهبی و احترام به شأن آستان قدس رضوی در ساختار شکلی این اسناد نیز تجلی یافته است. به عنوان مثال، در فرامین صادره مربوط به آستان قدس، نام حضرت رضا علیه السلام و آستانه مقدسه، برجسته و ممتازنویسی شده است.

ب) نقش محوری متولی در زنجیره تأیید اسناد: در حالی که دیوان مرکزی صفوی سلسله مراتب

مشخصی داشت (مانند وزیر، صدر، مستوفی الممالک)، متولی آستان قدس به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری عمل می‌کرد. بسیاری از دستورات اجرایی یا تأیید نهایی صرفاً از طریق مهر یا یادداشت کوتاه (معمولاً در پشت سند یا در حاشیه آن) توسط متولی ثبت می‌شد. از منظر تاریخی و سندشناختی، این اسناد به دلیل ماهیت خاص خود (تلفیق امور اداری دولت با نظارت وقف)، ارزش‌های چندگانه‌ای در مطالعات تاریخی صفویه دارند:

#### الف) شناخت شیوه اداره یک نهاد وقفی بزرگ:

این اسناد، چارچوب عملیاتی مدیریت یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نهادهای اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام را در آن دوره روشن می‌سازند و نشان می‌دهد که چگونه جریان‌هایی مالی شامل عواید املاک (مانند زمین‌های زراعی، باغات، و کاروانسراها)، هزینه‌های پرسنلی (متولیان، خدام و سایر کارکنان) و مخارج خدماتی به صورت روزمره و مستند مدیریت می‌شدند.

#### ب) منبعی برای سندنویسی دوره صفوی

یکی از چالش‌های اصلی در مطالعه دیوان صفوی، کمبود شدید اسناد کامل از دیوان مرکزی، به‌ویژه دیوان‌الصداره (که مسئول امور دینی و اوقاف بود) است. اسناد مزبور بخشی از این کمبود را جبران می‌کنند:

از این جهت که در شیوه نگارش و استفاده از اصطلاحات اداری، به‌طور مستقیم از دیوان انشای صفوی الگوبرداری کرده است. بنابراین، اسناد آستان قدس، به‌عنوان مرجع اصلی برای درک شیوه‌های تولید و ثبت سند در دیوان صفوی، به‌ویژه در زمینه ارتباطات مالی میان مرکز و ولایات، کاربرد دارند.

#### ج) اطلاعات جانبی غنی

این اسناد فراتر از بحث‌های اداری صرف، حاوی جزئیات فوق‌العاده‌ای در مورد اقتصاد، معیشت و روابط اجتماعی - اداری منطقه خراسان در آن دوره هستند:

**اقتصاد محلی:** قیمت‌های محصولات کشاورزی، نرخ دستمزد افراد (بنا بر نوع کار و تخصص) و میزان درآمدی که از زمین‌های موقوفه دریافت می‌شد، در این اسناد مشخص است.

**روابط اداری:** میزان نفوذ یا استقلال کارگزاران محلی و نحوه تعامل آن‌ها با مقام متولی و مقامات ولایتی صفوی (حاکم خراسان) در اسناد آمده است.

اسناد آستان قدس رضوی در عصر صفویه، نمونه‌ای درخشان از تلفیق اجباری ساختار اداری (دیوان صفوی) با الزامات هویتی و ساختاری یک نهاد وقفی قدرتمند است. این اسناد، صرفاً مجموعه‌ای از ارقام مالی نیستند؛ بلکه شواهدی منحصر به فرد از سلسله مراتب قدرت در یک نهاد

شبه‌دولتی - مذهبی، فرآیندهای پیچیده سندشناسی (شامل انطباق با اصول دیوانی و رعایت عرف مذهبی) و هویت اداری آستان قدس را به‌عنوان یک «دیوان در درون دیوان» ارائه می‌دهند. این هویت دوگانه (انطباق با مرکز و استقلال محلی) سبب شد که ساختار سندنویسی آن، به رغم پیروی از الگوهای صفوی، دارای انعطاف‌پذیری و جزئیات خاصی باشد که برای فهم تاریخ اداری و اقتصادی ایران در آن دوره حیاتی است.

### پیشنهاد برای کار آینده:

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های پیش رو بر بررسی تطبیقی اسناد آستان قدس با اسناد سایر مجموعه‌های آرامگاهی مقدس صفوی (مانند بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی) تمرکز نماید. این مقایسه می‌تواند میزان انطباق یا تباین در ساختار سندنویسی را مشخص سازد و روشن کند که آیا این یک الگوی خاص و منحصر آستان قدس است یا نمایانگر یک سیستم استاندارد اداری برای کلیه موقوفات بزرگ دولتی در عصر صفویه به‌شمار می‌آید.



## فصل هفتم:

### متن بازخوانی تصاویر اسناد

سند ۴ و ۵: پروانچه شاه سلیمان مبنی بر پرداخت وظیفه حافظی عمارت و گنبد حاتم بیگ به ملاحیدر قاری (شماره سند ۱۵۱۱۸۱).

هو

الملك لله

[مهر:] اللهم صل على النبي و الوصى و البتول والسبتين و السجاد و الباقر و الصادق و الكاظم و الرضا و التقى و النقى و الزكى و المهدي، بنده شاه دین سلیمان است، ۱۰۷۸.  
فرمان همایون شد، آنکه چون به موجب ارقام و احکام مطاعه نواب خاقان خلد آشیان صاحب قرانی [شاه بابا ام انارالله برهانه] و مثال دیوان الصداره سابق سابق، موازی هجده خروار غله از بابت موقوفات سرکار آستانه مقدسه منوره مطهره متبرکه سدره مرتبه عرش درجه، حضرت امام ثامن ضامن، مفترض الطاعه واجب العصمه [علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثناء]، و غیره به صیغه وظیفه حافظی عمارت و گنبد مرحوم حاتم بیگ که در جنب آستانه مقدسه واقع است برین موجب

از بابت سرکار آستانه منوره متبرکه سدره به صیغه وظیفه حافظی عمارت و گنبد مرتبه عرش درجه از قرار رقم نواب خاقان مرحوم حاتم بیگ به موجب پروانچه خلد آشیان صاحب قرانی از ابتداء ایت ثیل نواب خاقان خلد آشیان صاحب قرانی و ۱۰۵۶  
مثال دیوان الصداره سابق سابق

۹ خروار

۹ خروار

در وجه فضیلت و صلاحیت پناه، ملاحیدر قاری، مقرر شد به قید آنکه متولی جلیل القدر آن سرکار، مشارالیه را در سلک حفاظ آن آستانه مقدسه منسلک داند و در نسخه معروضه عرض شده که ملاحیدر قاری از حاتم آباد نه خروار و از شیلان دو هزار و چهار صد دینار

۱. جمله در بالای سند ممتازنویسی شده است.

۲. جمله در بالای سند ممتازنویسی شده است.



به قلم آمد. [مهر:] بنده آل محمد، هاشم، ۱۰۶۲. ثبت دفتر سرخط خاصه شد. [مهر:] الله ولی و عصمتی من خلقه، عبده محمد جعفر، ۱۰۷۰. [حاشیه پایین:] ثبت نمایند.

سند ۶ و ۷: سواد پروانچه در مورد پرداخت وظیفه به واعظ استرآباد (شماره سند ۲۲۸۰۵)

هو  
الملك لله

موضع مهر مبارک نواب اشرف اقدس اعلى

فرمان همایون شد، آنکه درین وقت، بنابر ظهور صلاح و سداد و ضیق معاش، افادت و افاضت پناه، فضیلت و کمالات دستگاه، صلاحیت شعاری، مولانا ابوالحسن واعظ دارالمؤمنین استرآباد ولد مرحوم ملا سلطان حسین از ابتداء اودئیل موازی سی خروار غله از بابت موقوفات سرکار آستانه منوره متبرکه عرش درجه سدره مرتبه، حضرت امام ثامن ضامن مفترض الطاعه، حسب العصمه [علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثناء] به وظیفه افادت پناه، مومی الیه شفقت و مرحمت فرمودیم که سال به سال باز یافت و صرف معیشت خود نموده، مرفه الحال به دعاگویی دوام دولت بی زوال ابدی الاتصال اشتغال نماید. متولی و ناظر جلیل القدر و مستوفی سرکار فیض آثار، حسب المسطور مقرر دانسته، هر ساله موازی مزبور را واصل و عاید مومی الیه ساخته، قبض باز یافت نماید که از آن قرار به خرج مجری است. درین باب قدغن دانسته، هر ساله حکم مجدد نطلبند و در عهده شناسند. تحریر فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۰۸۳.

[پشت سند:]

الله، حسب الامر الاعلی، از قرار نوشته سیادت و صدارت و اقبال پناه، نجابت و هدایت دستگاه، عالی جاه اسلام و اسلامیان ملاذی، صدرممالک بر طبق نوشته سیادت و صدارت و اقبال پناه، نجابت و هدایت دستگاه، عالی جاه اسلام و اسلامیان، ملاذی صدر خاصه شریفه

ذامع اصله الاشرف الاقدس الارفع الاعلی موافق [مهر:] افوض امری الی الله، هدایت الله الحسینی ۱۰۷۲.

هو، ثبت شد.

محل مهر صدر ممالک، فوضت امری الی الله، الناسخ.

[یادداشت ها از سمت راست:] هو، ثبت شد، نوشته شد، مهر. ثبت دفتر سرخط شد، مهر.

به نظر رسید، مهر. صح، مهر. به قلم آمد. مهر.  
[دستور متولی به مستوفی:]

هو

کُتاب نجابت و رفعت و معالی پناه، توفیق آثاری، رفیع مقداری، مستوفی القابی، مقدار سی خروار غله به صیغه وظيفه مزبوره، متن را از قرار سواد پروانچه مبارک اشرف اقدس ارفع [اعلیٰ]، در معامله سنه اودئیل تنخواه داده برات نویسد. بیض شد. [مهر:] تقی الدین محمد الرضوی  
اعترف بما فيه لدى [مهر:] افوض امری الى الله، عبده هدايت الله الحسينی.

هو

مقدار سی خروار غله به صیغه وظيفه سنه اودئیل، به معرفت وکلا ذوی العز و الاعتلاء، عالی حضرت متعالی منزلت، ستوده مرتبت، مقدس طینت، فلک رفعت، فرشته خصلت، سیادت و تولیت و نجابت و اقبال پناه، هدايت و نقابت و مکرمت و اجلال دستگاه، افادت و افاضت و حقایق و کمالات آکتنه، عالی جاه عمده السادات و النجبای مستغنی الاوصافی [شمساً لفلک السیادة و التولية و النجابه و الهدایة و النقابة و الافادة و الافاضة و الاقبال و الاجلال، میرزا شاه تقی الدین محمدا الرضوی المتولی]<sup>۲</sup> واصل و عاید افادت و افاضت پناه، صلاحیت و مکرمت و کمالات دستگاهها، مولانا ابوالحسن مذکور ضمن شد و باعترافه قبض شرعی نموده است و کان ذلك فی تاریخ ۲۲ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۸۵.

\_\_\_\_\_ سواد

[حاشیه پایین سمت راست]

پروانچه اشرف اودئیل و قبض وظيفه ملا ابوالحسن واعظ استرآباد  
ثبت نمایند.

سند ۸: متن پروانچه در دفتر توجیهاات با موضوع پرداخت وظيفه به فراش (شماره  
سند ۳۱۸۹۹/۷)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار فی لوی نیل

\_\_\_\_\_ توجیهاات

\_\_\_\_\_ و مقررات

\_\_\_\_\_ مقررات

\_\_\_\_\_ صورت

۱. کلمه در بالای متن ممتازنویسی شده است.
۲. عبارت در بالای متن ممتازنویسی شده است.

## احکام و پروانجات و غیره

پروانچ  
اشرف به تاریخ شهر رمضان سنه ۱۰۳۷، آنکه فرمان همایون شد، آنکه چون به موجب حکم جهان مطاع خورشید شعاع و طومار نسقی که در دیوان الصداره سابق نوشته شده، مبلغ پنج هزار دینار نقد و موازی پنج خروار غله از بابت حاصل سرکار فیض آثار، حضرت امام الجن و الانس، ابوالحسن علی ابن موسی الرضا علیه التحیه و الثنا، به وظیفه صلاحیت شعاری، میر محمد هاشم فراش مقرر بوده که صرف معیشت خود نموده در آن آستان سدره مکان ملک پاسبان درجه السیاده، به خدمت فراشی قیام و اقدام می نماید و درین وقت مجدداً استحقاق و اشتغال خود را معروض دانسته و استدعا امضا همایون نموده، بنابر ظهور استحقاق او مبلغ و مقدار مذکور را از بابت حاصل آن سرکار موهبت آثار به وظیفه او مقرر فرمودیم که به دستور به خدمت مذکور مشغول بوده، دقیقه فوت و فروگذاشت ننماید. متولی و ناظر و مستوفی سرکار فیض آثار مادام که مشارالیه به خدمت مذکور قیام داشته باشد، سال به سال وجه مذکور را بدو عاید ساخته، چیزی قاصر و منکسر نگردانند و از قرار قبض مجری دانسته، هرساله حکم مجدد نطلبند و چون پروانچه به مهر اشرف رسد اعتماد نماید.

سند ۱۰ و ۱۱: رقم شاه سلطان حسین پرداخت وظیفه به فرزند ملا محمد ابراهیم نایب الصداره مشهد (شماره سند ۱۳۴۱۸)

[مهر: بسم الله، بنده شاه ولایت، سلطان حسین، ۱۱۱۰.]

حکم جهان مطاع شد. آنکه از ابتداء سیچقان نیل، مبلغ شش تومان تبریزی که از بابت موقوفات سرکار حضرات مطهرات سدره مراتب عرش درجات، در وجه شریعت و افادت و افاضت پناه، فضیلت و کمالات دستگاه، شمساً للشریعة و الافادة و الافاضة و الفضیلة، ملا محمد ابراهیم نایب الصداره مشهد مقدس معلی و مدرس و خادم باشی آستانه مقدسه منوره متبرکه مقرر بود. حسب الاستدعای مشارالیه به وظیفه همه ساله فضیلت و افادت پناه، ملا محمد حسین ولد او عنایت و مرحمت فرمودیم که سال به سال به دستور والد بازیافت و صرف معیشت خود نماید. وزیر و مستوفی سرکار فیض آثار مزبور حسب المسطور مقرر دانسته، سال به سال مبلغ مذکور را بلاقصور و انکسار واصل و عاید فضیلت و افادت پناه مشارالیه و قبض بازیافت نمایند که از آن قرار به خرج مجری است و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند. تحریر فی شهر جمادی الثانیه سنه ۱۱۱۹.

[پشت سند: هوالله، حسب الامر الاعلی، از قرار نوشته وزارت و شوکت و اقبال پناه، عظمت و حشمت و اجلال دستگاه، صوفی زاده قدیم خاندان ولایت نشان، عالی جاهی اعتضاد السلطنه البهیة-] آصف جاهی اعتماد الدوله و تجویز عالی جاه اسلام و اسلامیان، ملاذی صدر خاصه شریفه

[مهر: دل مؤمن آیینه روشن است. ۱۱۱۰.]

[طغرا]: افوض امری الی الله، الناسخ.

ثبت شد.

سند ۱۲ و ۱۳: سواد رقم برقراری مواجب و وظیفه شیخ احمد مسیح برای فرزندش

(شماره سند ۴۴۹۴۹)

هو

رضیة رضویة علی مشرفها الف سلام تحیة

موضع مهر نواب اشرف

حکم جهان مطاع شد. آنکه چون درین وقت، سیادت و نجابت و صلاحیت پناه، میرزا سید محمد خادم آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه عرش درجه، ولد مرحوم میرزا ابراهیم نیشابوری به عرض رسانید که مبلغ نه تومان تبریزی از بابت وظیفه شیخ احمد مسیح، حسب الرقم نواب خاقان طوبی آشیان قدس مکان به وظیفه مشارالیه مقرر گشته و ده سال است که در وجه او استمرار دارد و در این ایام تغییر وظیفه او در وجه مسماءه صالحه صبیبه شیخ احمد مزبور مقرر گشته و استدعا نمود که به دستور سابق در وجه او برقرار گردد و عالی‌جاه متولی آستانه مقدسه مزبوره، تصدیق اهلیت و استحقاق سیادت و نجابت پناه مشارالیه و عرض نمود که سوئی وجه مزبور وظیفه در وجه او مقرر نیست و چنانچه باید پیوسته به خدمت خادمی قیام می‌نماید و مسماءه مومی‌الیها انتسابی به آستانه مقدسه مزبوره ندارد و استدعای برقرار بودن وجه مزبور در وجه سیادت و نجابت پناه مشارالیه نمود. بنابر تصدیق عالی‌جاه مشارالیه و ظهور استحقاق و استهلاك او مبلغ نه تومان مذکور را کماکان در وجه سیادت و نجابت پناه مشارالیه به تغییر وظیفه مسماءه مومی‌الیها مقرر فرمودیم که سال به سال به دستور استمرار بازیافت و صرف معیشت خود نماید. عالی‌جاه متولی آستانه مقدسه مزبوره، حسب المسطور مقرر و سال به سال وجه مزبور را بلا قصور و انکسار واصل و عاید او نموده، هر ساله رقم مجدد طلب ندارد و رقمی که مسماءه مزبور گذرانیده، از درجه اعتبار ساقط دانند. تحریرا ربیع الاول سنه ۱۱۱۷.

[پشت سند]: هو حسب الامر الاعلی، از قرار نوشته وزارت و شوکت و اقبال پناه، عظمت و حشمت و اجلال دستگاه، صوفی زاده قدیم، خاندان ولایت نشان. عالی‌جاهی اعتضاد السلطنة البهية السلطانية آصف جاهی اعتماد الدوله العلیه العالیه الخاقانیه محل مهر اعتماد الدوله

بسم الله الرحمن الرحيم

السواد مطابق لاصله الاشرف الاعلی، نمقه محمد ابراهیم المدرس، [مهر]: یا ابراهیم قد صدقت الرویا انا کذلک نجزی المحسنین، ۱۱۱۴.

السواد مطابق لاصله الاشرف الاعلی، نمقه محمد رضا الشریف الخادم [مهر]: خادم روضه امام رضا است، ۱۱۱۰.

السواد مطابق لاصله الاشرف الاقدس الارفع الاعلی و الاصله عبدی، حرره [مهر:] کلب عتبه سید محمد الخادم الحسینی الرضوی.

سند ۱۴: متن رقم در دفتر توجیهات، رقم شاه در پاسخ به فصول متولی در باب همکاری حکام و بیگلربیگیان با وی برای آباد کردن املاک موقوفه (شماره سند ۳۳۳۸۰/۳)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه توشقان نیل

\_\_\_\_\_ توجیهات

\_\_\_\_\_ و مقررات

\_\_\_\_\_ مقررات

\_\_\_\_\_ صورت

\_\_\_\_\_ المذکور

\_\_\_\_\_ ارقام

\_\_\_\_\_ مطاعه

ارق\_\_\_\_\_ام

رق\_\_\_\_\_م

به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۱۱، آنکه حکم جهان مطاع شد، آنکه چون درین وقت سیادت و تولیت و نجابت پناه، فضیلت و هدایت و نقابت دستگاه، حقایق و معارف آگاه، عالی جاه خلاصه السادات و النجبا العظام الکرام، شمساً للسیادة و التولية و النجابه و الهدایة و النقابة و الفضیلة و الاقبال، میرزا داود متولی آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه، عرش درجه، رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه در یک فصل از فصول خود عرض نمود که بعضی از املاک و مستقلات سرکار موهبت آثار خراب و بایر و بعضی به تدریج از تصرف وقف بیرون رفته و استدعا نمود که رقم اشرف صادر گردد که بیگلربیگیان و حکام و وزرا و کلانتران و داروغگان و سایر عمال هر ولایت در باب آبادان شدن املاک و مستقلات و به تصرف در آوردن موقوفات سرکار موهبت آثار و انتزاع آن از ید متعلقه، امداد شرعی و حسابی به تقدیم رسانید. بنابراین مقرر فرمودیم که بیگلربیگیان و امراء عظام و حکام و وزراء کرام و کلانتران و داروغگان و سایر عمال ممالک محروسه در باب آبادان نمودن املاک و مستقلات موقوفه سرکار مزبور و به تصرف وقف در آوردن موقوفات آستانه مقدسه مزبوره که به مرور ایام از تصرف [پشت سند]: وقف بیرون رفته باشد و انتزاع آن‌ها از اولادی متعلقه(؟) بعد از آنکه در حضور اهالی شرع انور ثابت و محکوم به گردد. آنچه لازمه اعانت باشد به تقدیم رسانید و درین باب قدغن دانسته از فرموده تخلف نوزند و در عهده شناسند.

سند ۱۵: مثال صدر در خصوص وضعیت موقوفات مزرعه رزان (شماره سند

۱۵۵۵۸۷)

هو الرفیع الاعلی

رضیة رضویة علی مشرفها الف الف صلاة و تحیة

[طغرای صدر:] من رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی

چون به عرض رسید و بر طبق آن محضر شرعی به خط سادات و علما و متشرعی و جمع کثیر و جمّ غفیر از صلحا و اصحاب و اهل اعتبار بلده طیبه استرآباد و بلوکات به نظر رسید، دال بر آنکه مزرعه رزان واقعه در جنب خرچنگ از جمله موقوفات سرکار فیض آثار است و از زمان قرب و سیاه‌پوشی بیجهت شرعی و به خلاف شرع شریف و شرط واقف میرزا بیک فندرسکی و اولاد مشارالیه تصرف نموده‌اند و از تسلیم و حاصل غیر آن به سرکار فیض آثار امتناع غیرمشروع می‌نمایند و بر ایشان ترک ممانعت غیر مشروع لازم است. بنابراین مقرر شد که چون مزرعه مزبوره از جمله اوقاف آن سرکار بوده باشد، بعد از لزوم شرعی، اولاد میرزا بیک مزبور، مزرعه مزبوره را با حاصل ایام تصرف غیرمشروع به تصرف شرعی سرکار فیض آثار دهند که حاصل آن موافق شرط واقف به مصرف و خوب صرف شود و دست تصرف غیر مشروع از آن کوتاه و کشیده داشته، در آن به خلاف شرع شریف دخل نمایند و به تصرف وقف گزارند و اگر احدی درین باب حکایت شرعی داشته باشد به متصدیان شرعیات آنجا رفع نماید که موافق شریعت غیره معمول گردانید، به عهده حاکم آنجا که مزرعه مزبوره موافق شرع شریف التزام نموده، به تصرف وقف دهد و در عهده داند. تحریر فی شهر شوال ختم بالخیر و الاقبال سنه ۱۰۳۹.

[مهر:] افوض امری الی الله الغنی، رفیع الدین محمد الحسینی الموسوی.

[مهر بین سطور ۷ و ۸:] و من یتوکل علی، فهو حسبه، [مهر:] افوض امری

[مهر بین سطور ۱۲ و ۱۱:] خلیفه سلطان الحسینی [مهر: ناخوانا]

سند ۱۶: سواد مثال صدر در مورد واگذاری شغل حافظی به فرزند حاجی محمد حافظ

(شماره سند ۱/ ۱۵۵۶۰۴)

[طغرای صدر:] من رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی

و چون مرحوم مولانا حاجی محمد، حافظ حرم روضه مقدسه منوره متبرکه عرش درجه، فوت شده و به عرض رسیده که فضیلت و صلاحیت دستگاه، حافظ کلام الله المجید، حافظ محمد صادق ولد مشارالیه قابلیت و اهلیت و استعداد آن دارد که به دستور والدش به حافظی حرم محترم قیام نماید و تصحیح قرآن کند و استدعا امر مذکور نمودند، ایجاباً لمستوله، حافظی حرم محترم به مشارالیه مفوض و مرجوع شد که در آن روضه خلد آیین به تلاوت کلام معجز نظام و تصحیح قرآن اشتغال نماید. وکلا ذوی الاحترام متولی و سایر

مباشران آن آستان ملایک پاسبان، مشارالیه را حافظ حرم شریف و مصحح قرآن دانسته، اعزاز و احترام و رعایت او را لازم دانند و از ابتداء قوی نیل هر ساله مقدار پنج خروار غله از بابت موقوفات فراه به وظیفه همه ساله مشارالیه مقرر شد که صرف معیشت خود نموده، مرفه الحال به دعا گویی دوام دولت روز افزون اشتغال نماید. متصدی موقوفات آنجا هر ساله مقدار مزبور را در وجه مشارالیه مقرر دانسته رساند و قبض بازیافت نماید که از قرار قبض مشارالیه به خرج مجری است و نوعی نماید که هر ساله وجه مزبور بلا تغییر به مشارالیه عاید گردد و هر ساله درین باب مثال مجدد نطلبد و در ایصال وجه مزبور اهتمام لازم شناسند. تحریرا فی شهر صفر سنه ۱۰۴۰.

موضع مهر نواب صدارت و اقبال پناهی

[حاشیه سمت راست:] هو، موافق لاصله العالی و ضمنه الاعلی

[مهر:] المتوکل علی الله الغنی، عبده ابوطالب الحسینی الموسوی

[فاصله بین سطور ۶ و ۷ و سطور ۹ و ۱۰:] موضع مهر

سند ۱۷: متن مثال در دفتر توجیهاات در خصوص واگذاری استیفا کل موقوفات ممالک محروسه به میرزا محمد محسنا و تعیین مواجب برای وی (شماره سند ۶۲۲۹۶)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه لوی نیل

توجیهاات\_\_\_\_\_

و مقررات\_\_\_\_\_

توجیهاات\_\_\_\_\_

مواجب\_\_\_\_\_

سیادت\_\_\_\_\_

و رفعت پناه میرزا محسن مستوفی موقوفات ممالک محروسه، از قرار مثال الامتثال دیوان الصدارة العلیة العالیة، به تاریخ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۳۶، آنکه چون به موجب حکم جهان مطاع آفتاب ارتفاع لازال نافذا فی الارباع، استیفاء کل موقوفات ممالک محروسه، به سیادت و نجابت پناه، رفعت و معالی دستگاه، عزت و عوالی انتباه، نظاماً للسیاده و النجابه و الرفعة میرزا محمد محسنا، متعلق است و مبلغ پنجاه تومان تبریزی از بابت حاصل و مداخل بقاع الخیرات و مزارات و آستانهای مقدسه و غیر ذلک در وجه مواجب همه ساله، سیادت و نجابت پناه مشارالیه مقرر است، موافق استمرار، بنابراین مقرر شد که متولیان و مستوفیان و متصدیان و مباشران اوقاف هر ساله مبلغ مزبور را به نوعی که در تحت اسم هر محل در ضمن نوشته شده، در وجه سیادت و نجابت پناه مشارالیه مقرر دانسته رسانید و قبض بازیافت نمایند که از قرار قبض سیادت و رفعت پناه، مشارالیه به خرج مجری است و نوعی نمایند که بلا تعلل هر یک مبلغ حصه خود را مهمسازی نمایند

و مثال و خطاب مجدد موقوف و معطل ندارند. به عهده وزرا و حکام و کلانتران هر محل که امداد نموده در ایصال وجه مزبور سعی تمام به جای آورند.  
۵۰ تومان

مقرراً

سرک

آستانه مقدسه متبرکه و غیره، ۴۳ تومان

سرک

آستانه

حضرات عالیات سدره مرتبات، چهارده  
معصوم صلوات الله و سلامه علیهم  
اجمعین و غیره  
۱۵ تومان

مذکوره

۱۷ تومان و ۵ هزار دینار

سرکار	سرکار	سرکار	سرکار	آستانه	آستانه	آستانه	آستانه
مرتبات	مرتبات	مرتبات	مرتبات	منوره امامزاده مهدی علی علیه السلام	حضرت	منوره صفیه	مقدسه
ابوالعزآباد	ابوالعزآباد	ابوالعزآباد	حسن آباد	عبدالعظیم	امامزاده	صفویه	عرش درجه
[ری؟]							رضیه رضویه

۴ تومان	۳ تومان	۸ تومان	۲ تومان و	۳ تومان	۶ تومان	۶ تومان
	قزوین	ری	۵ هزار دینار			
	۴	۴				
	تومان	تومان				

سایر

زوای

عن موقوفات گیلان مقرر آنکه، متصدیان  
و عمال موقوفات سال به سال تنخواه قرار  
داده واصل سازند.  
سه تومان و ۵ هزار دینار

مذکوره ۷ تومان

زاویه نصریه زاویه کرج زاویه [اندرهان  
ساوج بلاغ عابدین]  
یک تومان یک تومان ۵ هزار دینار  
و ۵ هزار  
دینار

زاویه  
مظفریه  
یک تومان  
زاویه  
شیخ علاءالدوله ابواب  
البرسلطانیه  
دو تومان  
یک تومان

سرک

آستانه مقدسه معصومه و غیره

هفت تومان

سرک	سرک
آستانه مقدسه معصومه صلوات الله	مشایخ داداییه واقع در دارالعباد یزد
علیها واقع در قم	دو تومان
سه تومان	
سایر	
عن حاصل وقفی موضع سین برخوار	
اصفهان	
دو تومان	
المقرر عن رسید آستانه مقدسه منوره عرش درجه رضیه رضویة علیه الصلوة و التحیة	
۱۴ تومان و ۴ هزار دینار	
توشقان نیل	لوی نیل
شش تومان عراقی	به دستور
۷ تومان و دو هزار دینار	۷ تومان و دو هزار دینار

سند ۱۸ و ۱۹: سواد خطاب پرداخت عشر و ده نیم سیورغالات الکاء خراسان به حاج بیک محمد محصل (شماره سند ۳۰۴۳۰)

هو الله لا سواه

هو

خطاب عالی شد، آنکه حضرات سادات عظام و مشایخ کرام و متولیان مشاهد و مزارات و ارباب سیورغالات و معافیات الکاء خراسان سیماء مشهد مقدس و توابع و ولایت نیشابور و سبزوار و خوشان و دارالسلطنه هرات و فراه و توابع و سرکار تون و قاین و جنابذ و ترشیز و زاوه و محولات و اسفراین و جوین و توابع و دارالقرار قندهار و توابع، عشر و ده نیم سیورغالات و حق النظاره و حق التولیه موقوفات را عن آنچه به وکلاء جلیل القدر [؟] دیوان الصدارة العلیة العالیة موافق و معمول و استمرار سنوات سابقه متعلق است، موافق طوامیر و اخطبه محصلان سابق الکاء خراسان، در معامله سنه بارس نیل به تحصیل رفعت و معالی پناه حاج الحرمین الشریفین حاجی بیک محمد مقرر دانسته، از قرار قبض مشارلیه واصل ساخته، چیزی قاصر و منکسر نگردانند. محصل مزبور حسب المسطور وجوهات مزبوره را بازیافت و انفاذ دیوان الصدارة العالیة و تنخواه ارباب حوالات نماید و اگر محلی از محال موقوفات و سیورغالات از قلم افتاده، داخل طوامیر نشده باشد، حسب الواقع در حضور اهالی شرع شریف هر محل مختص و وجوهات رسم الصدارة آن را بازیافت و بعد از وصول، نسخه مشخصه درهر باب دست داشته و در هر باب به حضور آورد که کُتاب دفتر سرکار از آن قرار ابواب جمع و محاسبه مفروغ نمایند. وکلاء بیگلربیگی جلیل القدر



سند ۲۰: متن خطاب در دفتر توجیهاات به صاحبان سیورغالات و متولیان بقاع مقدس  
مازندران و استرآباد، در خصوص پرداخت عشر و ده نیم و حق النظاره به محمدصادق بیک  
محصل (شماره سند ۱۷/۳۴۳۶۰)

هو  
انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه قوس نیل  
توجیهاات\_\_\_\_\_  
و مقررات\_\_\_\_\_  
توجیهاات\_\_\_\_\_  
عوض\_\_\_\_\_  
المذکور  
عشر\_\_\_\_\_ و ده نیم  
از بابت محال مذکوره

از بابت محال مذکوره

قریه \_\_\_\_\_ نوشته شد \_\_\_\_\_  
سنگ تراشان ساری، از قرار سواد خطاب دیوان الصدارة العلیة العالیة، به تاریخ شهر شوال  
سنه ۱۱۱۳، آنکه سواد خطاب عالی شد، آنکه صاحبان سیورغالات و متولیان آستانه های  
مقرب و مزارات و بقایا و زوایا و بقاع الخیرات و مباشرین و مستأجرین و زارعین موقوفات  
مازندران بهشت نشان و توابع دارالمومنین استرآباد و هزارجریب و غیره، عشر و ده نیم و  
حق النظاره هذه السنه یونت نیل متعلقه سرکار عالی را به موجبی که در تحت اسم هر یک  
و هر محل نوشته شده، به تحصیل رفعت پناه محمدصادق بیک مقرر دانسته مهمسازی  
و قبض بازیافت نمایند که از قرار قبض مشارالیه به خرج مجری و محسوب است و اگر  
صاحبان سیورغالات و غیره خود حاضر بوده باشند، رعایا و زارعین و مباشرین محال عشر  
و ده نیم و غیره را خود مهمسازی و با صاحبان این حساب و نوعی نمایند که وجوه مزبوره  
بزودی و سهولت وصول و واصل محل مزبور گردد. [؟] وجوهات مزبوره اجناس مذکور را از  
قرار تسعیر قوس بالعسر وقت که هر آینه صرفه و غبطه سرکار عالی در آن باشد. مبیع و  
تسعیرنامه چه به مهر مهر اهالی شرع شریف و مفسرین به نظر رسانید که بعد از ملاحظه  
کُتاب سرکار عالی از آن قرار در دفتر عمل نموده، محاسبه مفروغ و اگر چیزی از جهت  
سیورغالات و غیره یا محلی از محال موقوفات از قلم افتاده یا تفاوتی در هر یک از محال به  
شرح ذیل برآورد شده به نظر رسیده باشد آن وجه را علیحده بازیافت نموده و ابواب جمع  
خود و آن را اهالی شرع شریف و گماشته عالی جاه بیگلربیگی عظیم الشان دارالمومنین  
استرآباد و وزیر جلیل القدر مازندران بهشت نشان و عمال هر محل امداد و اعانت شرعی و  
حسابی محصل مزبور نموده مجال تمرد و تخلف احدی را ندهند و درین باب اهتمام تمام  
لازم دانسته، در عهده شناسند.

شرح قبض محمد صادق بیک محصل مزبور، به تاریخ شهر محرم سنه ۱۱۱۴، آنکه مبلغ یک تومان و پنج هزار دینار تبریزی عشر و ده نیم قریه سنگ تراشان عن محال کلیجان رستاق در سنه یونت‌ئیل به معرفت سیادت پناهان سید زین العابدین و سید میرمحمد و میر اسمعیل و غیره زارعین محال مزکور واصل و عاید اقل خلق الله محمد صادق محصل وجوه عشر و ده نیم مازندران بهشت نشان شد. این چند کلمه جهت قبض نامچه قلمی شد تا عند الحاجت حجت بوده باشد. شرح قبض سنه یونت‌ئیل به تاریخ شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۱۵، آنکه مبلغ پانزده هزار دینار تبریزی از بابت عشر و ده نیم و رسم الصداره وکلاء اجلاء دیوان الصدارة العلیة العالیة قریه سنگ تراشان وقفی سرکار در معامله قوی‌ئیل به معرفت سیادت و نجابت میر زین العابدین و غیره زارعین قریه مزبور در سنه مذکوره واصل محمد بیک [؟] شد. شرح نوشته آقا جعفر حویجدار آنکه غرض از این نوشته آنکه چون مبلغ سه تومان از بابت عشر و ده نیم سنگ تراشان ساری از بابت یونت‌ئیل و قوی‌ئیل محمدرضابیک که به موجب سواد خطاب و قبض محصل هر ساله مهمسازی می‌شده، و قبض محصل [سال؟] مزبور متن با سواد خطاب قوی‌ئیل به دفتر سرکار تسلیم شده و سواد خطاب یونت‌ئیل فوت شده و حاضر نبوده و تنخواه مبلغ سه تومان حواله داده شده و بازیافت می‌شود. تعهد نمودم العبد محمد جعفر حویجدار که هر گاه در باب مبلغ پانزده هزار دینار یونت‌ئیل که سواد خطاب مفقود است، اگر احدی مطالبه آن وجه نماید، این جانب از عین المال خود مهمسازی خواهم نمود و اگر سواد حاضر شود آن هم خواهد نمود. (در ادامه متن عریضه آمده که به دلیل اینکه متن سواد مورد نظر بود بازخوانی نشد).

سند ۲۱: رقم متولی به مستوفی در خصوص پرداخت مرسوم چاهخو (شماره سند

(۳۰۴۴۱)

هو

کُتاب نجابت و رفعت و متعالی‌پناه، توفیق آثاری، رفیع مقداری، مستوفی القابی، مرسوم استاد حسن و سه نفر عمله چاهخویی قنات محله دستجرد عن رسید سرکار [فیض آثار] از ابتداء نوروز سلطانی سنه بارس‌ئیل لغایت یک سال شمسی کامل موافق سنوات سابقه سرخط نویسند. بیض شد. [مهر: تقی‌الدین محمد الرضوی.

[پشت سند: رقم عالی‌جاه متولی در باب سرخط بارس‌ئیل، استاد حسن چاهخوی

مزرعه دستجرد

[حاشیه پایین: ثبت شد.

سند ۲۲: رقم متولی در دفتر توجیهات در خصوص تأیید اسناد و نوشته‌جات شربت‌خانه توسط حکیم (شماره سند ۴/۳۱۸۹۹)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار فی لوی‌ئیل

توجیهات\_\_\_\_\_

و مقررات\_\_\_\_\_

مقررات\_\_\_\_\_

صورت\_\_\_\_\_

احکام و پروانجات و غیره

رقم \_\_\_\_\_  
نواب سیادت و نجابت و اقبال پناه، عالی‌جاه متولی، در باب شربت‌خانه به تاریخ شهر رجب سنه ۱۰۳۷، آنکه تحویلدار و مشرف و عزب شربت‌خانه سرکار فیض آثار می‌باید که اجزای دوی و معاجین و تراکیب که در نزد شربت‌خانه سرکار فیض آثار، صرف می‌شود و سیاهه خرید و فرد روزنامه‌چه به مهر فضیلت و افاضت پناه، حکمت و افادت دستگاه، حکیم علیا رسانند و مادام که ابتیاع معاجین و تراکیب و اجزای دوی یومیه به مهر حکمت پناه مومی‌الیه نرسانند به خرج خود اعتبار ندانسته شد و تراکیب در حضور مشارالیه بسازند و بی‌وقوف و شعور او چیزی به محلی صرف نکنند که به خرج ایشان اعتبار نخواهد شد. مستوفی سرکار فیض آثار، رقم مذکور در دفتر سرکار فیض آثار ثبت نموده، مادام که اسناد و نوشتجات خرج شربت‌خانه به مهر و تصدیق حکیم علی مشارالیه نرسد، به خرج اعتبار ندارد و درین باب مبالغه نطلبد.

سند ۲۳: تعلیقه متولی در خصوص واگذاری خدمت صاحب جمعی عصارخانه به محمد سعید (شماره سند ۲۸۵۴۵)

هو

چون در سنه قوی‌ئیل، دادوستد سرکار از دیوان معدلت بنیان به عهده احدی مقرر نشده و معاملات سرکار را موقوف به صاحب رقم نتوانست نمود که موجب بی‌رونتقی و بی‌نسقی و تضییع مال سرکار می‌شد، درین صورت لازم بود که خدمات سرکار تا تعیین صاحب رقم به جمعی که معتمد و صاحب باشند مرجوع گردد که حیف و میلی در مال سرکار واقع نشود. سابق برین خدمت صاحب جمعی عصارخانه سرکار با استاد محمد مومن مقرر بود و درین ولا فوت شده، بنابراین از ابتداء نوروز سلطانی قوی‌ئیل خدمت مزبور به عزت آثار استاد محمد سعید ولد مرحوم مزبور مرجوع شد. مقرر آنکه چون مشارالیه در صغر سن است، استاد محمد حسن عمومی او به نیابت مشارالیه به خدمت مزبور قیام و اقدام نموده باشد.

عمال خجسته اعمال سرکار مشارالیه را صاحب جمع عصارخانه سرکار دانسته، قبوض و نوشتجات مشارالیه را معتبر و آنچه در سنه سابقه در وجه صاحب جمعان سابق مقرر بوده، مخصوص مشارالیه دانند. طریقه مشارالیه آنکه روشنایی و سوخت سرکار را موافق معمول و استمرار سنوات سابقه به قلم مشرف سرکار داده، روزنامهچه بازیافت و به دفتر سرکار برساند. تحریراً فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۰۲. [مهر:] محمد صالح بن محمد باقر الرضوی، ۱۰۹۲.

[پشت سند:] تعلیقچه صاحب جمعی عصارخانه فی قوی نیل

[حاشیه پایین:] ثبت شد.

سند ۲۴: متن تعلیقچه متولی در دفتر توجیهاات در خصوص پرداخت وظیفه به ملا جمال‌الدین محمد از بابت محصولات باغات دررود نیشابور (شماره سند ۲/ ۳۵۴۷۵)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه توشقان نیل

توجیهاات

و مقررات\_\_\_\_\_

مقررات\_\_\_\_\_

صورت\_\_\_\_\_

المذکور

تعلیقجات

تعلیقچه\_\_\_\_\_

بر طبق عرض جمال‌الدین محمد، آنکه به ذروه عرض می‌رساند که هر ساله مبلغ نه تومان از جمله حاصل مزرعه دررود من اعمال نیشابور حسب الشرط واقف در وجه مرحوم ملا عبدالواسع جد داعی و بعد در وجه اولاد ذکور او مقرر و بعد از جد در وجه مرحوم ملا محمدحسین والد داعی مقرر و مستمر و هرساله بازیافت می‌نمود و درین وقت که والد داعی به رحمت ایزدی پیوسته، نوبت به داعی رسید، استدعا آنکه حبه الله تعالی مبلغ مزبور را موافق شرط واقف در وجه داعی تعلیقچه مرحمت نمایند که موجب دعای خیر خواهد بود. شرح طلب حقیقت آنکه کتاب عالی حضرت، نتیجه النجبایی، مستوفی سرکار فیض آثار، حقیقت مراتب را قلمی نمایند. شرح حقیقت آنکه به عرض می‌رساند که موافق شرط وقف‌نامهچه قریه دررود من اعمال ولایت نیشابور از بابت حاصل باغات قریه مذکوره که هرساله بالمقطع به مبلغ ده تومان عراقی است یک عشر آن را به حق التولیه عالی‌جاه متولی [پشت صفحه:] و نه عشر دیگر را مختص فضیلت و کمالات دستگاه، ملا عبدالواسع تونی و همچنین نسلاً بعد نسل به اولاد فضیلت پناه، مذکور ذکوراً و اناثاً و چنانچه همه اولاد مشارالیه منقرض شوند. متولیان سرکار مقدس به ارباب استحقاق

می‌رسانیده باشند و در سنوات قبل و هذه السنه از قرار قبض نجابت و فضیلت پناه، ملا محمدحسین که به رقم وکلاء اجلاء عالی برات از دفتر سرکار گذشته، باقی مختارند. شرح تعلیقچه بر عنوان عریضه مذکور به تاریخ شهر رمضان سنه ۱۱۴۷، آنکه چون درین وقت نجابت و صلاحیت پناه، ملا جمال‌الدین محمد، صاحب عریضه به شرح متن عرض و استدعای مبلغ نه تومان وظیفه از بابت حاصل باغات قریه دررود من اعمال نیشابور که موافق شرط واقف هرساله در وجه مرحوم ملا محمدحسین والد او مقرر بوده، نموده و از دفتر سرکار مقدس به موجب ضمن حقیقت نوشته‌اند که محصولات باغات قریه مزبور، هر ساله مبلغ ده تومان عراقی بالمقطع و از آن جمله نه عشر مختص مرحوم مشارالیه و سال به سال بازیافت نموده، لهذا نه عشر مزبور را که هر ساله مبلغ نه تومان تبریزی شده از تاریخ تحریر به وظیفه ملا [حاشیه بالای سند:] جمال‌الدین محمد مذکور مقرر نمودیم که هر ساله از بابت محصولات باغات محل مزبور به دستور والد بازیافت و صرف معیشت خود نموده، مرفه الحال به دعای دوام دولت بی زوال اشتغال نماید. کُتَّاب عالی حضرت، نتیجه النجبایی مستوفی سرکار موهبت آثار، صورت تعلیقچه را ثبت دفاتر سرکار و هر ساله مبلغ مزبور را از قرار قبض که به رقم و مهر رسانده باشد تنخواه دهند.

سند ۲۵: متن تصدیق متولی در دفتر توجیهاات، پاسخ متولی به عریضه خادم و کفشبان  
(شماره سند ۳۵۴۷۵/۶)

آغاز مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار و مسجد جامع سنه توشقان نیل

توجیهاات

و مقررات\_\_\_\_\_

مقررات\_\_\_\_\_

سرکار\_\_\_\_\_

آستانه مقدسه

تصدیقات\_\_\_\_\_

تصدیق  
بر ضمن عریضه حاجی محمد کفش بان، آنکه عرضه داشت کمترین بندگان به ذروه عرض وکلاء اجلاء ذوی العز و الاعتلاء عالی می‌رساند که چون کمترین عهد نموده‌ام که به شرف عتبات عالیات مشرف و در این وقت اراده نموده است و چون صلاحیت پناه آقا هادی فراش به کمترین دارد استدعا آنکه، خدمت کمترین را باواجبی که در وجه کمترین مقرر بوده، به عهده مشارالیه مقرر شود. عرضه داشت کمترین بندگان که صلاحیت پناه محمدهادی، اهلیت کفشبانی آستانه مقدسه دارد. هرگاه خدمت حاجی محمد کفشبان که اراده زیارت عتبات عالیات دارد، از ابتدا شش ماهه هذه السنه توشقان نیل، خدمت مزبور را باواجبی که موافق طومار قرارداد جدید در وجه او مقرر بوده، به دستور در وجه او قرار و رقم مبارک مطاع به اسم او شرف صدور یابد. باعث انتظام سرکار و دعای خیر خواهد بود.

تصدیق  
بر ضمن عریضه میرمحمدعلی طباطبایی در عوض میرزا محمدحسن ولد میرزا عبدالله خادم حرم محترم، آنکه عرضه داشت کمترین بندگان، به ذروه عرض وکلاء اجلاء ذوی العز و الاعتلاء عالی می‌رساند که در این وقت میرزا محمدحسن ولد میرزا عبدالله خادم حرم محترم به جوار رحمت ایزدی پیوسته، استدعا از مراحم بیکران وکلاء عالی آنکه خدمت خادمی مرحوم مزبور را به داعی شفقت و مرحمت فرموده، وجه واجبی که به موجب طومار قرار داد در وجه مرحوم مذکور مقرر بوده، هر گاه به داعی شفقت فرمایند از الطاف بلانهایات وکلاء عالی بعید نخواهد بود. عرضه داشت کمترین بندگان که سیادت و نجابت پناه، میر محمدعلی شایستگی خادمی حرم محترم دارد هرگاه حسب الاستدعا خدمت میرزا محمدحسن که در این وقت متوفی شد، از ابتدا سنه شش ماهه ثانی هذه السنه توشقان نیل باواجبی که موافق طومار دستورالعمل قرارداد جدید در وجه مرحوم مزبور مقرر بوده به عارض مشارالیه شفقت و عنایت و امر اقدس شرف صدور یابد که رقم مبارک مطاع به اسم او صادر شود موجب خوشی و دعای خیر خواهد بود.

سند ۳۴: نمونه روزنامهچه در رساله سیاق ابو اسحق کرمانی (صفحه ۱۲۸)

روزنامهچه

ممالک محروسه حفظه الله تعالى عن الآفات في ظل حضرت الوافی مطابق سنه تسع و  
اربعین و تسعمائة الهجرية النبوية  
مسعوده الابداء

خیر الامور اوسطها

محمود الانتهاء

ایام  
ذی قعده الحرام  
فی یوم الاحد  
۱۵ که نوروز سلطانی است.

مقر  
مال وجهات زکوة قبان و [دار شیخ؟] و شوارع دار السلطنه تبریز حسب القبول دولت مآب  
خواجه کمال الدین به موجب تمسک به تاریخ المذكور

سند ۳۸: روزنامهچه جمع و خرج صاحب جمعان سرکار در مورد نذر سرعلم به روضه  
منوره و نصب آن در ضریح (شماره سند ۳۳۳۸۷/۱۷)

هو

روزنامهچه جمع و خرج صاحب جمعان بیوتات سرکار فیض آثار سنه توشقان نیل

ایام

رمضان المبارک سنه ۱۱۱۱

بالجمعه

۲۰

تحوی

جماعت

نذورات

متفرقه ۹

از بابت نذر نواب کامیاب [همیون اعلیٰ] سپهر رکاب، اشرف اقدس ارفع، از قرار حکم  
مطاعه، به تاریخ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۱۰، آنکه حکم جهان مطاع شد، آنکه سیادت و

تولیت و نجابت‌پناه، فضیلت و هدایت و نقابت دستگاه، حقایق و معارف آگاه، عالیجاه خلاصه‌السادات و النجباء العظام الکرام، شمساً للسیادة و التولية و النجابة و الهدایة و النقابة و الفضیلة و الاقبال، میرزا داود، متولی آستانه مقدسه منوره مطهره سدره مرتبه عرش درجه، به شفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که سرعلمی که نواب کامیاب همیون ما مقرر فرموده بودیم که جهت روضه مطهر و مرقد منور [علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه الف تحیه] ساخته به اتمام رسانید. درین وقت سراسر انجام یافته، مصحوب سیادت و نجایت و فضیلت‌پناه، سلالة السادات و النجباء العظام، سراجاً للسیادة و النجابة و المعالی، میرزا ابوالقاسم ولد آن عالیجاه بدان آستان عرش بنیان که مطاف انس و جان است ارسال فرمودیم. می باید که بعد از اطلاع بر مضمون رقم مطاع و ورود سیادت و نجابت‌پناه مزبور، سرعلم مذکور را به نهجی که در حین شرف‌یابی بزم حضور سراسر حدود، مشافهه به آن حقایق و معارف آگاه فرموده‌ایم، در ضریح مقدس نصب و تحویل تحویلدار سرکار فیض آثار و قبض بازیافت و انفاذ درگاه معلی نماید و به توجهات پادشاهانه مستمال باشد.

عن سرعلم که به تاریخ ۲۳ شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۱۱ در ضریح مقدس مبارک نصب شد. مقررأ شرح عدد و صفت از قرار سیاهه علیحده که از روی سررشته مشرف زرگرخانه نوشته شده

المقرر سرعلم و چوب  
کما فصلت

سرعل	چوب
که در بالای ضریح مبارک در وسط ما بین دو قبه مرصع نصب است.	سرعلم که در بالای سرمبارک بر دیوار حرم محترم روی پیچ‌ها گذاشته شده
عدد	عدد

ط  
و غیره

دو هزار و ۱۴۰ مثقال، سه دانگ و نیم و نیم‌نخود

ط  
خالص

۱۷۴۶ مثقال، دو دانگ و نیم و نیم‌نخود

جهت سرعلم به عمل میرهاشم و گنجعلی بیک و آقا رضا و کلبعلی و میر رضی و میر سعیدالدین و محمدحسن و علیقلی و محمد طاهر و فریدون بیک و حسین ولد استاد محمد صالح و حسین ولد شیر علی زرگران و نجف بیک و محمدزمان نقاشان و محمد علی بیک و محمدزمان و الله ویردی و محمدحسین میناکاران	جهت سرعلم به عمل میرهاشم و گنجعلی بیک و آقا رضا و کلبعلی و میر رضی و میر سعیدالدین و محمدحسن و علیقلی و محمد طاهر و فریدون بیک و حسین ولد استاد محمد صالح و حسین ولد شیر علی زرگران و نجف بیک و محمدزمان نقاشان و محمد علی بیک و محمدزمان و الله ویردی و محمدحسین میناکاران	جهت سرعلم به عمل میرهاشم و گنجعلی بیک و آقا رضا و کلبعلی و میر رضی و میر سعیدالدین و محمدحسن و علیقلی و محمد طاهر و فریدون بیک و حسین ولد استاد محمد صالح و حسین ولد شیر علی زرگران و نجف بیک و محمدزمان نقاشان و محمد علی بیک و محمدزمان و الله ویردی و محمدحسین میناکاران	جهت سرعلم به عمل میرهاشم و گنجعلی بیک و آقا رضا و کلبعلی و میر رضی و میر سعیدالدین و محمدحسن و علیقلی و محمد طاهر و فریدون بیک و حسین ولد استاد محمد صالح و حسین ولد شیر علی زرگران و نجف بیک و محمدزمان نقاشان و محمد علی بیک و محمدزمان و الله ویردی و محمدحسین میناکاران
۹۲۸ مثقال، سه دانگ و یک نخود و نیم	۴۹۶ مثقال، پنج دانگ و یک نخود و نیم	جهت تنکه رومع قبه بین سرعلم ۳۱۰ مثقال	جهت یک خانه جواهر رو ۲۲۴ مثقال و یک دانگ
جهت یک خانه جواهر رو ۲۲۴ مثقال و یک دانگ	جهت تنکه رومع قبه بین سرعلم ۳۱۰ مثقال	جهت یک خانه جواهر رو ۲۲۴ مثقال و یک دانگ	جهت تنکه رومع قبه بین سرعلم ۳۱۰ مثقال
جهت تنکه رومع قبه بین سرعلم ۳۱۰ مثقال	جهت یک خانه جواهر رو ۲۲۴ مثقال و یک دانگ	جهت تنکه رومع قبه بین سرعلم ۳۱۰ مثقال	جهت یک خانه جواهر رو ۲۲۴ مثقال و یک دانگ

[حاشیه بالا مهر سمت راست]: محمد صالح بن محمدباقر رضوی  
 [حاشیه بالا مهر سمت چپ]: محمد داود الحسینی، ۱۰۹۰  
 [حاشیه‌های بین متن]: داخل شد. تحویل عالی حضرت ظهیر الایامی به موجب افراد علی حده. تصحیح شد.  
 به نظر رسید.

سند شماره ۴۱: نمونه دفتر اوارجه در دیوان (در کتاب رساله سیاق ابواسحق کرمانی، ص ۱۶۵)

هو  
 اوارجه مهمات و معاملات سرکار خاصه شریفه سنه یونتئیل  
 ارباب  
 التحاوایل والتحصیل  
 التحاویل  
 اصناف  
 زرگر  
 خواج  
 کمال‌الدین یعقوب شاه  
 م  
 الاول

۳ تومان  
۱۰ قطعات  
۸ [حباب؟]  
۸ فصوص

مروارید  
۱۰ مثقالات  
۸ [حباب؟]

یاقوت  
رئانی  
۱۰ مثقالات، ۱۰ قطعات  
فیروزه  
نیشابوری  
۱۰ مثقالات

۸ فصوص  
از بابت تحویل جماعت  
سه تومان

جمع صاحب جمع خزانه که محاسبه آن با  
[خدمات؟] علیه است به تاریخ ۱۲ شهر ذی

حجة الحرام سنه ۹۴۹

۱۰ قطعات

۸ حباب

۸ فصوص

حلاج [؟]

جمع مولانا شاه	جمع خواجه
برهان، [در خط	سلطان محمود
غبار بهاء؟] به	به تاریخ ۲۰ شهر
تاریخ ۲۰ شهر	ذی حجه سنه
محرم سنه ۹۵۰	۹۴۹
دو تومان	یک تومان

مروارید	یاقوت-رئانی
۱۰ مثقالات،	۱۰ مثقالات،
۸ حباب	قطعه، ۱۰
	قطعات

فیروزه ۱۰  
مثقالات  
۸ فصوص

صار مندلک

فی التذویب

سی مثقالات

بعد از عوض طلا سبیکه

دو تومان و ۶۸۳۲ دینار و نیم.

مصالح  
سی مثقات  
دو تومان و ۵۱۰۰

اجرت  
سی مثقال / ۴ تومان  
۱۲۰۰ دینار

بهاء طلا  
سی  
مثقال / ۸۰۰  
دینار

بها [انگشت؟] بها گل پونه  
۱۰۰۰ دینار  
۱۰۰ دینار

دو تومان و ۴  
هزار دینار

حق النصار  
به قرار ۱۰۰ مثقال  
مثقات  
و المقرر  
سی مثقال  
۵۳۱۰ دینار و نیم

سند شماره ۴۲: دفتر اوارجه، ابواب المال، سیورغالات (شماره سند ۳۲۳۷۲/۵)

هو  
انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار فی ٹیلان ٹیل  
اوارجه  
ابواب المال  
سیورغالات  
احشامات  
اعراب

جماعت  
چلاقی نمک کش  
مف  
از قرار رقم نواب مستطاب سیادت و نقابت و اقبال پناه. عالی جاه متولی که در تحت  
احشامات مشروحاً ثبت شد.  
سه تومان و هزار دینار

منذلك

در وجه تحویل حاجی الحرمین الشریفین، حاجی نهال خزانه‌دار، از قرار رقم نواب سیادت و نقابت پناه متولی دو تومان و ۷۴۰۰ دینار توجیه، داخلا شد به حواله

الباقی

۶۶۰۰ دینار

داخلا شد. محاسبه [لوی نیل؟]

سند ۴۵: نمونه دفتر توجیهات در دیوان (رساله سیاق ابواسحق کرمانی، ص ۱۴۹، ۱۵۰)

توجیهات

و مقررات و صورت احکام و پروانجات ممالک محروسه

سنه بارس نیل

مسعود الابتداء

محمود الانتهاء

توجیهات

تحصیلات

افتخار

الاعیان محمد آقا شیخ قورچی

ط سرخ

به تاریخ ۲۸ شهر رمضان المبارک، سنه ۹۴۹، از تمغا دارالسلطنه تبریز به موجب پروانچه اشرف فی التاریخ المذكور مضمون آنکه دولت ماب، سعادت نصابی، خواجه محمد بن میربمانی، مبلغ دو بیست تومان تبریزی از مال وجوهات و وجوهات تمغا و دارالسلطنه تبریز در وجه تحصیل عمده الاعیان محمد آقا شیخ قورچی سامان نماید که به خرج او مجری و محسوب است و درین باب قدغن عظیم دانسته تقصیر نکند.

المقرر دو بیست تومان

ط سرخ

به تاریخ ۲۰ شهر شعبان المعظم سنه ۹۴۹، از مال وجوهات دارالامان کرمان، به موجب پروانچه اشرف فی التاریخ المذكور مضمون آنکه ارباب و رعایا دارالامان کرمان، مبلغ یکصد تومان از بابت مال وجوهات سنه بارس نیل در وجه تحصیل افتخار الاعاظم محمد آقا شیخ سامان و سرانجام نموده رسانند که به خرج مال وجوهات ایشان مجری و محسوب است.

عمده الاعاظم

علی بیگ قورچی

سرخ \_\_\_\_\_ ط  
به تاریخ ۱۴ شهر رمضان از بابت تاریخ از مال و جهات بافق و انار و توابع  
مال و جهات دارالعباد یزد دارالامان کرمان

سند ۴۶: نمونه دفتر توجیهایت در آستان قدس، در خصوص قبض سفره چیان مبنی بر دریافت مواجب (سند شماره ۳۱۸۶۸/۱)

انجام مهمات \_\_\_\_\_ و معاملات \_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه لوی ئیل  
توجیهایت \_\_\_\_\_  
و مقررات \_\_\_\_\_  
توجیهایت \_\_\_\_\_  
مواجب \_\_\_\_\_

سفره چیه \_\_\_\_\_ ان  
موافق طومار نسق  
۳ تومان و ۳۵۰۰ دینار

وجه \_\_\_\_\_  
از قرار قبض به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۰۳۸، آنکه قبض دادند و قبول نمودند سیادت مآب میر صالح سفره چی و سعادت نصاب مولانا حسن علی سفره چی که واصل ایشان شد از سرکار فیض آثار به مع وکلاء نواب مستطاب سیادت و نقابت و اقبال پناه، شوکت و رفعت و عظمت دستگاه، عالی جاه اسلام و اسلامیان ملاذی، شمساً للسیادة و النقابة و النجابه و الهدایة و الرفعة و العز و الاقبال. میرزا محمد مؤمن الحسینی المتولی، مبلغ سه تومان و سه هزار و پانصد دینار رایج خراسان نصفه شانزده هزار و هفتصد و پنجاه دینار از بابت مواجب سالیانه سنه لوی ئیل سرکار فیض آثار که موافق طومار نسق به مواجب سفره چیان مقرر است و این دو کلمه حسب القبض قلمی شد. شرح رقم آنکه موافق استمرار و طومار نسق تنخواه نوشته

مقررأ به موجب برات به تاریخ شهر رجب سنه ۱۰۳۸

خراسانی

سه تومان و سه هزار و پانصد دینار

مجری \_\_\_\_\_

سند ۴۷: نمونه دفتر مجمل، پرداخت بخشی از وجوهات نقدی و جنسی موقوفات  
آستان قدس در مشهد و ولایات به افراد (شماره سند ۱، ۳۳۵۸۸)

هو

مجمعه \_\_\_\_\_

جمع و خرج سرکار آستانه مقدسه منوره متبرکه رضیه رضویه عرش درجه

سنه بیچی نیل

مفرد \_\_\_\_\_

منذک ۱۶۵ \_\_\_\_\_

عوض \_\_\_\_\_

المذکور

استصوابیات \_\_\_\_\_

۳۲ تومان و ۳۰۷۷ دینار و نیم

مشهد \_\_\_\_\_

مقدس از قرار بروات عمال خجسته اعمال که به رقم عالی جاه متولی جلیل القدر رسید.

۱۸ تومان و ۸۶۱ دینار و نیم

تفصیلات برات \_\_\_\_\_ برات \_\_\_\_\_

به تاریخ شهر ذی‌قعدة الحرام سنه ۱۰۷۸  
به صیغه توجیه مدد خرج فرد افرادی که  
حسب الحکم جهان مطاع مقرر است و  
عمله مرو شاه جهان و تفنگچی چریک  
۶۱۸۰ دینار عراقی

مقرر خراسانی

۷۴۱۶ دینار

به تاریخ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۰۷۸  
عوض حواله دیوان اعلی که حسب  
الحکم جهان مطاع آفتاب ارتفاع در  
وجه مدد خرج ایالت و سلطنت پناهان،  
عبدالرحمن سلطان و عبدالمومن سلطان  
مقرر است.

۱ تومان و ۱۰۰۰ دینار

تفصیلات برات \_\_\_\_\_ برات \_\_\_\_\_

به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۰۷۹، عوض  
حواله دیوان اعلی که حسب الحکم جهان  
مطاع آفتاب ارتفاع در وجه مدد خرج  
ایالت و سلطنت پناهها محمدرحیم خانا  
مقرر است.

۲ تومان و ۵ هزار دینار

وجه مرسوم بیلداران و سقایان و غیره  
قلعه مبارکه مشهد مقدس معلی که  
اریابان و کدخدایان و ریش سفیدان بلده  
و بلوکات حسب الرضا یکدیگر قرار  
داده‌اند.

۲ تومان و ۵۹۷۵ دینار

مقرراً موافق لوی ئیل  
۲ تومان و ۵۹۲۰ دینار  
۱ تومان و ۷۱۸۶ دینار رسید سنوات مذکوره  
ذیل که موافق شرح تفصیل برات متوجه  
زارعان محال سرکار است.  
قوی ئیل  
که سهوا برات از سرکار  
۸۵۷۳ دینار و نیم  
داده شده ۸۵۷۳ دینار  
و نیم  
۸۵۷۳ دینار و نیم

سند ۴۸: نمونه برات در رساله سیاق ابواسحق کرمانی (صفحه ۱۴۳)

انعم  
دولت ماب سعادت نصاب خواجه اختیارالدین ظفرشاه حسب الرقم وزراء عظام کرام  
سنه بارس ئیل  
رایج تبریزی: سه تومان  
مبلغ سی هزار دینار [نصف]: یک تومان و ۵ هزار دینار  
رفسنج  
از بابت مال وجهات مذکوره  
تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۹۴۹

سند ۵۰ و ۴۹: برات آستان قدس با موضوع حق السعی (شماره سند ۴۵۱۲۱/۳)

هو السعی  
حق السعی  
رفعت پناه، عزت دستگاه، قاسم بیگ نویسنده سیاهه خارج المال تنقیح می دهد به دستور  
سنوات سابق  
سنه ئیلان ئیل  
۸ تومان  
۸ تومان که از بابت رسم داروغگی داده می شود.  
۸ تومان، سوی المطلق رایج خراسان

مبلغ یک هزار دینار

[نصف: ۵۰۰ دینار]

رعایا

مزرعه جاغرق بلوک تبادلگان رساند

رسید خارج المال هذه السنه مجری است.

۷ شهر صفر سنه ۱۰۲۷ [مهر:] المأمور المعذور [؟] یا کافی المهمات

[پشت سند: برات دیوان که از بابت خارج المال جاغرق رساند.

رفعت پناه مستوفی الملکی، چون مبلغ مذکور ضمن موافق حق و حساب به شرح نوشته

برین موجب ۱۰۵۰ دینار: اصل: ۱۰۰۰ دینار، فرع: ده نیم، ۵۰ دینار، برات از بابت تحویل

خواجه قاسم علی خازن نویسند. بیض شد.

ثبت شد. الناسخ [مهر: ناخوانا]

سند شماره ۵۱: متن برات در دفتر توجیحات در خصوص تعمیر عمارات چهارباغ

مشهد (شماره سند ۳۳۳۷۸)

هو

انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار سنه توشقان نیل

توجیحات

ومقررات

توجیحات

عوض

المذکور

استصوابیات

مشهد

مقدس

[نوشته شد]

به تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۱، آنکه تعمیر ضروریات عمارات چهارباغ مشهد مقدس

معلى که درین وقت حسب الامر وکلاء نواب مستطاب معلى القاب، مبادی آداب فلک

جناب عالی، امیر الامرای تنخواه داده می شود از قرار برآورد نامچه رفعت و عزت پناه، نادر

العصری، حاجی محمد رحیم معمار و قبض سلطان محمد تحویلدار ولایت

۲۵ تومان و ۹۵۰ دینار

سوی المطلق

سنه توشقان‌نیل

مبلغ هشت هزار دینار خراسانی [نصف]: چهار هزار دینار

وکی

زراعت سرکار فیض آثار از بابت خارج المال هذه السنه به وجه علی الحساب رساند. شرح رقم عالی‌جاه بیگلربیگی، برحاشیه برات مزبور آنکه به موجبی که عالی حضرت سامی رتبت، سیادت و نجابت و اقبال پناه، اکابر ملاذی شهریاری الملکی قلمی نموده‌اند هرگاه جهت موقوفی نداشته باشد مهمسازی نموده، در عهده شناسند. شرح رقم عالی‌جاه متولی به تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۱۱، آنکه نایب حضرت سیادت و رفعت پناه، نجابت و عزت دستگاه، رفیع مقدار مستوفی سرکار موهبت آثار، هرگاه وجه ضمن مستمر و هر ساله تنخواه می‌داده باشند برات را [پشت سند]: ثبت و ضبط و برات نویسنند. مقررأ به موجب برات به تاریخ شهر جمادی الاول سنه ۱۱۱۱

۸ هزار دینار

مستاجر

هذه السنه بندگان تعالی، رباط طرق به وجه علی الحساب رسانید که به خرج مجری است.

سند ۵۴ و ۵۵: قبض وصول دریافت مخارج و مصارف مربوط به تهیه شربت و مصالح حلوی شبهای جمعه توسط شربتدار (شماره سند ۲۲۸۰۴).

هو الفیاض

اعتراف صحیح شرعی نمود، فضیلت پناه، تقوی شعاری، مولانا محمد باقر شربتدار سرکار آستانه مقدسه منوره متبرکه عرش درجه که مبلغ بیست و یک تومان و پنج هزار دینار تبریزی رایج خراسان [نصف]: ده تومان و هفت هزار و پانصد دینار، جهت بهاء قند و شکر و غیره به موجب ذیل  
۲۱ تومان و ۵ هزار دینار

جهت اجزاء دوی و مصالح حلوی شب  
جمعه ۱۰ تومان

جهت بهاء قند و شکر و نان  
۱۱ تومان و ۵ هزار دینار

به مع وکیل نواب سیادت و نجابت پناه، امارت و حکومت دستگاه، شوکت و نصفت انتباه، عالی‌جاهی اسلام ملاذی، ملاذ الانامی، ملجاء الفقرا و المساکین [زیناً للسیاده و النقابه و الامارة و الحکومة و الشوكة و النصفه و العظمة و العز و الاقبال، قاضی سلطان الحسینی المتولی] جهت معامله قوی‌نیل واصل مشارالیه شد و این چند کلمه حسب السند قلمی شد تا به وقت حاجت حجت بوده باشد. تحریراً فی ۲۲ شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۰۱۵

[حاشیه سمت راست:] و ایضاً مقدار یکصد و پنجاه من آرد جهت مصالح حلواء شب جمعه واصل مشارالیه شد. تحریراً فی تاریخ سلخ شهر ذی قعدة سنه ۱۰۱۵  
[حاشیه بالا:] هو، اعترف بما فيه متنا و حاشیه لدی، نَمَقَه [مهر:] العبد رضی‌الدین محسن انجو، ۹۹۸

[پشت سند:]

قبض تحویل فضایل ماب مولانا محمدباقر شریب‌تدار

هو

رفعت پناه، مستوفی الملک، مبلغ بیست و یک تومان و پنج هزار دینار مذکوره ضمن جهت قیمت قند و شکر و حلوائ شب جمعه، در معامله قوی‌ئیل از بابت وجه تحویل خواجه قاسمعلی خازن و آرد را از بابت تحویل استاد خواجه انباردار برات نویسند. بیض شد.  
[مهر:] عبده تقی‌الدین محمد الحسینی

هو

چون به رقم خدام معلی مقام، عالی حضرت سیادت و امارت پناه، نقابت و نجابت دستگاه، عالی جاهی [سلطانی متولی] رسد برات نویسند. بیض شد. [مهر:] افوض امری الی الله

[حاشیه پایین:] نوشته شد [علامت ترقین]، ثبت شد.

سند ۵۶ و ۵۷: تسعیرنامهچه درخصوص قیمت اجناس در نیشابور (شماره سند

۴۴۹۸۲/۱۹)

هو

تسعیرنامهچه

اجناسی که در ابتدای قوس سنه سیچقان‌ئیل دارالکاء نیشابور خرید و فروخت می‌شود. به تاریخ غره شهرشعبان المعظم سنه ۱۰۸۳

۸ خروار به وزن تبریز

یک تومان و ۸۷۵۰ دینار عراقی [مهر:] محمد و علی خیر البشر، ۱۰۴۰

گندم	جو	نخود
------	----	------

به وزن تبریز، دو خروار	به وزن تبریز	به وزن تبریز
------------------------	--------------	--------------

۲۲۰۰ دینار	دو خروار	دو خروار
------------	----------	----------

دو هزار و دویست دینار	یک هزار و دویست	۲۳۰۰ دینار
-----------------------	-----------------	------------

است. بیض	دینار است. بیض	دو هزار و سیصد دینار است. بیض
----------	----------------	-------------------------------

مندو	کرویه	بید نجیر
به وزن تبریز	به وزن تبریز، دو خروار،	به وزن تبریز، دو خروار
دو خروار، ۲۰۰۰ دینار	۵۰۰۰ دینار	۲۲۵۰ دینار
دو هزار دینار است. بیض	پنج هزار دینار است. بیض	دو هزار و دو بیست و پنجاه دینار است.
آرد گندم	آرد جو	بیض شد.
به وزن تبریز، دو خروار،	به وزن تبریز، دو خروار	[مهر: ناخوانا]
۲۴۰۰ دینار	۱۴۰۰ دینار	
دو هزار و چهار صد	یک هزار و چهار صد	
دینار است.	دینار است. بیض	

بیض شد.

[حاشیه سمت راست:] قیمت اجناس متن آنچه نوشته شده، بیان واقعست. [مهر:] ادرکنی، یا امام محمد تقی، ۱۰۶۹.

هو، در تاریخ مذکور که در متن قلمی شد بیان واقعست و خلافی ندارد. کمترین خلق الله محمد مقیم الموسوی [مهر:] رب اجعلنی مقیم الصلاة

هو، در تاریخ مذکور متن تسعیر اجناس به موجبی است که در متن قلمی شده و خلافی ندارد. بیض [مهر:] محمد و علی خیرالبشر، ۱۰۴۰.

[حاشیه بالا سمت راست سند:] ذلک کذلک [مهر:] یا قاضی الحاجات الواثق بعلام الغیوب، عبده یعقوب، ۱۰۸۲.

[حاشیه بالادستور متولی به مستوفی:] هو، کُتاب نجابت و رفعت و معالی پناه، توفیق آثاری، رفیع مقداری، مستوفی القابی، تسعیرنامهچه مزبوره متن را که به مهر شیخ الاسلام و محتسب و ارباب بلوک محال نیشابور رسیده در معامله سنه سیچقان ئیل در دفتر عمل نمایند. [مهر:] تقی الدین محمد الرضوی، ۱۰۷۷.

[پشت سند:]

تسعیرنامهچه

اجناس سیچقان ئیل ولایت نیشابور

ثبت شد.

سند ۵۸: متن تسعیرنامهچه در دفتر توجیهاات (شماره سند ۳۵۳۸۲/۵)

هو

افتتاح مهمات و معاملات سرکار اعجاز مراد سنه بارس ئیل

توجهات

و مقررات

مقررات

صورت

المذکور

تسعیر

نامجات

<p>تسعیر نامچه مزرعه احمدآباد خواف از قرار استشهاد نامچه حاجی آقا محمد شربتدار به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۴۷ آنکه استشهاد و استعلام می‌نماید محمد شربتدار از معتبرین و اعزه و اهالی ولایت خواف که در قوس تسعیر اجناس مفصله ذیل که در ولایت مزبوره داد وستد می‌شود و به معرض بیع و شرا گندم جو مندو بیدنجیر دو خروار دو خروار دو خروار نخود کنجد جوزقه فیلچه دو خروار دو خروار دو خروار درمی‌آید، آنچه قرار معمول است. قیمت اجناس فوق را مفصلاً و مشروحاً</p>	<p>تسعیر نامچه از قرار عریضه آقا محمدحسین همشیره‌زاده عالی شان میرزا محمد زکی وکیل سرکار مقدس، آنکه عرضه داشت کمترین داعیان محمدحسین، به ذروه عرض وکلاء اجلاء ذوی العز و الاعتلاء عالی می‌رساند که در هنه السنه بارس‌ئیل قدری غله از سرکار فیض آثار در عوض مقرری عالی شان میرزا محمد زکی وکیل سرکار به کمترین داده‌اند و تا حال قیمت آن به قطع نرسیده است. استدعا آنکه تعلیقچه رفیعیه عالی شفقت فرمایند که کتاب سرکار از قرار تسعیر حال که قوس است غله را به نقد درآورده، برات از دفتر سرکار قلمی نمایند که هرآینه باعث امیدواری خواهد بود. چون واجب بود جرات عرض نمود. باقی امرکم مطاع. شرح تسعیرنامچه محتسب الملکی آنکه به عرض می‌رساند که تسعیر غله موافق قوس بارس‌ئیل ۱۱۴۷ در اصل بلده طیبه و سرکار فیض آثار برین موجب است که عرض شده ۷۵۰۰ دینار</p>
---	--

قلمی نموده، استشهاد نامچه را با امهار شریفه خود مزین فرمایند. شرح حاشیه به تاریخ به مهر فخرالدین محمدخوافی و عبدالرزاق الحسنی، آنکه تسعیر اجناس در ابتداء قوس بارسئیل در ولایت خواف به نحو است که عالی حضرت اکابر ملاذی شهریار الملکی قلمی نموده‌اند، آنکه بر کمترین خلق الله عبدالرزاق الحسنی ظاهر است و فیما بین رعایا دادوستد می‌شود، اجناس مفصله متن به قیمت و تسعیر

گندم جو مندو بید نجیر  
 دو خروار دوخروار دوخروار  
 ۲۵۰۰ دینار ۲۰۰۰ دینار ۱۰۰۰ دینار ۲۵۰۰ دینار

نخود کنجد جوزقه فیلچه  
 دو خروار دو خروار دوخروار المقرر  
 ۲۵۰۰ دینار ۷ هزار دینار ۱۰۰۰ دینار خشک ۶۰

من و ۱۲ سیر

۳ هزار دینار

که در فوق قلمی شده، در اول سنه حال تحریر که از ابتداء قوس است در این محال ثبت می‌شود. شرح رقم به تاریخ شهر شعبان سنه ۱۱۴۷، آنکه کتاب عالی حضرت سلالة النجبایی مستوفی سرکار موهبت آثار، تسعیر نامچه قوس مزرعه احمدآباد خواف را در دفتر سرکار مقدس ثبت و ضبط نموده، حاصل سفید بری محال مزبور را به نحوی که عالی حضرت کلانتر و کدخدایان ولایت مزبور قلمی نموده‌اند ابواب جمع نموده، تنخواه ارباب حوالات سرکار نمایند.

گندم جو  
 وسط دو خروار  
 دو خروار ۳۷۵۰ دینار  
 ۳۷۵۰ دینار

بیض شد

باقی هر آنچه مقرر فرمایند مختارند.

شرح رقم به تاریخ شهر رجب سنه ۱۱۴۷، آنکه کتاب عالی حضرت سلالة النجبایی مستوفی سرکار موهبت آثار، عربضه و تسعیر نامچه ضمن را که در باب تسعیر قوس محتسب مشهد مقدس معلی نوشته، در دفتر سرکار ثبت و ضبط و غله وجه اجاره مزرعه شاه طغای را بعد از وضع ورد موضوعات مقرر و کرایه مسعر و قیمت را در تنخواه مقرر عالی شان وکیل سرکار مقدس محسوب و به زیاده و کم رجوع نمایند.

## سند ۵۹ و ۶۰: تمسک التزام مزرعه احمدآباد (شماره سند ۴۲۲۲۸)

هو

اعتراف صحیح شرعی نمودند، دولت‌مابان خواجه علیخان و خواجه محمد قاسم و خواجه سلطان علی احمدآبادی که به مصالحه شرعیه قبول نمودند همگی و تمامی حاصل برگ توت مزرعه احمدآباد خواف که در معامله سنه بارس‌ئیل عن [جمله؟] سرکار فیض آثار به مقدار چهار من ابریشم به وزن معمول از وکیل معین نواب سیادت و نقابت پناه‌امارت و فضیلت عز‌العالی مدظله السامی [زیناً للسیادة و النجابة و الامارة و الحکومة و العظمة و الحشمة و العز و الاقبال قاضی سلطان متولی] مقدر و مشروط آنکه مقدار مذکور را به موجب برات سرکار فیض آثار تنخواه نمایند. تحریراً فی تاریخ شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۰۱۰.

سند بمضمونه، العبد الاقل کمال‌الدین محمد [مهر:] ناخوانا

بحضور العبد حاجی درویش‌علی [مهر:] ناخوانا

العبد الاقل محمد هاشم

سند بمضمونه، العبد الاقل خواجه محمد قاسم [الاعلی؟]

بحضور الاقل سالار [مهر:] ناخوانا

[پشت سند:] تمسک التزام احمدآباد

هو، جناب رفعت پناه مستوفی الملکی، تمسک مذکوره در دفتر ثبت نموده، شرط نامچه

نوشته. بیض شد

[مهر:] عبده تقی‌الدین محمد حسینی

## سند ۶۱: متن تمسکات در دفتر توجیهات (شماره سند ۳۱۸۹۹/۱۲)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه لوی‌ئیل

توجیهات\_\_\_\_\_

و مقررات\_\_\_\_\_

مقررات\_\_\_\_\_

صورت\_\_\_\_\_

احکام و غیره

مشهد مقدس

تمسکات و غیره سرکار فیض آثار

تمسکات

<p>تمسک</p> <p>به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۸، به اسم حیدربیک سمسار، از بابت کرایه یک در دکان واقع در بازار نو محدود به دکان درویش سلطان پوستین دوز لغایت یکسال به قرار هر ماه ۴۰۰ دینار عراقی ۴۸۰۰ دینار خراسانی ۵۷۶۰ دینار</p>	<p>تمسک</p> <p>به تاریخ شهر رجب سنه ۱۰۳۸، به اسم خواجه محمدصادق خیاط از بابت کرایه یک باب دکان خیاطی که واقعست به قرب کاروانسرای سلطانم محدود به دکان استاد عاشوراء سمسار به قرار هر ماه دوپیست و پنجاه دینار عراقی</p> <p>عدد</p>
<p>تمسک</p> <p>به تاریخ شهر ذی حجه سنه ۱۰۳۷، به اسم سالاران قریه روشناوند از بابت اجاره محصولات سفیدبری و سبزیری لوی ئیل قریه مذکوره</p> <p>نقــــــــــــــد غــــــــــــــله</p> <p>۲۰ تومان خراسانی</p> <p>مناصفه به وزن سیصد و سی و شش مثقال معمول جنابذ، ۴۵۵ دینار</p>	<p>تمسک</p> <p>به تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۸ به اسم استاد محمدرضا دوات ساز، از بابت کرایه دکان دوات سازی واقع در بازار آغاچه نزد حمام، لغایت شش ماه هر ماه به مبلغ دوپیست و پنجاه دینار عراقی</p> <p>عدد</p>
<p>تمسک</p> <p>به تاریخ ۱۵ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۳۸، به اسم محمد علی بقال، ولد علی دوست از بابت قیمت زردک مزرعه کنه بیست به موعده سه ماه خراسانی ۸ تومان</p>	<p>تمسک</p> <p>به تاریخ شهر رجب سنه ۱۰۳۸، به اسم استاد درویش محمد چاقشوردوز از بابت کرایه نصف دکان چاقشوردوزی که واقعست در راست بازار بزازان به قرب دکان خواجه عرب لغایت شش ماه، هر ماه به مبلغ سیصد دینار عراقی</p> <p>عدد</p>

سند ۶۲ و ۶۳: اجاره‌نامه خان (کاروانسرا) واقع در دروازه عیدگاه به مدت یکسال به مبلغ هشت تومان تبریزی (شماره سند ۴۲۲۲۴)

هو

معتبرف شدند رفعت آبايان، عزت [قیابان؟]، موسی ولد اسمعیل ملتانی و خواجه محمدحسین ولد استاد بشیر حلاج مشهدی از وکلاء نواب عالی حضرت، سیادت و نقابت پناه، امارت و حکومت دستگاه، شوکت و عظمت انتباه، دولت و اجلال اکتناه، عالی‌جاه اکابر ملاذ، قدوة اعظام السادات و الاهالی، زبده الامراء و الاعانی خلد ظل العالی [شمساً للسیاده و الانقابه و الاماره و الحکومه و الشوکتة و العظمتة و الاعزته و الاقبال، قاضی سلطان متولی] همگی و تمامی کل تکیه خان واقع در دروازه عیدگاه محدود به شارع از سه جانب و به خانه الله‌وردی نقاره‌چی و به بارو و با جمیع توابع و لواحق ممر و مدخل از تاریخ تحت فعالیت یکسال تمام هلالی با اجرت مبلغ هشت تومان تبریزی زر شاهی پنج دانگی رایج خراسان که در عرض مدت مذکور رسانند تا مودی شود. مواجره صحیحه شرعیه و جرا ذلک فی تاریخ ۱۴ شهر ذیحجه الحرام سنه عشر و الف.

شهو

توصیف<sup>۲</sup> و اعتراف اسکندر بن امیر شیرازی و قاسمعلی بن محمد مشهدی

برین موجب قبول است. [مهر: الله]

برین موجب قبول است. [مهر: اقل العباد محمدحسین.]

[حاشیه بالای سند سمت راست: مهر ناخوانا]

[حاشیه بالای سند سمت چپ، مهر: الهی بحق مصطفی و ابن عمه و بعضة و ابنیه و تسعة الغری اقل العبد عبدالمناهی بحبهم یا کاشف الضری محمد بن بدر الدین]

[پشت سند:]

تمسک

مستأجران خان عیدگاه

هو

جناب رفعت پناه، مستوفی الملکی، تمسک اجاره کاروان سرای درب عیدگاه شده را در دفتر ثبت نموده، شرط‌نامه‌چہ نویسند. بیض شد.

[مهر: عبده، تقی‌الدین محمد حسینی]

۱. جمله بالای سند ممتازنویسی شده است.

۲. اصل: توسیف.

سند ۶۴: متن سند اجاره‌نامه در دفتر توجیحات، اجاره مزرعه دهشک (شماره سند ۷/ ۳۵۲۸۴)

هو  
انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار سنه اودئیل  
توجیحات  
و مقررات  
مقررات  
صورت  
المذکور  
ق رار  
اجارات

مزرعه

گوسلوک و غیره<sup>۱</sup>

مزرعه

دهشک، از قرار اجاره عالی قدر آقا محمدرضای قدیمی به تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۱۴۶، آنکه معترف شد عالی قدر آقای آقا محمدرضای قدیمی زراعت سفیدبری و سبزیری همگی و تمامی موازی دو زوج مزرعه دهشک، وقفی سرکار موهبت آثار را از وکلاء اجلاء عالی‌جاه اسلام و اسلامیان ملاذی، میرزا محمدرضا المتولی، مقطعا قبول نمود که به بذر سرکار و به مال و رجال خود زراعت نماید. از ابتدا نسق مستدرک بارس‌نیل، مادام که خواهد و ذوق و شوق داشته باشد و در هر سال از سنوات آتیه آنچه حساب اقدس الهی حاصل در محل مزبور در باقی سرکارات کرامت فرماید، از آن قرار سفید بر و سبزیر را سرکار وکلاء عالی‌جاه معزی الیه مهمسازی نموده، به عذر و بهانه موقوف و معطل ندارد و هر گاه احدی بهم رسد و چیزی بر مقطع مذکور اضافه نماید آن اضافه با مقرر مذکور خواهد بود. مشروط آنکه اراضی آیش هر سال محال مذکور را شه‌یار نموده، معطل ندارد که اگر اراضی محل مذکور شه‌یار بنماید اختیار فسخ مقاطعه مذکوره با وکلاء سرکار مقدس باشد و مقدار ده خروار غله مثالته بذر مقرری محل مذکور در ذمه مقرر مشارالیه قرار و استقرار شرعی دارد که در محل مذکور زراعت می‌نموده شد و هر گاه دست از زراعت بردارد، مقدار مذکور را با اراضی آیش آن سال محل مذکور، شه‌یار دهقان پسند نموده، تسلیم وکلاء سرکار نماید و به عذر و بهانه موقوف و معطل ندارد.

شرح رقم به تاریخ آنکه کُتاب عالی حضرت، سلالة النجبایی مستوفی سرکار موهبت آثار، نوشته وی و مقاطعه محصولات و مزارعه مزرعه دهشک را در دفتر سرکار مقدس ثبت و ضبط نموده، سال به سال حاصل سفیدبری و سبزیری حصه وقفی محل مذکور را از قرار

و باقی سرکارات سرکار عظمت مدار، بندگان ثریامکان عالی، ابواب جمع و تنخواه ارباب و حوالات سرکار و مقطوع نامچه به قیود لازمه قلمی نمایند.

سند ۶۵ و ۶۶: محضر در مورد باغچه ورثه میرقاسم که تبدیل به داش خانه شده است (شماره سند ۲۸۵۹۲)

هو

استشهاد و استخبار و استعلام می‌رود از جمعی مؤمنان خیراندیش که اطلاع داشته باشند که باغچه ورثه میرقاسم واقع در کوچه کاریز قبل ازین، مدت ده سال است که داشخانه شده و داشخانه‌اش نیز برطرف شده است، اسم شریف خود را درین صحیفه ثبت نمایند که در عند الله و عند رسول ضایع نمی‌شود.

شاهد ام، العبد محمد ابراهیم که باغ مذکور داشخانه شد.

شهد بما فیه، محمد صالح الرضوی

شهد بما فیه، محمد زمان الرضوی [مهر:] ناخوانا

شهد بمضمون المسطور، سیف‌الدین محمد الرضوی [مهر:] ناخوانا

شهد بما فیه، محمد اشرف الرضوی

شهد بمضمونه المسطور، العبد الاقل حسن الرضوی [مهر:] عبد حسن الرضوی، ۱۰۸۱.

نسخه درین صحیفه قلمی بیان واقعت و خلافی نیست. العبد الاقل حاجی محمد جعفر [مهر:] امام جعفر صادق

آنچه قلمی شد بیان واقعت و خلافی ندارد. حرره العبد الاقل محمد تقی الرضوی [مهر:] خاک ره، محمد تقی

آنچه درین صحیفه قلمی شده، بیان واقعت و خلافی ندارد. العبد محمد بدیع الرضوی [مهر:] ناخوانا

شهد بما فیه العبد الاقل، ابوطالب رضوی [مهر:] خاک ره علی، ابوطالب، ۱۰۷۸.

[پشت سند:]

محضر

از بابت حق الشرب باغچه ورثه میر قاسم، سنه اودئیل

هو

کتاب نجابت و رفعت و معالی پناه، توفیق آثاری رفیع مقداری مستوفی القابی، چون از مضمون محضر ضمن که به مهر جمعی از سادات رفیع الدرجات رسیده، معلوم و مستفاد شد که باغچه ورثه میر قاسم واقعه در محله کوچه کاریز قبلاً به مدت ده سال داشخانه شده و او نیز برطرف شده، هر باب که محضر مزبور را در دفتر ثبت و ضبط نموده، برات

تحصیلداران حق الشرب سنوات ایام تولیت داعی دوام دولت قاهره مجری و من بعد حواله ندارند. بیض شد. [مهر:] تقی‌الدین محمد الرضوی. ثبت شد.

سند ۶۷: متن محضر در دفتر توجیهاات، استشهاد در خصوص آب طاحونه سربند گلستان (شماره سند ۳۲۷۳۷)

هو

انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه تنگوزئیل

توجیهاات\_\_\_\_\_

و مقررات\_\_\_\_\_

مقررات\_\_\_\_\_

صورت\_\_\_\_\_

المذکور

محضر\_\_\_\_\_ [صح]\_\_\_\_\_

در باب آنکه آب طاحونه سربند گلستان را به دستور سنوات به مزرعه منزل آباد برده‌اند. آنکه استشهاد و استعلام می‌نماید از جمعی مؤمنین که علم ایشان محیط باشد به آنکه آب رودخانه سربندگلستان را که طاحونه واقع در آن سربند از قدیم الایام بر آن آب دایر و متولیان جلیل‌القدر سرکار فیض آثار جهت صرفه و غبطه سرکار، طاحونه مذکوره را از مالکان آن به مقدار پانزده خروار مثالته به موجب که در دفاتر سرکار فیض آثار مضبوط است، اجاره نموده، آب آن را از تنوره طاحونه مذکوره انداخته، از سنوات سابقه تا حال به قریه منزل آباد من عمله املاک سرکار فیض آثار برده و می‌برند که اسامی شریف خود را در ذیل و حواشی این عربضه ثبت نمایند، که عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد شد.

[حاشیه پایین صفحه: اسامی شاهدان]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلاف ندارد. حرره حاجی منصور [ترغدری؟] مهر  
مضمون مسطور بیان واقعت و نیکی و راست در آن است. الشاهد علی ذلک محمد  
حسین [ترغدری؟] مهر

الشاهد علی ذلک، سالار محمد علی منزل آبادی

الشاهد علی ذلک، سالار درویش علی منزل آبادی

میر حسن منزل آبادی اظهار شهادت می‌دارد که آب طاحونه مزبوره تا حال به مزرعه منزل آباد رفته جهت صرفه و غبطه سرکار، مهر.

سالار محمد هاشم منزل آبادی ادای شهادت می‌نماید که آب طاحونه مزبوره منزل آباد جهت صرفه و غبطه سرکار به اجاره می‌برده‌اند. مهر

الشاهد علی ذلک، سالار شاه محمد منزل آبادی  
 الشاهد علی ذلک، سالار سلطان منزل آبادی  
 الشاهد علی ذلک، حاجی محمد تقی [ترغدری؟]  
 الشاهد علی ذلک، استاد محمد امین نجار [ترغدری؟]  
 الشاهد علی ذلک، خواجه محمد کاظم گلستانی  
 الشاهد علی ذلک، سالار عوض گلستانی  
 الشاهد علی ذلک، دوست محمد حصاری  
 در سنه تنگوزئیل موقت معمول سنوات سابقه آب مذکور شرب زراعت منزل آباد شده،  
 حرره العبد الاقل محمد امین صاحب نسق سرکار فیض آثار، مهر

سند ۶۸ و ۶۹: وکالت نامه میر محمد مقیم به محمد علی باقر برای دریافت وظیفه  
 (شماره سند ۵۳۷۶۵)

هو

عرض ازین کلمات شرعیه آنکه حاضر شد در محکمه علیه عالیه اسلامیة مشهد مقدس  
 معلی مزکی، سیادت و نجابت پناه، صلاحیت و تقوی شعار، میر محمد مقیم ولد میر  
 عبدالرحیم که از جمله اولاد میرکمال الدین حسن استرآبادی است و وکیل شرعی خود  
 گردانید رفعت و معالی پناه، محمد علی باقر ولد درویش علی آقای مشهدی را در باب  
 آنکه از ابتداء تنگوزئیل هرساله مبلغ شش تومان تبریزی نقد و مقدار پانزده خروار غله  
 مناصفه که همه ساله حسب الحکم جهان مطاع آفتاب شعاع، از سرکار فیض آثار به  
 وظیفه مشارالیه مقرر است باز یافت و بجهت موکل مزبور خود ضبط و در هر باب عن آنچه  
 لازمه وکالت است معمول و مرتب گرداند و این چند کلمه حسب الاعتراف موکل مزبور  
 بجهت وکالت نامچه مرقوم شد که عندالحاجت حجت شرعی بوده باشد. توکیلا صحیحاً  
 شرعياً و کان ذلک فی تاریخ ۲۷ شهر جمادی الاول فی شهر سنه ۱۰۸۳

محل مهر [مهر]: پیرو دین محمد علی

شهد \_\_\_\_\_ هود

فضیلت و صلاحیت دستگاه مولانا محمد هاشم ولد حاجی نورالدین محمد به شهادت  
 استاد طهماسب، مهر

شهد بما فیه، العبد الاقل ابن اسمعیل سکندر بن ابوظالب، مهر

شهد بمضمون، العبد الاقل خواجه علی، مهر

اعترف بما فیه لدی، محل مهر، ملا ابراهیم، محرر

شهد بمضمونه المسطور، العبد الاقل محمد امین، مهر

محل مهر، ملا محمد صادق

شهد بما فیه، العبد عبدالواسع [؟] حافظ در آستانه [مهر]: انّ الله واسع علیم، ۱۰۷۰

[بالای سند:] اعترف بما فيه لدى حرره، محل مهر عالی حضرت شیخ الاسلام مزبوره [-] هو، موافق است با اصل، حرره [مهر:] العبد تاج الدین الموسوی الخادم. [پشت سند:] سواد وکالت نامچه اودئیل میر محمد مقیم.

سند ۷۰: متن وکالت نامچه در دفتر توجیهاات، وکالت میر محمد مؤمن به مولانا محمد صالح برای دریافت وظیفه (شماره سند ۳۲۷۳۶)

هو  
انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه تنگوزئیل  
توجیهاات  
و مقررات\_\_\_\_\_  
مقررات\_\_\_\_\_  
صورت\_\_\_\_\_  
المذکور

وکالت نامجات  
وکالت نامچه [صح] \_\_\_\_\_  
و محضر به تاریخ شهر شوال سنه ۱۰۹۳، آنکه باعث بر تحریر این سطور شرعیه آنکه حضرت سیادت و نجابت پناه، فضیلت و کمالات دستگاه میر محمد مؤمن ولد مرحمت و غفران پناه میر اسمعیل طباطبایی در حالت صحت نفس و دور از تصرفات و اقرار شرعیه در هنگامی که متوجه زیارت عتبات عالیات بود، وصی شرعی و وکیل مطلق و نایب مناب خود گردانید، جناب فضیلت و کمالات دستگاه، ستوده اطوار، محامد و ورع آثار، صلاحیت و تقوی شعار، مولانا محمد صالح خالوی خود را که وکالت اخذ و قبض وظایف او از سرکار فیض آثار و سرکار ابدال سلطان و غیره و بدل اجاره خانه که واقع است در پایین پای مبارک نموده، همچنین وکیل است که خانه مذکوره را از قرار تصدیق امنا و اهالی خیرت فروخته، ثمن مبیاعه بازیافت نموده، در وجه غیره برین موجب

حاجی \_\_\_\_\_ قریب  
محمد امین به موجب تمسک حسین به موجب تمسک  
۸ تومان \_\_\_\_\_ ۲ تومان  
مولانا \_\_\_\_\_ ایضاً

محمد صالح مذکور از بابت نسخه مولانا محمد صالح مذکور خود مساعده نموده اند  
تیمیچه که خود طلب دارد، ۳ تومان ۵ تومان  
تسلیم نماید عن آنچه لازمه وکالت و وصایت مطلقه بود و صرفه و غبطه او را در آن داند.

موافق شرع شریف معمول و ترتیب سرکار وکلاء و وصایه صحیحاً شرعاً لازماً. وکالت نامیچه به تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۰۸۶، آنکه غرض از تحریر این حروف شرعیه آنکه وکیل مطلق العنان خود کردم اقل عباد الله علی طباطبایی، حضرت شرافت و فضیلت پناه، تقوی و ورع آتاری، مولانا محمد صالحا فراش حرم محترم که آنچه به طریق ارث شرعی از مرحمت و غفران پناه میراسماعیل به فقیر منتقل گردید از وظیفه و غیره به طریقی که صلاح و حال فقیر در آن باشد بیع نمودم آنچه از لوازم امر وکالت [پشت سند]: فروگذاشت ننماید و این چند کلمه به جهت حجت سمت تحریر یافت. شرح محضر آنکه استشهاد و استعلام و استخبار می‌رود از جمیع سادات عظام و نقباء الکرام و علماء عظام که علم ایشان محیط به شرح باشد براینکه اولاد سیادت و نجابت پناه میر اسماعیل طباطبایی منحصر است به سیادت و نجابت پناهان میرمحمد علی و میر محمد مومن، اسامی خود را درین صحیفه ثبت نمایند که عند الله ماجرت و مناب خواهد بود. اولاد مرحمت و غفران پناه منحصر است در سیادت و نجابت پناهان متن مذکور و من الشاهدین طیب علی، محل مهر

درین وقت اولاد مرحمت پناه مذکور منحصر در مشارالیهما، محمد امین، محل مهر  
اولاد مرحوم مزبور منحصر در سیادت پناهان مزبور است. محمدتقی محل مهر  
اولاد مرحمت پناه منحصر است در مشارالیهما ابو ابن غیاث الدین محمد سلطان محمد  
الرضوی، محل مهر  
درین وقت اولاد مرحمت پناه مزبور منحصر در مشارالیهما است. محل مهر

سند ۷۱ و ۷۲: عریضه محمدابراهیم جهت صدور برات مربوط به تحصیلدار محال  
اسفراین و جوین از دفتر آستان قدس به خاطر مفقود شدن اصل آن (شماره سند ۲۸۵۶۷)

هو

عرضه داشت کمترین بنده‌گان محمدابراهیم، به ذروه عرض وکلاء اجلاء نواب عالی  
می‌رساندکه برات به مبلغ یکصد بیست پنج تومان تبریزی به اسم تحصیلدار محال اسفراین  
و جوین از دفتر سرکار به صیغه تحویل کمترین گذشته و برات مزبور در نزد کمترین مفقود  
شده، استدعا آنکه مقرر فرمایند که برات مثنی نوشته شود. در عندالله و عند الرسول ضایع  
نخواهد شد. باقی امرکم مطاع.

[حاشیه سمت راست]: هو، حقیقت به قلم آید.

[حاشیه بالای سند، دستور متولی به مستوفی]: هو، کُتاب عالی حضرت سلاله النجبایی،  
مستوفی سرکار، عریضه مزبوره را ثبت و ضبط و برات مثنی به شرح و تاریخ قلمی نمایند.

تحریرا فی شهر شوال المکرم من شهور سنه ۱۱۴۲

[مهر]: تقی الدین محمد الرضوی [؟]

[پشت سند:]

هو، به عرض می‌رساند که در هذه السنه مبلغ یکصد و بیست و پنج تومان تبریزی از جمله تحویل عارض به موجب برات به تاریخ شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۴۲ به اسم تحصیلدار مال و جهات هذه السنه محال اسفراین و جوین از دفتر سرکار گذشته باقی مختارند.  
[مهر:] حسبنا الله و نعم الوکیل، محمد، ۱۱۰۴

سند ۷۳: متن عریضه در دفتر توجیهاات، عریضه اعراب بیچاره در خصوص عدم دریافت وجوهات از ایشان (شماره سند ۳۳۳۸۴)

هو  
انجام مهمات\_\_\_\_\_ و معاملات\_\_\_\_\_ سرکار فیض آثار سنه توشقان نیل  
توجیهاات\_\_\_\_\_  
و مقررات\_\_\_\_\_ و مقررات\_\_\_\_\_ صورت\_\_\_\_\_ المذکور  
ع\_\_\_\_\_ رایض

عریضه  
به اسم کربلایی گداغلی و باقی اقوام اعراب بیچاره ساکن قریه [خرمنه؟] رعیت سرکار که از قدیم الایام تا حال رعیت سرکار و سال به سال مال و جهات و رعیتی خود را داده ایم و مدت شصت هفتاد سال است که در قریه مذکوره ساکن شده ایم و هرگز یک دینار احدی به خلاف حساب از فقیران نگرفته و مستمر و معمول نبوده. الحال ارباب قریه مذکوره از راه تعسیر مبلغی به علت سرشمار و خانه شمار، دست انداز بوطمعی و توقعی می‌نماید و چون فقیران به رعیت سرکار فیض آثار واصل بوده که عرض نماییم، استدعا آنکه دو کلمه مساعد و [؟] شفقت فرمایند که ارباب قریه مزبور مزاحمت به احوال فقیران نرساند که عندالله ضایع نخواهد شد. شرح رقم عالی جاه اسلام ملاذی متولی به تاریخ ۸ شهر جمادی الاول سنه ۱۱۱۱، آنکه چون صاحب عریضه شرح متن عرض نمود که از جمله رعایاء سرکار فیض آثار و مدت‌هاست در قریه مزبوره ساکن و به علت خانه شمار و سرشمار متعارف و معمول نشده که چیزی به احدی بدهند. و درین وقت ارباب قریه مزبوره به علت طمع و توقع خود تعدیات می‌نماید. بنابراین به عهده محصل هذه السنه [ایل؟] مزبور که به حقیقت متعدیه معروضه رسیده، هر گاه عارض رعیت سرکار نموده [؟] نگذارد که احدی مانع و مزاحم [پشت سند:] او شده به خلاف حق و حساب چیزی از او باز یافت نماید.



## فهرست تصاویر اسناد

شماره تصاویر	موضوع	شماره سند آرشیو
۱	تصویر سند صفحه شماری شده	۳۲۳۶۲/۱
۲	تصویر مهر وصل	۲۸۵۹۳/۴
۳	تصویر آغاز متن که با طومار شروع شده است.	۲۸۵۹۳/۱
۴	نمونه سند پروانچه، پروانچه شاه سلیمان مبنی بر پرداخت وظیفه حافظی عمارت و گنبد حاتم بیگ به ملا حیدر قاری	۱۵۱۱۸۱/۱
۵	تصویر پشت سند پروانچه	۱۵۱۱۸۱/۲
۶	سواد پروانچه، سواد پروانچه در مورد پرداخت وظیفه به واعظ استرآباد	۲۲۸۰۵/۱
۷	پشت سند تصویرسواد پروانچه	۲۲۸۰۵/۲
۸	پروانچه در دفتر توجیحات، متن پروانچه در دفتر توجیحات با موضوع پرداخت وظیفه به فراش	۳۱۸۹۹/۷
۹	تصویر عبارت ممتازنویسی شده و طغرا در رقم	۱۵۱۱۸۳/۱
۱۰	رقم شاه سلطان حسین پرداخت وظیفه به فرزند ملا محمد ابراهیم نایب‌الصداره مشهد	۱۳۴۱۸/۱
۱۱	پشت سند رقم تصویر	۱۳۴۱۸/۲
۱۲	سواد رقم برقراری مواجب و وظیفه شیخ احمد مسیح برای فرزندش	۴۴۹۴۹/۱
۱۳	تصویر پشت سواد رقم	۴۴۹۴۹/۲
۱۴	متن رقم در دفتر توجیحات در پاسخ به فصول متولی در باب همکاری حکام و بیگلربیگیان با وی برای آباد کردن املاک موقوفه	۳۳۳۸۰/۳ و ۴
۱۵	مثال صدر در خصوص وضعیت موقوفات مزرعه رزان	۱۵۵۵۸۷/۲

۱۵۵۶۰۴/۱	سواد مثال صدر در مورد واگذاری شغل حافظی به فرزند حاجی محمد حافظ	۱۶
۶۲۲۹۶	متن مثال در دفتر توجیهات درخصوص واگذاری استیفاکل موقوفات ممالک محروسه به میرزا محمد محسنا و تعیین مواجب برای وی	۱۷
۳۰۴۳۰/۲	سواد خطاب پرداخت عشر و ده نیم سیورغالات الکاء خراسان به حاج بیگ محمد محصل	۱۸
۳۰۴۳۰/۱	تصویر پشت سند خطاب	۱۹
۳۴۳۶۰/۱۷	متن خطاب در دفتر توجیهات به صاحبان سیورغالات و متولیان بقاع مقدس مازندران و استرآباد، در خصوص پرداخت عشر و ده نیم و حق‌النظاره به محمد صادق بیگ محصل	۲۰
۳۰۴۴۱/۱ و ۲	رقم متولی به مستوفی در خصوص پرداخت مرسوم چاهخو	۲۱
۳۱۸۹۹/۴	رقم متولی در دفتر توجیهات در خصوص تأیید اسناد و نوشته جات شربت‌خانه توسط حکیم	۲۲
۲۸۵۴۵	تعلیقچه متولی در خصوص واگذاری خدمت صاحب‌جمعی عصارخانه به محمد سعید	۲۳
۳۵۴۷۵/۲ و ۳	تعلیقچه متولی در دفتر توجیهات درخصوص پرداخت وظیفه به ملا جمال‌الدین محمد از بابت محصولات باغات دررود نیشابور	۲۴
۳۵۴۷۵/۶	متن تصدیق متولی در دفتر توجیهات، پاسخ متولی به عریضه خادم و کفشبان	۲۵
۳۳۱۸۱/۲	تصویر صدر حساب و گوشوار	۲۶
۳۲۳۷۸/۱	تصویر دفعه و بابت	۲۷
۳۳۴۰۱/۱	تصویر حشو و بارز در رساله فلکیه و در سند آستان قدس	۲۸
۳۱۹۸۵/۷۰	تصویر علامت ترقین	۲۹
۳۲۹۸۲/۲	تصویر علامت ترقین	۳۰
۳۲۳۶۲/۳۳	تصویر علامت جایزه	۳۱
۳۲۹۸۲/۲	تصویر علامت تماما رسید	۳۲
۳۱۷۷۸/۹	تصویر «داخلا شد» از رساله کرمانی و اسناد آستان قدس	۳۳
صفحه ۱۲۸	تصویر روزنامه‌چه در (رساله سیاق ابواسحق کرمانی)	۳۴
۳۱۷۷۱/۱	تصویر صدر حساب روزنامه‌چه در آستان قدس	۳۵

۳۴۶۴۹/۵	تصویر واژه «خالی»	۳۶
۳۴۳۷۲/۱	یادداشت‌های دفتر روزنامه‌چه	۳۷
۳۳۳۸۷/۱۷	روزنامه‌چه جمع و خرج صاحب‌جمعان سرکار در مورد نذر سرعلم به روضه منوره و نصب آن در ضریح	۳۸
۳۱۹۷۲/۱	تصویر صفحه اول دفتر اوارجه	۳۹
۳۳۲۰۲/۸	تصویر مفرده و منذلق	۴۰
صفحه ۱۶۵	دفتر اوارجه در دیوان (رساله سیاق ابواسحق کرمانی)	۴۱
۳۲۳۷۲/۵	دفتر اوارجه در آستان، ابواب المال، سیورغالات	۴۲
۳۵۳۸۵/۱	تصویر رقم وجهه	۴۳
۳۲۳۲۸/۲	تصویر علامت صح	۴۴
صفحه ۱۵۰ و ۱۴۹	تصویر دفتر توجیهات در دیوان (رساله سیاق ابواسحق کرمانی)	۴۵
۳۱۸۶۸/۱	تصویر دفتر توجیهات در آستان قدس، در خصوص قبض سفره چیان مبنی بر دریافت مواجب	۴۶
۳۳۵۸۸/۱	تصویر دفتر مجمل، پرداخت بخشی از وجوهای نقدی و جنسی موقوفات آستان قدس در مشهد و ولایات به افراد	۴۷
صفحه ۱۴۳	تصویر برات در رساله سیاق ابواسحق کرمانی	۴۸
۵۳۷۳۱/۲ و ۴۵۱۲۱/۳	برات آستان قدس با موضوع حق السعی	۴۹
۴۵۱۲۱/۴	تصویر پشت سند برات	۵۰
۳۳۳۷۸/۱ و ۲	متن برات در دفتر توجیهات در خصوص تعمیر عمارات چهارباغ مشهد	۵۱
۲۸۶۸۸/۲	شیوه ممتازنویسی در پشت سند قبض	۵۲
۲۷۷۰۳	تصویر علایم پشت سند قبض	۵۳
۲۲۸۰۴/۱	قبض وصول	۵۴
۲۲۸۰۴/۲	پشت سند قبض وصول	۵۵
۴۴۹۸۲/۱۵	تسعیرنامه‌چه درخصوص قیمت اجناس در نیشابور	۵۶
۴۴۹۸۲/۱۸	پشت سند تسعیر نامه‌چه	۵۷
۳۵۳۸۲/۵	متن تسعیرنامه‌چه در دفتر توجیهات	۵۸
۴۲۲۲۸/۱	تمسک التزام مزرعه احمد آباد	۵۹

۴۲۲۲۸/۲	پشت سند تمسک	۶۰
۳۱۸۹۹/۱۲	متن تمسکات در دفتر توجیحات	۶۱
۴۲۲۲۴/۱	اجاره‌نامه خان (کاروانسرا) واقع در دروازه عیدگاه به مدت یکسال به مبلغ هشت تومان تبریزی	۶۲
۴۲۲۲۴/۲	پشت سند اجاره	۶۳
۳۵۲۸۴/۷	متن اجاره‌نامه در دفتر توجیحات، اجاره‌نامه مزرعه دهشک	۶۴
۲۸۵۹۲/۱	محضر در مورد باغچه ورثه میرقاسم که تبدیل به داش‌خانه شده است	۶۵
۲۸۵۹۲/۲	پشت سند محضر	۶۶
۳۲۷۳۷/۱	متن محضر در دفتر توجیحات، استشهاد در خصوص آب طاحونه سربندگلستان	۶۷
۵۳۷۶۵/۱	وکالت‌نامه میرمحمد مقیم به محمدعلی باقر برای دریافت وظیفه	۶۸
۵۳۷۶۵/۲	پشت سند وکالت‌نامه	۶۹
۳۲۷۳۶/۱ و ۲	متن وکالت در دفتر توجیحات، وکالت میرمحمد مؤمن به مولانا محمدصالح برای دریافت وظیفه	۷۰
۲۸۵۶۷/۱	عریضه محمدابراهیم جهت صدور برات مربوط به تحصیلدار محال اسفراین و جویین از دفتر آستان قدس به خاطر مفقود شدن اصل آن	۷۱
۲۸۵۶۷/۲	پشت سند عریضه	۷۲
۳۳۳۸۴/۱ و ۲	متن عریضه در دفتر توجیحات، عریضه اعراب بیچاره در خصوص عدم دریافت وجوهات از ایشان	۷۳

## واژه‌نامه

ابتیاع: خریدن اجناس  
ابواب المال: منابع درآمد، منابع مالیاتی  
اجرت: به معنی مزد کار، دستمزد، کرایه و مال الاجاره است.  
احشامات: خدام، خدمتگزاران  
اخراجات: هزینه‌ها، خرج‌ها، مالیات  
اراضی آیش: زمین کشاورزی که یک سال در آن زراعت نکرده باشند و از حیث قوه و استعداد برای کشت و زرع و بار آوردن محصول آماده باشد.  
ارباب التحاویل و التحاصیل: تحویلداران و تحصیلدارانی که وظیفه داشتند وجوهات را در دیوان یا آستان قدس تحویل بگیرند و جمع‌آوری کنند.  
الفاضل: اگر خرج بیشتر از جمع بود واژه «الفاضل» نوشته و در ذیل آن خرج اضافی نوشته می‌شد.  
أمهات: به واژگانی که قرینه و همراه با صدرحساب بود، أمهات می‌گفتند که در سربرگ هر فرد محاسباتی نوشته می‌شد.  
انعام: در دوره صفوی، نوعی پرداخت علاوه بر مواجب بوده است.  
اوارجه نویسی: امور مالی و حسابداری را در دیوان زیر نظر مستوفی انجام می‌داد.  
بارز: بارز مشتق از بروز است و بروز به معنی ظهور است و در اصطلاح مبلغ و مقداری است که از حشویرون آید. بارز را سمت چپ می‌نویسند.  
باقی (الباقی): در این قسمت، باقی و اضافه خرج نوشته می‌شد.  
برات مثنی: زمانی که براتی ضایع و مفقود می‌شد، دوباره صادر می‌شد و در این صورت عنوان «برات مثنی» داشت.  
بهاء المذکور: یعنی قیمت آنچه ذکر شده است و اگر آنچه ذکر می‌شود متعدد باشد، بهاء المذکور می‌نویسند.  
بوطمعی: طمع داشتن  
بیدنجیر: نوعی گیاه، در آسیا و ایران. روغن دانه‌های این گیاه را کرچک می‌نامند.  
بیع و شراء: خرید و فروش  
بیلداران: بیلدار، کسی که جوی آبی را لایروبی کند یا جوی آب در زمین بکند.

**تحصیل (تحصیلات):** در لغت به معنی حاصل کردن، فراهم آوردن و به دست آوردن است؛ تحصیلدار به معنی جمع‌کننده مالیات است. در عصر صفوی تحصیلداران مأمور جمع‌آوری وجوهات و درآمدها بودند و مجموع دریافتی آن‌ها در دفاتر ثبت و ضبط می‌شد. در تذکرة الملوك آمده است که اسناد خرج دفتری ایشان به مهر وزیر اعظم می‌رسید

**تحویل (تحویلات):** املی تحویل را «حواله کردن» معنی کرده است. شهبهانی تحویل را مبلغ یا مقداری دانسته است که به عهده شخصی می‌گذارند که صاحب جمع و خرج آن باشد. بنابراین در تحویلات، اقلام نقدی و جنسی به صاحب جمعان یا تحویل‌داران داده می‌شد تا برای اموری که مسئول آن هستند هزینه کنند. تخفیف: تخفیف اصطلاحی مالی است که در دیوان کاربرد داشته و برای کاهش دریافت مالیات یا وجوهات و یا بخشش آن طبق دستور شاه استفاده می‌شده است.

**تربیع:** جدا کردن بخش کوچکی از گوشه راست پایین اسناد، و یا ایجاد انحراف در اضلاع شکل چهارگوش سند به منظور باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست. تربیع نجومی، سنتی کهن در اسناد دوره اسلامی است. **ترقین:** در علم سیاق عبارت است از مدی که به صورت «یب» یا «۹» (نُه ریاضی) بر استقامت در عرض بر سر مبلغ باطل شده بکشند.

**تسعیرنامه‌چه:** تسعیر، مصدر باب تفعیل و در لغت به معنی نرخ نهادن، قراردادن نرخ برای چیزی، تقویم و تعیین نرخ و ارزش و بهاء و قیمت.

**تَصَدُّق:** صدقه دادن

**تسعیر:** دشوار ساختن؛ تنگ گرفتن

**تعطیل:** در لغت به معنی بیکار کردن، دست از کار کشیدن، و معطل گذاشتن است. موضوع تعطیل مربوط به کسر اجاره از موقوفاتی بود که به دلیل تعمیر و خرابی تعطیل شده‌اند.

**تعلیق‌چه:** در تعریف دیوانی، نوعی از دیوانیات بوده و با کیفیات متفاوت صادر می‌شد؛ در دوره صفوی به صورت مشابه ارقام و احکام و یا دستخط و یادداشتی که وزیر اعظم یا صدور، کلانتران، ناظران و مأموران عالی‌رتبه در تأیید مسائل دیوانی می‌نوشتند و یا احضارنامه‌هایی بوده که توسط دیوان بیگی یا قاضی برای اشخاص ساکن حوزه قضایی می‌فرستاد.

**تقاوی:** به معنی زری که به مُزارِعان نادر دهند برای درستی کار زراعت. زری که پیشکش به کشاورز دهند برای خرید بذر و جزء آن.

**تکلف:** آنچه از مال خود به کسی دهند. به نظر می‌رسد تکلف نوعی پرداخت موقت مانند جیره بوده است. **تمسک:** سندی بوده که در هنگام قرض دادن از کسی که قرض می‌کرده می‌گرفته تا به عنوان مدرک و شاهی باشد بر این کار.

**تمغا:** در دوره ایلخانان مغول و صفوی، مالیات راهداری و عوارضی که در راه‌ها و دروازه‌ها از کالاهای بازرگانی می‌گرفتند.

**تنخواه:** سرمایه، پول نقد، منفعت از اراضی و مقرری از آن‌ها. برات به خزانه برای ادای وظیفه و مواجب و جیره و جز آن. مینورسکی تنخواه را مبلغ دانسته و البته معنی حواله را از آن مستفاد کرده است.

**تنقیح:** اصلاح کردن، پاکیزه گردانیدن، پیراستن، تهذیب کردن

**تنقیه قنات:** لای‌روبی کردن قنات و راه‌آب.

**تنوره:** عمده‌ترین قسمت آسیاب، تنوره آن است که به صورت مخروطی ناقص و وارونه طراحی و ساخته

می‌شده است. به گونه‌ای که آب ذخیره شده در آن، از روزنی کوچک با فشار، پره‌های سنگ آسیاب را به حرکت در می‌آورد.

**توجیه‌نویس:** کسی است که حواله برات دیوانی را می‌نویسد. شغلی دیوانی که در عصر صفوی ایجاد شد. **تیول:** از اصطلاحات دوره ایلخانان تا قاجاریه است؛ مقصود از آن واگذاری درآمد و هزینه ناحیه معینی است از طرف پادشاه به اشخاص در اثر ابراز لیاقت یا به‌ازای مواجب و حقوق سالیانه. تیول‌دار دارنده تیول است. **جایزه:** خطی که در وقت مقابله یا تصحیح، بر پهلوی مبلغ یا مقدار می‌کشیدند و آن علامت مقابله و صحت حساب است.

**جَمّ غفیر:** جمعیت زیاد

**جوزقه:** غلاف پنبه

**جیره:** نوعی پرداخت جنسی و احتمالاً در قالب خوراک بوده است که به برخی افراد پرداخت می‌شده است. **چاهخویی:** کسی که پیشه‌اش کندن چاه یا لای‌روبی کاربری یا تنقیه است. مقنی، چاه کن. **حشو:** در لغت دل برکنند است و در اصطلاح آنچه را از ابواب جمع یا خرج گویند که محتاج به شرح است و در طرف راست محاسبه نویسند.

**حق الارض:** حق الارض مربوط به درآمدهایی بوده که از بابت واگذاری محل ساخت دکان یا حمام در محدوده موقوفات حرم امام رضا (ع) به دست می‌آمد.

**حق التولیه:** متولی، درقبال انجام اعمال تولیتی خود برای موقوفات، برابر مبلغ قیدشده در وقف‌نامه، حقی دریافت می‌دارد.

**حق الدفن:** از زمان شهادت امام رضا (ع)، دفن اموات در حرم معمول گردید. به همین سبب تشکیلاتی برای نظارت بر این امر شکل گرفت و اخذ مبالغی با عنوان حق الدفن یا حق الارض مرسوم گردید.

**حق الشرب:** حقه، آب بها، پولی است که برای آب ورودی به خانه یا مزرعه پرداخت می‌شود.

**حق المیاه:** یا حق الشرب، یکی از درآمدهای حاصله از واگذاری آب قنوات و چشمه‌های وقفی آستان قدس بود.

**حق النار:** نور سفید دادن به فلزاتی مانند طلا و نقره جهت شکل دادن مناسب به آن‌ها از جهت نقش و نگار و تزئینات روی انگشتر، النگو و امثال آن را در زرگری حق النار می‌گویند. در اصطلاح زرگری، طلاهای شکسته باعیارهای مختلف را در بوته ذوب طلا می‌ریزند و باحرارت دادن به آن ذوب می‌شود و به خاطر اینکه عیارهای متفاوت باهم ذوب شده باید عیار آن را قبلاً زرگر ثبت کند و این همه مراحل حقی دارد بنام حق النار.

**حق النظاره:** حقی مخصوص ناظر موقوفه بود. همچنین در عصر صفوی قسمتی از حقوق صدور، حق النظاره برخی از محالات وقفی - موافق شرط واقف برای آن‌ها - بود.

**حق السعی:** نوعی پرداخت مواجب بود.

**حویجدار:** مسئول نگهداری مواد غذایی در حرم مطهر.

**خانه شمار:** تعیین کردن شماره خانه‌های هر شهر و آبادی. تعیین خراج خانه‌ها.

**دارالشفاء:** نام مرکز درمانی حرم امام رضا (ع)، سابقه مستندات تاریخی آن به اوایل عهد صفوی می‌رسد.

**داشخانه:** آتش‌گاه حمام، کوره آجرپزی.

**دست انداز:** نام نوعی خراج نقدی که پیش از این از قراء می‌گرفته‌اند.

دفاتر محمل: دفتری که در آن حساب‌ها و جمع و خرج‌ها به صورت خلاصه نوشته می‌شد. دفتر اوارجه: مربوط به ثبت جمع و خرج درآمدهای دیوان بوده است. دفتر توجیهات: تمامی هزینه‌های انجام شده در دیوان، در این دفتر ثبت و ضبط می‌شد. دفتر روزنامه‌چه: دفتری است حاوی ثبت روزه‌روز جمع و خرج و مقرر مال و جهات و غیره و صورت احکام و پروانجات و آنچه در دیوان واقع شود که به صورت روز به روز ثبت دفتر روزنامه‌چه می‌شود. دفعه و بابت: عبارت است از خطی که در ابتدای نوشتن قبوض یا بروات کشیده می‌شد.

رتبانی: یا قوت سرخ  
رسم داروغگی: مالیاتی که به سود داروغه گرفته می‌شد.  
رقم بالمشافهه: دستور زبانی. مقابل دستور کتبی.  
زردک: نوعی هویج.  
سبزی بری (سبزی پری): فصل ربیع را گویند که بهار است.  
سبیکه: شمش، تکه سیم یا زر گداخته.  
سرخط: تمسک و قباله.  
سرشمار: مالیات سرانه که از رعایای غیرصحرانشین می‌گرفتند.  
سفره چی: پیشخدمت، مقرب که طعام قسمت کند بر سر سفره.  
سفیدبری (سفیدپری): فصل خریف را گویند که موسم پائیز و برگ‌ریزان باشد.  
سوی المطلق: این اصطلاح مشخص می‌کرد که مبلغی دیگر از حساب، در برات جداگانه نوشته شده و لازم است که تنخواه دهند.  
سیورغال: عواید زمینی که به جای حقوق یا مستمری به اشخاص می‌بخشیدند.  
شریت‌خانه: از بیوتات قدیم آستان قدس در زمینه تهیه و نگهداری مواد غذایی و دارویی.  
شریت‌دان: صاحب جمع شربت‌خانه.  
شرط‌نامه‌جات: شرط در لغت به معنی عهد و پیمان است. قرارداد مکتوب، پیمان‌نامه. رضایی سند شرط‌نامه‌چه در دوره قاجار را همان قرار نامه‌چه دانسته که مفهوم قول و قرار برای رفع اختلاف و شیوه اصلاح امور است.  
شماعی‌خانه: دکان یا جایی که در آن به تهیه و ریختن شمع پردازند.  
شه‌یار: شخم زدن زمین برای زراعت  
شیلان: سفره‌امرا و بزرگان.  
صدرحساب: عبارت بود از اصلی که در اول حساب می‌نوشتند تا مشخص می‌شد که آن حساب شامل چه وجهی می‌شود.  
صراحی: قسمتی از ظروف شیشه یا بلور.  
صفاری: رویگر  
ضابطه‌نویس: یکی از مشاغل دیوانی که امور مربوط به محصولات و مستغلات دیوانی را در حیطه عمل داشت و تحت فرمان مستوفی الممالک کار می‌کرد. مفرده نویس.  
طغرا: در قدیم خطی بوده است منحنی که بر سر احکام ملوک می‌کشیده‌اند.  
طومار نسق: این طومار هر سال تنظیم می‌شده است، صدر یا متولی بر اساس «طومار نسق»، مواجب و

وظیفه را پرداخت می‌کرده‌اند.

عشر و ده نیم: عشر کلمه‌ای عربی و مترادف کلمه فارسی «ده یک» است که هر دو مفهوم یک‌دهم را می‌رساند. عشر و ده نیم مالیاتی بود که از سیورغالات دریافت می‌شد و به مأموران کشوری و لشکری پرداخت می‌شد. عصارخانه: جایی که در آن عصاره می‌کنند. محلی که در آن شیره انگور یا روغن نباتی گیرند.

علیق: خوراک ستور؛ آنچه چهارپایان می‌خورند از کاه، جو، بیده، و علف.

غله مثالته: شامل دو قسمت گندم و یک قسمت جو.

فرد: ورقه‌ای به مقدار نصف قطع خشتی بود که مستوفیان بر آن جمع و خرج ولایتی یا ایالتی یا خرج خاصی را می‌نوشتند و زیر هم دسته می‌کردند. مستوفی این فرد را از طرف طول دولا می‌کرد، تا خطوط ضلع‌ها مقابل هم و مساوی باشند.

فصوص: نگین، انگشتر.

فی التذویب: گدازانیدن، گدازختن روغن.

فیلچه: پیلۀ کرم ابریشم.

قورچی: بازماندگان سواران عشیره‌ای و ایلیاتی سابق. آنان مانند مخازن اسلحه متحرک به کمان و تیر و شمشیر و خنجر و تبر و سپر مسلح بودند.

قیمت‌نامه‌چه: این سند مربوط به اقلامی بوده که توسط بیوتات و دیوان خریداری می‌شده است. معمولاً در این سند نوع جنس، مقدار، تعداد و مبلغ آن درج می‌شد. گاهی اوقات نام و سمت افرادی که جنس را می‌خریدند یا قیمت آن را تأیید می‌کردند نوشته می‌شد.

کرویه (کراویا): گونه‌ای زیره که به نام زیره سیاه یا زیره سیاه کرمانی موسوم و دارای ریشه‌های متورم است.

گوشوار: اگر مد اتصال یعنی واژگانی که در صدر می‌نوشتند بیشتر از پنج واژه بود آن را در «گوشوار» می‌نوشتند. یعنی در سمت چپ ورق تا پنج مد (کلمه) تمام شود و اگر بیشتر از این بود سمت راست ورق می‌نوشتند. مأکول: نوعی خوردنی و خوراک ذکر شده است؛ ولی به نظر می‌رسد در اسناد نوعی پرداخت جنسی بوده است.

مال وجهات: عایدی املاک و اراضی، اجاره اراضی.

مبیع: فروختن، در علم حساب جنسی که در جمع باشد و بفروشند.

محتسب‌الملک: داروغه، مأمور حکومت که وظیفه اش امر به معروف و نهی از منکر است.

مُحَرَّف: تحریف شده؛ ویژگی کلمه‌ای که حرف یا حروفی از آن تغییر داده شده باشد.

محضّر: فتوی‌نامه، گواهی‌نامه، استشهادنامه.

مَدّ: کشیدگی کلمات در سیاق.

مدد خرج: کمک خرج و کمک هزینه

مدد معاش: به مبلغی علاوه بر حقوق که از طرف دولت یا کارفرما به مستخدمان و کارمندان پیردازند تا جبران کمی دستمزد یا سنگینی هزینه زندگی را بکنند و یا زمینی که در وجه معاش کسی، از جانب ملوک مرحمت شود، مدد معاش گفته می‌شود.

مرسوم: به معنی رسوم و حق مأمور، راتبه، مقرری، مواجب، ماهانه و سالیانه، و وظیفه است.

مستدرک: رسیدن، غلات و خضریات در نوروز مستدرک و رسیده می‌شود.

مسعر: نرخ نهاده، قیمت‌گذاری شده.

مسفور: بیان شده، اشاره شده.

مسووده: رونوشت، پیش‌نویس.

مُسَلِّمات: بخشودگی مالیاتی، معافیت.

مُشرف: در دوره صفویه به معنی ناظر به کار رفته است.

مفرده: در لغت به معنی تنها، در اصطلاح سیاق مَدّی که زیر آن جمع نویسند.

مقررات: بخش دوم دفتر توجیهات است که در آن احکام و اجازات ثبت می‌شد.

مقرری: نوعی مواجب، و راتبه است که در قدیم به معنی حقوق، مواجب و وظیفه به‌کار می‌رفته است.

مقطع نامهچه: سندی که بین وکلای متولی و زارع نوشته می‌شد. در واقع اجازه‌نامه به صورت مقطعی بود و شروط در آن ذکر می‌شد.

ممتازنویسی: برجسته‌کردن متن به صورت نوشتن برخی از کلماتِ متن در صدر (بالای سطر) یا حاشیه سطر به نام ممتازنویسی معروف شده است. در ممتازنویسی، بیشتر نام خدا، ائمه، مشایخ و بزرگان - به دلیل احترام - در حاشیه و یا جدا از متن اصلی نوشته می‌شود.

من ذلک: در لغت به معنی از آن جمله. در اصطلاح اهل دفتر، خرج را گویند.

مناصفه: نصف کردن

مندو: نوعی روغن

مهمات و معاملات: دادوستد مالی

مواجب: حقوق

نَفَقَةُ الْقَنَات: نفقه در لغت به معنی هزینه، خرج و اخراجات است. نفقة القنات، اخراجات تنقیه و هزینه‌های حفر قنات توسط چاهخویان بود.

هم‌قلم: از مشاغل دیوانی، شریک و انباز در کتابت.

وظیفه: نوعی پرداخت مالی بوده که در دوره‌های مختلف به افرادی خاص داده می‌شده است.

## فهرست منابع

۱. اسکندربیک منشی. (۱۳۷۷). تاریخ عالم‌آرای عباسی. (ج ۱). تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
۲. ———. (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی. (ج ۲ و ۳). زیر نظر ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
۳. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳)، نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، به اهتمام: احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۴. انوری، حسن. (۱۳۷۳). اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی. (ج ۲). تهران: سخن.
۵. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۶. آرشیو سازمان اوقاف و امور خیریه تهران. پرونده ۲۰. پرونده ۱۹۵ زنجان.
۷. اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۸. آملی، شمس‌الدین، محمد بن محمود. (۱۳۷۷ق). نفایس الفنون فی عرایس العیون. (ج ۱). تصحیح: ابوالحسن شعرانی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۹. بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸). جواهر الاخبار (بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ه. ق). تصحیح: محسن بهرام نژاد. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
۱۰. بوسه، هربرت. (۱۳۶۷). پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی. مترجم: غلامرضا ورهرام. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
۱۱. تبریزی، فلک‌علاء تبریزی، عبدالله بن علی بن محمد. قانون السعاده. شماره ۳۶۹۷. کتابخانه ملی ملک.
۱۲. جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). منشآت سلیمانی. تهران: کتابخانه مجلس.
۱۳. حسن بن علی. (زنده در ۶۹۱). المرشد فی الحساب. شماره ۲۱۸۵۲. تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۴. حسین‌زاده، سالم. (۱۳۸۷). «بررسی دفاتر دیوانی و مالی آستان قدس در عصر صفوی». چاپ شده در دفتر اسناد. (ج ۴). به کوشش زهرا طلایی. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

۱۵. خوارزمی، محمد بن احمد. (۱۳۶۲). *مفاتیح العلوم*. مترجم: حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. رساله در حساب سیاق. (۱۱۰۳ق). نسخه خطی. شماره ۴۲۰۳۳. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۱۸. رضایی، امید. (۱۳۸۵). *جستارهایی در سندشناسی فارسی*. تهران: صائین.
۱۹. ———. (۱۳۸۷). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. توکیو: دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، موسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا.
۲۰. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۲۰۰۴م/۱۴۲۵ق). *مقامات زمخشری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۱. ستوده، منوچهر؛ ذبیحی، مسیح. (۱۳۷۷). *از آستارا تا استارباد*. (ج ۶). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۲. شاد، محمد پادشاه. (۱۳۶۳). *آندراج: فرهنگ جامع فارسی ...*. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: خیام.
۲۳. شاردن، ژان. (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن: متن کامل*. (ج ۳). مترجم: اقبال یغمایی. تهران: توس.
۲۴. شریک‌امین، شمس. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول*. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
۲۵. شهشهرانی اصفهانی، عبدالوهاب بن محمد امین. (۱۳۹۷). *بحر الجواهر فی علم الدفاتر*. تصحیح: علیرضا نیک نژاد. تهران: نشر تاریخ ایران.
۲۶. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۶). «نحوست تربیع و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی ایران». *نامه بهارستان*، سال هشتم و نهم، دفتر ۱۳-۱۴.
۲۷. ———. (۱۳۹۰). «ادب ممتاز نویسی و سیر تحول آن در اسناد دوره اسلامی ایران». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۳، شماره ۱.
۲۸. *علم سیاق (مجموعه)*. نسخه خطی. شماره ۶۵۴۳. تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۹. فروغ اصفهانی، مهدی بن باقر. (۱۳۷۸). *فروغستان: دانشنامه فن استیفا و سیاق*. تصحیح: ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
۳۰. قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۸). *یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی*. تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
۳۱. ———. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. (چ ۲). مقدمه: محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۲. کرمانی، ابواسحاق غیاث الدین محمد کرمانی. (۱۳۹۸). *رساله‌ای در سیاق*. تصحیح: علیرضا نیک نژاد. تهران: نگارستان اندیشه.

۳۳. مازندرانی، عبدالله محمدبن حسن بن کیا. رساله فلکیه. نسخه خطی. شماره ۶۵۴۱. تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۴. مجد، مصطفی (۱۳۸۰). مرعشیان در تاریخ ایران. تهران: رسانش
۳۵. مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۶۱). برگی از تاریخ قزوین: تاریخچه‌ای از آستانه شاهزاده حسین و دودمان سادات مرعشی قزوین. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی.
۳۶. ———. (۱۳۳۵). تربت پاکان: آثار و بناهای قدیم محدوده کنونی دارالمومنین قم، بی جا، بی نا.
۳۷. منجم یزدی، ملا جلال الدین محمد (۱۴۰۰). تاریخ عباسی (روزنامه ملا جلال)، تصحیح: مقصود علی صادقی، چاپ دوم، تهران: نگارستان اندیشه.
۳۸. منشی قزوینی، بوداق. (۱۳۷۸). جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ه. ق. تصحیح: محسن بهرام نژاد. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
۳۹. منشی قمی، احمدبن حسین. (۱۳۸۳). خلاصة التواریخ. (ج ۲). (ج ۲). تصحیح: احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران.
۴۰. میرزا محمد رفیع (۱۳۹۷)، دستور الملوک، به کوشش نوبوآکی کندو، توکیو، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو
۴۱. میرزارفیع، محمد رفیع بن حسن. (۱۳۸۰). دستور الملوک. چاپ شده در کتاب دفتر تاریخ. (ج ۱). به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۴۲. میرزاسمیع، محمدسمیع. (۱۳۶۸). سازمان اداری حکومت صفوی، یا، تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکرة الملوک. (ج ۳). مترجم: مسعود رجب نیا. به کوشش: محمد دبیر سیاقی. تهران: امیرکبیر.
۴۳. نصیری، میرزا علی نقی. (۱۳۷۱). القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه. تصحیح: یوسف رحیم لو. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۴۴. نفیسی، علی اکبر. (ناظم الاطباء). (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. کتاب فروشی خیام.
۴۵. وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله. (۱۳۳۸). تاریخ وصاف الحضرة در احوال سلاطین مغول. به کوشش محمد مهدی اصفهانی. تهران: کتابخانه ابن سی نا.



## نمایه‌ها

### نمایه کسان

- آقا جعفر حویجدار: ۱۰۸.
- آقا رضا: ۱۱۵.
- آقا محمد حسین: ۱۲۶.
- آقا محمد رضای قدیمی: ۱۳۱.
- آقا ملک: ۱۱۵.
- آقا هادی فراش: ۱۱۲.
- آمیرزا شاه تقی الدین: ۱۰۶.
- ابدال سلطان: ۱۳۵.
- ابو ابن غیاث الدین محمد سلطان محمد  
الرضوی: ۱۳۶.
- ابو صالح بن محمد محسن الرضوی: ۹۶.
- ابوطالب الحسینی الموسوی: ۱۰۳.
- ابوطالب رضوی: ۱۳۲.
- استاد بشیر حلاج مشهدی: ۱۳۰.
- استاد حسن چاهخوی: ۱۰۸.
- استاد خواجه انباردار: ۱۲۴.
- استاد رفیعا: ۱۱۵.
- استاد طهماسب: ۱۳۴.
- استاد محمد امین نجار [ترغدري]: ۱۳۴.
- استاد محمد حسن: ۱۰۹.
- استاد محمد سعید: ۱۰۹.
- استاد محمد مؤمن: ۱۱۵، ۱۳۵.
- استاد یادگار نقاش: ۱۱۵.
- اسکندر بن امیر شیرازی: ۱۳۰.
- اسمعیل خان: ۱۱۵.
- اسمعیل ملتانی: ۱۳۰.
- الله وردی نقاره چی: ۱۳۰.
- الله ویردی: ۱۱۵.
- امامزاده اسماعیل: ۳۱.
- بوسه، هریرت: ۹، ۱۰.
- تاج الدین الموسوی الخادم: ۱۰۶، ۱۳۵.
- تقی الدین محمد الرضوی: ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۲۵،  
۱۳۳، ۱۳۶.
- تقی الدین محمد حسینی: ۱۲۸، ۱۳۰.
- جعفرخان میناکار: ۱۱۵.
- جلالیان، سعیده: ۹.

- حاتم بیگ: ۹۵، ۹۶.
- حاج بیک محمد محصل: ۱۰۵.
- حاجی درویش علی: ۱۲۸.
- حاجی محمد امین: ۱۳۵.
- حاجی محمد تقی ترغردی: ۱۳۴.
- حاجی محمد جعفر: ۱۳۲.
- حاجی محمد حافظ: ۱۰۲.
- حاجی محمد رحیم معمار: ۱۲۲.
- حاجی محمد کفش بان: ۱۱۲.
- حاجی ملک محمد: ۱۰۶.
- حاجی ملک محمد ا مشهدی: ۱۰۶.
- حاجی نهال خزانه دار: ۱۱۸.
- حاجی نورالدین محمد: ۱۳۴.
- حافظ محمد صادق: ۱۰۲.
- حسن آبادی، ابوالفضل: ۹، ۱۰.
- حسن الرضوی: ۱۳۲.
- حسن علی سفره چی: ۱۱۹.
- حسین زاده، سالم: ۱۰.
- حسینی، جلال: ۵، ۱۲.
- حصاری، دوست محمد: ۱۳۴.
- حکیم علی: ۱۰۹.
- حیدریک سمسار: ۱۲۹.
- خلیفه سلطان الحسینی: ۱۰۲.
- خواجه اختیارالدین ظفرشاه: ۱۲۱.
- خواجه سلطان محمود: ۱۱۶.
- خواجه عرب: ۱۲۹.
- خواجه علی: ۱۳۴.
- خواجه فریدون حسین: ۵۵.
- خواجه قاسم علی خازن: ۱۲۲.
- خواجه کمال الدین یعقوب شاه: ۱۱۵.
- خواجه محمد بن میربمانی: ۱۱۸.
- خواجه محمد حسین: ۱۳۰.
- خواجه محمد صادق خیاط: ۱۲۹.
- خواجه محمد قاسم: ۱۲۸.
- خواجه محمد کاظم گلستانی: ۱۳۴.
- خوارزمی، محمد بن احمد: ۴۹، ۵۶.
- درویش سلطان پوستین دوز: ۱۲۹.
- درویش علی آقای مشهدی: ۱۳۴.
- درویش محمد چاقشور دوز: ۱۲۹.
- رجبعلی: ۱۱۵.
- رضی الدین محسن انجو: ۱۲۴.
- رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی: ۲۸، ۱۰۲.
- ساگاو، ایچی: ۵، ۱۱.
- سالار درویش علی منزل آبادی: ۱۳۳.
- سالار سلطان منزل آبادی: ۱۳۴.
- سالار شاه محمد منزل آبادی: ۱۳۴.
- سالار عوض گلستانی: ۱۳۴.
- سالار محمد علی منزل آبادی: ۱۳۳.
- سالار محمد هاشم منزل آبادی: ۱۳۳.
- سلطان محمد تحویلدار: ۱۲۲.
- سوهانیان حقیقی، محمد: ۱۰.
- سید زین العابدین: ۱۰۸.
- سید میرمحمد: ۱۰۸.
- سیف الدین محمد الرضوی: ۱۳۲.
- شاردن، ژان: ۴۳، ۶۱.
- شاکری، رمضان علی: ۹.
- شاه برهان: ۱۱۶.
- شاه سلطان حسین (صفوی): ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۳۶.
- ۳۷، ۵۰، ۶۵، ۹۹.
- شاه سلیمان صفوی: ۱۵، ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۳۷، ۹۵.



- محمدزمان الرضوی: ۱۳۲.
- محمدزمان نقاشان: ۱۱۵.
- محمد صادق: ۱۰۸، ۱۰۲، ۹۶.
- محمد صادق بیک محصل: ۱۰۸، ۱۰۷.
- محمد صالح الرضوی: ۱۳۲.
- محمد صالح بن محمد باقر الرضوی: ۱۱۵، ۱۱۰.
- محمد طاهر: ۱۱۵.
- محمد علی باقر: ۱۳۴.
- محمد علی بقال: ۱۲۹.
- محمد علی بیک: ۱۱۵.
- محمد معصوم فراش: ۲۰.
- محمد مقیم الموسوی: ۱۲۵.
- محمد هاشم: ۱۳۴، ۱۲۸.
- مدرّسی طباطبایی، حسین: ۹، ۳۶.
- مسماة صالحه: ۱۰۰.
- معتقدی، ربابه: ۹.
- ملا ابراهیم: ۱۳۴.
- ملا ابوالحسن: ۹۸، ۹۷.
- ملا جمال الدین محمد: ۱۱۰، ۱۱۱.
- ملا حیدر قاری: ۹۵.
- ملا سلطان حسین: ۹۷.
- ملا عبدالواسع: ۱۱۰.
- ملا محمد ابراهیم نایب الصداره: ۹۹.
- ملا محمد حسین: ۱۱۰.
- ملا محمد صادق: ۱۳۴.
- ملا محمد قاسم خادم: ۲۰.
- ملا محمد کاظم: ۸.
- موری موتو، کازوتو: ۶، ۱۱.
- موسی ملتانی: ۱۳۰.
- مولانا ابوالحسن: ۹۷، ۹۸.
- مولانا محمد صالح: ۱۱۵.
- میر اسمعیل طباطبایی: ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۳۵.
- میر حسن منزل آبادی: ۱۳۳.
- میر رضا: ۱۱۵.
- میر رضی: ۱۱۵.
- میرزا ابراهیم نیشابوری: ۱۰۰.
- میرزا ابوالقاسم: ۱۱۴.
- میرزا ابوطالب الحسینی: ۲۰.
- میرزا بیک فندرسکی: ۱۰۲.
- میرزا داود متولی: ۱۱۴، ۱۰۱، ۳۵.
- میرزا رفیع الدین صدر: ۲۸.
- میرزا سید محمد خادم: ۱۰۰.
- میرزا عبدالله خادم: ۱۱۲.
- میرزا عسکری، قاضی سمنان: ۷۴.
- میرزا محسن مستوفی موقوفات ممالک محروسه:
- ۳۱، ۱۰۳.
- میرزا محمد حسن: ۱۱۲.
- میرزا محمد رضا متولی: ۱۳۱.
- میرزا محمد رفیع: ۳۰.
- میرزا محمد زکی: ۱۲۶.
- میرزا محمد مؤمن الحسینی المتولی: ۱۱۹.
- میرزا محمد محسنا: ۱۰۳.
- میر سعید الدین: ۱۱۵.
- میر صالح سفره چی: ۱۱۹.
- میر عبدالرحیم: ۱۳۴.
- میر قاسم: ۱۳۲.
- میر کمال الدین حسن استرآبادی: ۱۳۴.
- میر محمد جعفر: ۸.
- میر محمد علی طباطبایی: ۱۱۲.
- میر محمد مؤمن: ۱۳۵.

- |                        |                             |
|------------------------|-----------------------------|
| میرمحمد مقیم: ۱۳۴.     | نجف بیک: ۱۱۵.               |
| میرمحمد هاشم فراش: ۹۹. | نقدی، رضا: ۱۰.              |
| میرهاشم: ۱۱۵.          | هدایت الله الحسینی: ۹۷، ۹۸. |
| مینورسکی: ۶۴.          | یعقوب: ۱۲۵.                 |
| ناظم الاطباء: ۷۶.      |                             |

### نمایه جای‌ها

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| آستانه حضرت امامزاده عبدالعظیم: ۱۰۴. | توکيو: ۶.   |
| آستانه منوره امامزاده مهدی علی: ۱۰۴. | توکيو، دانشگاه: ۵، ۶.                               |
| آستانه منوره صفیه: ۱۰۴.              | تون: ۱۰۵.   |
| آلمان: ۵، ۱۰.                        | جاغرق: ۱۲۲.   |
| ابوالعز آباد: ۱۰۴.                   | جام: ۱۰۶.   |
| ایبورد: ۱۰۶.                         | جنابند: ۱۰۵، ۱۲۹.                                   |
| اتریش: ۵، ۱۰.                        | جوین: ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۰۵.                                |
| احمدآباد خواف: ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸.        | چهارباغ مشهد: ۱۲۲.                                  |
| استرآباد: ۳۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۷.      | حاتم آباد: ۹۵.                                      |
| اسفراین: ۱۰۵، ۱۳۶، ۱۳۷.              | حسن آباد: ۱۰۴.                                      |
| انار: ۱۱۹.                           | حمام آغچه: ۸۰.                                      |
| اندرهان عابدین: ۱۰۴.                 | خوشان: ۱۰۵.   |
| انگلیس: ۵، ۱۰.                       | خراسان: ۷، ۸، ۵۶، ۹۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۰. |
| ایران: ۵، ۶، ۱۹، ۴۳، ۹۳.             | خرچنگ: ۱۰۲.   |
| بافق: ۱۱۹.                           | خرمنه: ۱۳۷.   |
| بجستان: ۱۰۶.                         | خواف: ۱۲۶.  |
| بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی: ۹۳.      | دارالشفاء: ۸، ۵۴.                                   |
| پایین پای مبارک: ۱۳۵.                | دررود نیشابور: ۱۱۰.                                 |
| تبادکان: ۱۲۲.                        | دستجرد: ۱۰۸.  |
| تبریز: ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۵.           | دهشک: ۱۳۱.  |
| ترشیز: ۱۰۵.                          | رباط طرق: ۱۲۳.                                      |
| توس خراسان: ۷.                       |   |

- رفسنجان: ۱۲۱. قندهار: ۱۰۵.  
 روشناوند: ۱۲۹. کتابخانه مطالعات آسیایی دانشگاه توکیو: ۵،  
 ری: ۱۰۴. ۱۲، ۱۱، ۱۰.  
 زاوه: ۱۰۵، ۱۰۶. کرج: ۱۰۴.  
 ژاپن: ۵، ۱۰. کرمان: ۵۶، ۱۱۸، ۱۱۹.  
 ساری: ۱۰۷، ۱۰۸. کلیجان رستاق: ۱۰۸.  
 سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی: ۵، ۸، ۹، ۱۲.  
 ساوج بلاغ: ۱۰۴. گنبد حاتم بیگ: ۹۵.  
 سبزوار: ۱۰۵. مازندران: ۱۰۷، ۱۰۸.  
 سرپند گلستان: ۱۳۳. مزرعه دهشک: ۱۳۱.  
 سرکار موقوفات غازانی: ۱۰۴. مزرعه رزان: ۲۷، ۱۰۲.  
 سلطانم (کاروانسرا): ۱۲۹. مزرعه شاه طغای: ۱۲۷.  
 سلطانیه: ۱۰۴. مزرعه گوسلوک: ۱۳۱.  
 سمنان: ۷۴. مشهد: ۶، ۷، ۸، ۹، ۵۸، ۹۹، ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۷،  
 سنگ تراشان: ۱۰۸. ۱۳۴، ۱۲۸.  
 عتبات عالیات: ۱۱۲، ۱۳۵. مظفریه: ۱۰۴.  
 عراق: ۳۶، ۵۶. منزل آباد: ۱۳۳، ۱۳۴.  
 عیدگاه: ۱۳۰. مهمانسرا: ۸.  
 فراه: ۱۰۳، ۱۰۵. نصریه: ۱۰۴.  
 فرهادجرد: ۸۸. نیشابور: ۳۶، ۶۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۲۵.  
 قاین: ۱۰۵، ۱۰۶. هرات: ۷، ۱۰۵.  
 هزارجریب: ۱۰۷. یزد: ۱۰۵، ۱۱۹.

### نمایه اصطلاح‌ها

- آهار مهره: ۱۵. اجازه‌نامه: ۱۷.  
 ابتیاع: ۶۱، ۷۶، ۱۰۹. اجرت: ۵۹.  
 ابواب المال: ۵۸، ۸۰، ۱۱۷. احشامات: ۵۸، ۱۱۷.  
 ابواب جمع: ۴۵، ۷۷، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۳۲. اخراجات: ۶۴، ۶۱، ۵۹.  
 اجاره‌نامه: ۴، ۱۱، ۱۵، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۳۰، ۱۳۱. اخطبه بنگریده خطاب: ۱۱۹.

- اراضی آیش: ۱۳۱. ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴،  
 ارباب التحاصیل: ۵۸، ۵۶. ۷۷، ۸۹، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳،  
 ارباب التحویل: ۵۸، ۵۶. ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷.  
 ارقام: ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰،  
 بهاء: ۵۹. ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۵۳، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۶۹،  
 بهاء المذكور: ۶۱. ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴،  
 بیاض شد: ۷۶، ۷۴، ۹۶. ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۷.  
 بیگلریگی: ۲۸، ۳۶، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷،  
 بیلداران: ۸۵، ۱۲۰. ۱۲۳.  
 بیوتات: ۸، ۵۰، ۵۱، ۶۵، ۱۱۳. ارقام بالمشافهه: ۳۷.  
 پروانچه: ۳، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳،  
 استصوابیات: ۱۲۰، ۱۲۲. استشفادنامه: ۷۶، ۸۴، ۱۲۶، ۱۲۷.  
 ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۶، ۵۶، ۶۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۱۸،  
 اعتضاد السلطنة: ۱۹، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰. استصیفا: ۶۱، ۱۰۳.  
 اعتماد الدوله: ۲۵، ۹۹، ۱۰۰. اعتضاد الدوله: ۱۹، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰.  
 افراد (فرد): ۱۳، ۵۷، ۶۲، ۶۶. الف مَحْرَف: ۴۷.  
 الباقي: ۵۹. ام الجراید: ۴۹.  
 الفاضل: ۶۰. أم الحساب: ۴۹.  
 الف مَحْرَف: ۴۷. امثله بنگریده مثال.  
 ام الجراید: ۴۹. أمهات: ۴۴.  
 انباردار سرکار: ۶۹. انعام: ۳۶، ۶۱، ۶۴.  
 انعام: ۳۶، ۶۱، ۶۴. اوارجه: ۱۰، ۱۵، ۱۹، ۳۶، ۴۳، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴،  
 تصدیق: ۳۶، ۵۹، ۶۱. تصدیق صدر: ۳۶. ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۶، ۸۰، ۱۱۵، ۱۱۷.  
 تصدیق: ۳، ۱۱، ۲۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۱۰۰، ۱۰۹،  
 تعطیل: ۵۹. اوارجه نویس: ۱۷، ۵۶.  
 تصدیق: ۳، ۱۰، ۱۱، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۵۳، ۶۴،  
 تفنگچیان: ۱۸، ۱۹. ۶۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۶. اوارچه بنگریده اوارجه.  
 تعمیر: ۶۱. بخشنامه: ۳۱.  
 تفنگچیان: ۱۸، ۱۹. برآوردنامه: ۶۸، ۱۲۲.  
 تفنگچیان: ۱۸، ۱۹. برات: ۴، ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۳۶، ۴۳، ۴۵، ۵۱، ۵۳، ۵۵،

- تفنگچی باشی: ۱۹.
- تقاوی: ۶۱.
- تکلف: ۶۱.
- تماماً رسید: ۴، ۴۸.
- تمسک: ۱۰، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۱۳، ۱۲۸، ۱۳۰.
- تمغا: ۱۱۸.
- تنخواه: ۳۲، ۴۴، ۶۳، ۶۴، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۹۸، ۱۰۴.
- ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸.
- ۱۳۲.
- تنقیح: ۴۹، ۵۸، ۶۲، ۱۲۱.
- تنقیه فئات: ۵۱.
- توجیه (دفاتر توجیه) بنگرید به توجیهات
- توجیهات: ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷.
- توجیه نویسن: ۶۱.
- تومان تبریزی: ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۳۰، ۱۳۴.
- ۱۳۶، ۱۳۷.
- تیول: ۲۳، ۳۶، ۶۱.
- جایزه: ۴، ۴۷، ۴۸، ۶۴، ۶۶.
- جریده التعلیق: ۴۹.
- جمع و خرج: ۱۳، ۱۴، ۴۳، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۵، ۶۶، ۱۱۳، ۱۲۰.
- جیره: ۶۱.
- چاهخویی: ۵۱، ۱۰۸.
- حافظ حرم: ۲۷، ۱۰۲، ۱۰۳.
- حساب نویسن: ۱۵.
- حشو و بارز: ۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸.
- حق الارض: ۵۶، ۵۸.
- حق التولیه: ۲۸، ۳۶، ۵۹، ۱۰۵، ۱۱۰.
- حق الدفن: ۵۶.
- حق السعی: ۲۸، ۳۱، ۵۹، ۶۸، ۱۲۱.
- حق الشرب: ۸۵، ۱۳۲، ۱۳۳.
- حق المیاه: ۵۶، ۵۸.
- حق النار: ۱۱۷.
- حق النظاره: ۳۶.
- حکیم: ۲۳.
- حلوای شبهای جمعه: ۱۲۳.
- حواله: ۱۷، ۴۹، ۶۱، ۶۴، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۳.
- حویدار: ۱۰۸.
- خادم باشی: ۸، ۹۹.
- خادم مسجد بالای سر مبارک: ۲۰.
- خادمی: ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۱۰۰، ۱۱۲.
- خارج المال: ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳.
- خالیاً: ۵۳.
- خانه شمار: ۱۳۷.
- خدام: ۱۸، ۸۴، ۹۲، ۱۲۴.
- خدمت: ۲۰.
- خراج: ۴۹، ۵۶، ۵۸.
- خروار: ۲۰، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۲۴، ۱۲۵.
- ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴.
- خطاب: ۱۵، ۱۷، ۳۰، ۳۱.
- داخل (داخل شد): ۴۹، ۱۱۸.
- داخل شد به حواله بنگرید به داخل (داخل شد).
- داروغگان: ۱۰۱.
- داروغه بازار: ۷۶.



- شربت‌خانه: ۸، ۱۰۹.
- شربت‌دار: ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶.
- شرط‌نامه‌چیه: ۶۴، ۸۰، ۸۲، ۱۲۸، ۱۳۰.
- شرط‌نامه بنگریدبه شرط‌نامه‌چیه.
- شماعی‌خانه: ۵۰.
- شهادت‌نامه: ۸۴.
- شیخ‌الاسلام: ۷۶، ۷۷، ۸۵، ۱۲۵، ۱۳۵.
- شیلان: ۹۵، ۹۶.
- صاحب‌توجیه: ۱۹، ۵۶، ۶۱.
- صاحب‌جمع: ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۵، ۱۱۰.
- صاحب‌جمع عصار‌خانه: ۱۱۰.
- صاحب‌جمعی: ۱۰۹، ۱۱۰.
- صاحب‌نسق: ۷۶، ۱۳۴.
- صاحب‌نسق سرکار فیض‌آثار: ۱۳۴.
- صدارت: ۱۹، ۲۷، ۲۹، ۹۶، ۹۷، ۱۰۳.
- صدر حساب: ۴، ۱۳، ۳۷، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۷.
- صدر خاصه: ۱۸، ۲۴، ۹۷، ۹۹.
- صدرممالک: ۱۸، ۹۷.
- صدور: ۳۶.
- صفاری: ۶۸.
- صورت‌المذکور: ۳۷.
- صورت‌ترقین: ۱۳.
- صورت‌تمسک: ۸۰.
- ضابطه‌نویس: ۱۷.
- طبیب: ۳۶.
- طغرا: ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۹۶، ۱۰۰.
- طومار: ۱۰۵.
- طومار تحویل: ۱۴.
- طومار تحویل: ۱۴.
- طومار حاصل: ۱۴.
- طومار قرارداد: ۱۱۲.
- طومار نذورات: ۱۴.
- طومار نسق: ۵۳، ۶۳، ۱۱۹.
- عریضه: ۴، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۳۷، ۷۶.
- عشرو ده‌نیم: ۳۱، ۳۶، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸.
- عصار‌خانه: ۱۰۹، ۱۱۰.
- علم‌استیفا: ۵۳، ۶۱.
- علیق: ۵۹، ۶۱.
- عوض‌المذکور: ۱۰۷، ۱۲۰.
- غله‌مثالثه: ۲۰، ۱۳۱.
- غله‌مناصفه: ۱۳۴.
- فراش‌آستان قدس: ۳۷.
- فراشی: ۱۸، ۹۹.
- فرد محاسباتی: ۴۴.
- فصول متولی: ۳۵، ۱۰۱.
- قاضی: ۸، ۳۶، ۷۴، ۷۶، ۸۵، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸.
- قانون: ۴۸، ۴۹، ۵۰.
- قباله: ۳۶.
- قبض رسید: ۶۲، ۶۳، ۶۴.
- قبض وصول: ۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۳۲، ۴۳.
- قطع خشتی: ۱۳.
- قورچی: ۱۱۸، ۱۱۹.
- قیمت‌نامه‌چیه: ۷۶.

- کاتبان: ۴۹. محصلان: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۷.
- کاغذ کشمیری: ۱۵. محضر: ۴، ۱۱، ۱۵، ۷۹، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶.
- کاغذ نخودی رنگ: ۱۵. مدد خرج: ۵۹، ۶۱.
- کتابچه ثبت محاسبات: ۴۳. مدد معاش: ۵۱.
- کدخدایان: ۷۶، ۸۴، ۸۵، ۱۲۰، ۱۲۷. کلانتران: ۳۶، ۷۶، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۲۷.
- گواهی نامه: ۱۷، ۸۴. مدرسی: ۱۷، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۶.
- گوشوار (گوشواره): ۴، ۴۴، ۵۸، ۵۹. مرسوم: ۳۶، ۵۹، ۶۱.
- لشکر نویس: ۱۹. مساعده: ۶۸.
- مأکول: ۶۱. مستأجران: ۳۱، ۶۹، ۷۹، ۸۲، ۸۴، ۸۸، ۱۳۰.
- مال وجهات: ۵۰، ۵۸، ۸۰، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹. مستوفی: ۳، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۳، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴.
- مباشران: ۳۱، ۱۰۳. میایعه: ۱۳۵.
- مبیع: ۵۹. متولی: ۳، ۸، ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۶۰، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۶.
- مستوفی ارباب التحاویل: ۵۰. مستوفی الممالک: ۱۹، ۹۲.
- مستوفی لشکر نویس: ۱۹. مستوفی موقوفات ممالک: ۲۳، ۳۶، ۱۰۳.
- مسعر: ۷۷، ۱۲۷. مسفور: ۹۶.
- مسلمیات: ۵۸. مشرف: ۱۵، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۶۹، ۷۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴.
- مثال: ۱۵، ۱۷، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱. مجلس نویس: ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۳۵.
- مُجمَل (دفاتر مجمل): ۴، ۶۵، ۶۶، ۱۲۰. محاضر بنگریدبه محضر.
- محتسب: ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷. محتسب الملک: ۷۶، ۷۷.
- محرران: ۱۵، ۱۷. محصل بنگریدبه محصلان.
- مصالح: ۶۱. مصالحه: ۸۰، ۸۲، ۱۲۸.
- مصالحه نامه: ۷۹، ۸۰. مصحح: ۱۰۳.
- مطبخ: ۸.

- معمار: ۱۲۲، ۳۶.  
مفرد: ۱۳، ۴۹، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۸۰، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۰.  
مقررات: ۱۹، ۲۵، ۳۶، ۴۳، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷.  
مقرری: ۵۹.  
مقطع نامه: ۱۳۲.  
ملبوس: ۶۱.  
ممتاز نویسی: ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۶۶، ۶۹، ۷۳، ۷۴، ۹۱، ۹۵، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۰.  
مناشیر: ۱۷.  
من ذلک: ۴۸، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۱۱۶، ۱۱۸.  
مواجب: ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۳۷، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۸، ۷۳، ۸۴، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۹.  
موکل: ۱۳۴، ۸۶.  
ناظران: ۱۸، ۱۹، ۳۶، ۵۰، ۵۴، ۶۶، ۷۶، ۹۶، ۹۷، ۹۹.  
ناظر بیوتات: ۵۰.  
ناظر دفترخانه: ۱۹.  
نایب متولی: ۱۷، ۱۸، ۳۶.  
نذورات: ۱۴، ۵۶، ۵۸، ۱۱۳.  
نسخه معروضه: ۹۵، ۹۶.  
نشان: ۱۷.  
نفقة القنات: ۵۹.  
نویسنده لشکر: ۵۶.  
هم قلم: ۶۹.  
واعظ استرآباد: ۹۷، ۹۸.  
وجهه: ۶۲، ۱۱۹.  
وجوهات: ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۵، ۸۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۳۷.  
وزن تبریز: ۱۲۴، ۱۲۵.  
وزیر اعظم: ۱۸، ۱۹، ۳۶.  
وزیر بیوتات: ۵۰.  
وظیفه: ۲۰، ۲۳، ۲۸، ۳۶، ۵۹، ۶۱، ۶۸، ۱۳۴.  
وکالت نامه: ۴، ۱۵، ۷۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۳۴.  
وکیل: ۶۹، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶.  
وکیل زراعت: ۱۲۳.

### نمایه دوره‌ها، گروه‌ها و قبیله‌ها

- آق قویونلو: ۹، ۱۰.  
ازبکان: ۷.  
افشاری: ۳۷.  
اوزبکیه: ۷۳.  
تیموریان: ۷.  
سلجوقیان: ۷.  
صفویان: ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۳، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۹، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۴.  
غزنویان: ۷.  
قراقویونلو: ۹، ۱۰.  
مغولان: ۷.

## Foreword

In March 2024, the Asian Research Library and the Organization of Libraries, Museums, and Documentation Center of Āstān Quds Rażavī in Mashhad concluded a memorandum of understanding aimed at promoting research based on the valuable collections held by both institutions and at deepening academic exchange. As the first substantial academic initiative under this MoU, the Asian Research Library invited Dr. Elaheh Mahboub Farimani, Director of the Documentation Center of Āstān Quds Rażavī, to lead a workshop in March 2025 on the typology of Safavid-period Persian documents preserved in the archives. The two-day workshop surveyed diverse types of documents produced in connection with the day-to-day operations of the Razavi Shrine, offering participating researchers and students an exceptionally stimulating learning opportunity. This volume seeks to disseminate the knowledge presented and shared during the workshop.

The cooperation between the two parties to the MoU has also extended to the publication of this volume. The Asian Research Library gratefully acknowledges the generous assistance provided by colleagues in Mashhad, who undertook the typesetting of the Persian section of the volume—indeed, nearly the entirety of its contents. The professional appearance of these pages, perhaps unexpected from a Persian-language publication produced in Japan, is entirely thanks to their invaluable support.

It is our sincere hope that this volume will mark a meaningful step forward in the study of the history and culture of Iran and the Persianate world, and that it will lay a foundation for further research collaboration and for the deepening of a long-term partnership between the Asian Research Library and the Organization of Libraries, Museums, and Documentation Center of Āstān Quds Rażavī.

February 2026

SAGAWA Eiji  
Director, Asian Research Library,  
The University of Tokyo

## 序

2024年3月、東京大学アジア研究図書館とイランのアースターネ・ゴドウス・ラザヴィー図書館・博物館・文書館機構（レザー廟図書館機構）は、両館が所蔵する貴重な資料群に基づく研究を促進し、学術的な交流を深めることを目的として研究交流協定を締結しました。この協定を記念し、2025年3月にはレザー廟図書館機構からエラーヘ マフブーブ・ファリーマーニー文書館長をお招きし、サファヴィー朝期のペルシア語文書類論に関するセミナーを開催しました。このセミナーでは、レザー廟図書館機構が誇る膨大なペルシア語文書コレクションに関する知見が共有され、参加した研究者や学生にとって、非常に刺激的な学びの機会となりました。本書はそのセミナーの成果をまとめたものです。

本書の出版準備にあたり、レザー廟図書館機構より多大なお力添えをいただきました。この場を借りて深く感謝の意を表します。レザー廟図書館機構の惜しみないご協力なくして、本書の刊行は実現し得ませんでした。

この一冊が、ペルシア語圏の歴史・文化に関する研究の新たな一步を記すとともに、東京大学アジア研究図書館とレザー廟図書館機構との研究交流がますます発展し、長期的な協力関係を深める礎となることを心から願ってやみません。

2026年2月

東京大学アジア研究図書館長  
佐川英治



Asian Research Library Series 10

アジア研究図書館叢書 10

A Typology of  
Razavi Shrine Documents from the Safavid Period  
サファヴィー朝期レザー廟文書群の諸類型

Elaheh Mahboub Farimani

エラーヘ マフブーブ・ファリーマーニー

With the cooperation and a Persian preface by

MORIMOTO Kazuo

協力・ペルシア語序文

森本 一夫

東京大学附属図書館アジア研究図書館研究開発部門  
Research Advancement Section for the Asian Research Library,  
The University of Tokyo Library System